

تعقیبات نماز

به ضمیمه

تسییحات حضرت زهراء (علیها السلام)
و نماز جعفر طیار (علیه السلام)

تدوین و تالیف: فخرالدین صانعی

تعقیبات نماز

به ضمیمه

تسبیحات حضرت زهراء (علیها السلام)
و نماز جمع‌ر طیار (علیه السلام)



مؤسسه فرهنگی فقه‌الثقلین

ناشر: انتشارات فقه‌الثقلین
تدوین و تألیف: حجت‌الاسلام والمسلمین فخرالدین صانعی
طراح و صفحه‌آرا: مرتضی فتح‌اللهی
لیتوگرافی: نویس / چاپ: زمزم
نوبت چاپ: اول / پاییز ۱۳۹۵
شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه
بها: ۶۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹ - ۶۰ - ۵۲۸۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸
تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است

دفتر مدیریت:

قم، خیابان شهدا (صفائیه)، کوچه ۳۷ (سپاه)، فرعی ۵ (ناصر)، پلاک ۱۶۲
کدپستی: ۳۷۱۳۷ - ۴۷۶۶۴ صندوق پستی: ۳۷۱۸۵ - ۹۶۷
تلفن: ۸ - ۳۷۸۳۵۱۰۱ (۰۲۵) نمابر: ۳۷۸۳۵۱۰۹ (۰۲۵)

دفتر نشر و بخش:

قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه اول، واحد ۱۳۴
کدپستی: ۳۷۱۵۶ - ۹۹۹۶۵ صندوق پستی: ۳۷۱۸۵ - ۵۵۷
تلفن: ۹۰ - ۳۷۸۳۵۰۹۰ (۰۲۵) نمابر: ۳۷۸۳۵۰۹۱ (۰۲۵)

وب سایت: www.feqh.ir / پست الکترونیکی: info@feqh.ir

- سرشناسه : صانعی، فخرالدین، ۱۳۵۰ -
- عنوان و نام پدیدآور : تعقیبات نماز به ضمیمه تسبیحات حضرت زهرا (علیهاالسلام) و نماز جعفر طیار (علیهالسلام) / تدوین و تالیف فخرالدین صانعی.
- مشخصات نشر : قم: فقه‌الثقلین، ۱۳۹۵.
- مشخصات ظاهری : ۱۹۲ ص؛ ۱۲ × ۱۷ س.م.
- شابک : ۶۰۰۰۰ ریال: 978-600-5280-60-9
- وضعیت فهرست نویسی : فیپا
- یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۸۳ - ۱۹۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.
- موضوع : فاطمه زهرا(س)، ۸؛ قبل از هجرت - ۱۱ق.-- دعا
- موضوع : Fatimah Zahra, The Saint -- Prayer
- موضوع : نماز -- تعقیبات
- موضوع : Salat -- *Ta'qibat
- موضوع : نمازهای مستحب
- موضوع : Salat mostahhab*
- رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۵ ۷تص/۱۸۶ BP
- رده‌بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۳
- شماره کتابشناسی ملی : ۴۴۳۵۹۶۳



پاسخ به مسایل شرعی دفتر حضرت آیت الله العظمی صانعی مدظله العالی

قم - تلفن: ۳۷۷۴۴۷۶۶۷ / ۳۷۷۴۴۰۱۰ / ۳۷۷۴۴۰۰۹ (۰۲۵)
 ۳۷۸۳۱۶۶۰ / ۳۷۸۳۱۶۶۱ / ۳۷۸۳۱۶۶۲
 نمابر: ۳۷۷۳۵۰۸۰ (۰۲۵)
 نشانی: قم، بلوار شهید محمد منتظری، کوچه هشتم، پلاک ۴

نمابر: ۶۶۴۰۹۲۷۸	تلفن: ۵-۶۶۵۶۴۰۰۱	دفتر تهران کارگر جنوبی
نمابر: ۲۲۸۴۷۰۹۵	تلفن: ۲۲۸۸۴۶۰۰ / ۲۲۸۸۵۳۰۰	پاسداران
نمابر: ۸۸۵۸۰۸۲۱	تلفن: ۸۸۵۸۲۶۹۷ / ۸۸۵۸۳۴۲۵ / ۸۸۵۸۳۴۱۵	شهرک غرب
نمابر: ۳۲۲۳۰۳۲۴ (۰۵۱)	تلفن: ۳۲۲۱۰۰۰۲ / ۳۲۲۲۲۲۷۷ / ۳۲۲۵۱۱۵۲	دفتر مشهد
نمابر: ۳۴۴۹۳۳۹۱ (۰۳۱)	تلفن: ۳۴۴۹۷۶۶۰ - ۲	دفتر اصفهان
نمابر: ۳۲۲۲۶۷۰۰ (۰۷۱)	تلفن: ۳۶۲۸۱۹۱۷ / ۳۶۲۷۱۰۹۳ (۰۳۱)	دفتر اصفهان
نمابر: ۳۲۲۵۹۷۷۷ (۰۸۶)	تلفن: ۳۲۲۲۲۲۹۴ / ۳۲۲۴۳۴۹۸ / ۳۲۲۴۳۳۳۴	دفتر شیراز
نمابر: ۳۵۲۵۲۷۷۴ (۰۴۱)	تلفن: ۳۲۲۷۲۰۰۰ / ۳۲۲۷۲۳۰۰	دفتر اراک
	تلفن: ۳۵۲۳۲۰۲۳ / ۳۵۲۶۴۶۲۶	دفتر تبریز
	تلفن: ۳۲۳۳۲۲۷۰ / ۳۲۲۳۳۲۷۰ (۰۱۷)	دفتر گرگان

پاسخگویی به مسایل حج
 تلفن: ۳۷۸۳۱۶۶۰ - ۲ (۰۲۵) همراه: ۰۹۱۲۲۵۱۰۰۰۷

www.saanei.org : آدرس اینترنت
 Istifta @ saanei.org : پاسخ به استفتانات
 Saanei @ saanei.org : تماس با دفتر معظّم له
 Info @ saanei.org : تهیه کتاب
 ۳۰۰۰۷۹۶۰ : سرویس پیام کوتاه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ


عَلَّمَ الْقُرْآنَ
رَبُّكَ يُعَلِّمُكَ
بِالْقَلَمِ
وَمَا كُنْتَ
بِالرَّسُولِ
مِن قَبْلِ
هَذَا





تقدیم

روح پاک مادر عزیز و مهربانم که عمری
چو شمع سوخت تا چراغ هستی‌ام را
روشن نگه دارد. او که در بیت علم و
فقاہت در کنار شوہرگرامی‌اش
حضرت آیت‌اللہ العظمی صانعی مدظلہ
سختی‌ها و مشقت‌های زیادی را
به دوش کشید، هرگز از خدمت، شانه
خالی نکرد و با فداکاری‌هایش یار و یاور
ایشان در تمام زندگی بود. به همین
جهت معظم له در فراغش او را «یار و
یاور پنجاه ساله» خود خطاب کرد و بر
رفتنش اشک اندوه و ماتم ریخت.
روحش شاد و یادش گرامی باد.



فهرست مطالب

۱۲	تقدیم
۱۲	عبادت در آموزه‌های دینی
۲۴	مروری بر زندگی علامه ملا محمد باقر مجلسی
۲۵	در دامان زهد
۲۶	تحصیل
۲۷	تدریس و منبر
۲۹	تألیف بحارالانوار

۲۹ سفر با سلاح قلم
۳۱ تألیف مقباس المصاییح
۳۳ غروب غمگین
۳۶ درآمد
۳۶ اهمیت نماز و تعقیبات آن

بخش اول

تعقیبات نماز، دعا‌های صبح و شام و دعا‌های روزانه
با اقتباس از کتاب مقباس المصاییح / ۴۵

۴۷ فضیلت تعقیب
۵۱ فصل اول: تعقیبات مشترک (تعقیبات مستحب پس از هر نماز)
۵۱ تسبیحات حضرت زهرا (سلام الله علیها)
۵۴ تسبیح تربت امام حسین (علیه السلام)
۷۰ فصل دوم: تعقیبات مخصوص هر نماز
۷۰ یکم: تعقیبات مخصوص نماز ظهر

- دوم: تعقیبات مخصوص نماز عصر ۷۴
- سوم: تعقیبات مخصوص نماز مغرب ۷۷
- چهارم: تعقیبات مخصوص نماز عشاء ۸۱
- پنجم: تعقیبات مخصوص نماز صبح ۸۵
- فصل سوم: فضیلت و کیفیت سجده شکر ۹۶
- دعاهای سجده ۱۰۰
- فصل چهارم: دعاهای صبح و شام ۱۰۵
- فصل پنجم: دعاهای روزانه ۱۲۶
- دعای هر روز ۱۲۶

بخش دوم

ضمائم

تسبیح حضرت زهراء (سلام الله علیها)

نماز جعفر طیار (علیه السلام) / ۱۳۹

- فصل اول: تسبیح حضرت زهراء (سلام الله علیها) ۱۴۱

در آمد	۱۴۱
معانی تسبیح	۱۴۴
داستان تعلیم تسبیح صدیقه‌ی کبری <small>علیه السلام</small>	۱۴۶
تسبیح حضرت زهرا جلوه‌ای از عبادت صدیقه‌ی طاهره <small>علیه السلام</small>	۱۵۱
طریقه گفتن تسبیح آن حضرت	۱۵۶
شرائط و قیود تسبیح	۱۵۹
توجه و حضور قلب	۱۵۹
مداومت و استواری	۱۶۰
ذکر تسبیح بدون وقفه	۱۶۱
پی در پی و رعایت موالات در تسبیح	۱۶۱
برخی از آثار و پیامدهای تسبیح حضرت زهرا <small>علیه السلام</small>	۱۶۲
آمرزش گناهان	۱۶۲
آرامش دل‌ها با تسبیح حضرت زهرا <small>علیه السلام</small>	۱۶۳
دوری از شیطان و رضایت خداوند	۱۶۶
حسن عاقبت	۱۶۷
تسبیح فاطمه <small>علیه السلام</small> برای محفوظ ماندن از خطرات	۱۶۹

- فصل دوم: نماز جعفر طیار (علیه السلام) ۱۷۱
- آداب و کیفیت نماز جعفر طیار ۱۷۵
- دعای پس از اتمام نماز جعفر طیار ۱۷۹
- کتابنامه ۱۸۳

 تقدیم

عبادت در آموزه‌های دینی

عبادت اساس و غایت نهایی آفرینش در خلقت انسان است. خداوند متعال با ذکر این غایت در آیه شریفه ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^۱ هدف از پدید آمدن جن و انس را بندگی و اطاعت از خود دانسته و بر انجام و استمرار آن تشویق و توصیه فرموده است. اگر بخواهیم ذکری و تعریفی از عبادت به دست دهیم باید بگوییم که: حقیقت

۱. سوره ذاریات، آیه ۵۶؛ «جن و آدمیان را نیافریدم مگر این که مرا به یگانگی بپرستند».

عبادت بریدن از منیت نفس «إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ»^۱ و رسیدن به کمال خضوع و خشوع در برابر آفریدگار و پیوستن به عباد مخلص است.

محصول این کمال، تسلیم محض و خالص شدن در برابر وجودی است که ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾^۲ است؛ مالک مُلک و ملکوت و یوم الدین است و با قدرت برتر خود ﴿كَلَّمَحِ الْبَصَرَ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ﴾^۳ با «کُن» پس «یکون» تحقق می‌یابد. بر او غیب و حضور، کائن و مکنون یکی است و اختیار وجودشان به اراده اوست. ﴿وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنَ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا

۱. بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۹۹، أبواب الدعاء، باب ۳۲، أدعية المناجاة، ح ۱۳؛ فرازی از مناجات معروف شعبانیه حضرت علی (علیه السلام)؛ «خداوند! به من برای رسیدن به خودت گسست از بندها عطا فرما».
۲. سوره حدید، آیه ۳؛ «اوست اول و آخر، پیدا و نهان، و اوست که به همه چیز داناست».
۳. سوره نحل، آیه ۷۷؛ «مثل یک چشم برهم زدن یا کمتر از آن».

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا يَأْسِ الْاِلٰهِيْنَ فِيْ كِتٰبٍ مُّبِيْنٍ ﴿١﴾

این ذات مقدّس لایزالِ متعال را چگونه بنده‌ی فقیر، خاشع
و فروتن نباشد و به شکر او در نیاید؟!
از دست و زبان که برآید
کز عهده شکرش بدرآید
بنده همان به که ز تقصیر خویش
عذر به درگاه خدای آورد
ور نه سزاوار خداوندیش

کس نتواند که به جای آورد.^۲
اگر نبود فرمان بندگی، بندگی خود نیز تقصیری بزرگ
بود و بنده را یارای سخن گفتن با وجود اعلا و با عظمت حق

۱. سوره انعام، آیه ۵۹؛ «کلیدهای غیب نزد اوست، جز او کسی آنها را نمی‌داند، و به آنچه در خشکی و دریاست داناست، و هیچ برگی (از درخت) نمی‌افتد مگر آنکه خدا بر آن آگاه است، و نه هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های درون زمین و نه هیچ تری و نه هیچ خشکی، مگر آنکه در نوشته‌ای روشن محفوظ است.»

۲. دیباچه گلستان سعدی، ص ۵.

تعالی، نبود. بگذریم که باید به لطایف سخنان عرفا دل داد که فرمودند: اگر تمامی حجاب‌هایی که بین عبد و مولاست از میان برداشته شود، بندگی هم خود حجابی است که آن را نتوان برداشت.

ولی به هر حال به لطف خالق هستی، بندگان مأمور به بندگی و اطاعت شده‌اند و از این منظر، هر عملی که به مرحله عبادت پروردگار منتهی شود، مطلوب است و کوشش در تقویت، و پایداری بر انجام آنها آثار ارزشمندی را در روح و روان آدمی و بالطبع جامعه انسانی به ارمغان خواهد آورد.

با این بیان کوتاه می‌گوییم؛ عبادات در معارف دینی ما در دو قاب مطرح شده است: قاب اول عبادات «حُکمی و وجوبی» و دوم عبادات «ترغیبی و مستحبی».

در عبادات حُکمی که انجام ندادن آنها، از ناحیه شرع مقدّس جرم محسوب می‌شود و فرار یا غفلت از آنها نیز آثار سوءِ دنیایی و آخروی به بار می‌آورد، عمل به آنها هم، علاوه بر اجر و ثواب آخروی، آثار نیکِ دنیایی؛ هم به لحاظ فردی

و هم به لحاظ اجتماعی به وجود خواهد آورد. اما در «عبادات ترغیبی» که مکمل و محافظ «عبادات وجوبی» هستند، انجام آنها به قدر امکان و مقدور و میسور توصیه و سفارش شده است. در این دسته از عبادات، کشش و رغبت قلبی برای انجام آنها، ملاک عمل قرار گرفته تا نشاط و شادابی معنوی آن ماندگار باشد. چنانچه حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه می فرماید:

إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَاً وَإِدْبَاراً فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَاحْمِلُوهَا عَلَى النَّوَافِلِ وَ
إِذَا أَدْبَرَتْ فَاقْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْفَرَائِضِ؛^۱

وجود آدمی هم دارای حالت شوق، رغبت و نشاط است و هم دارای حالت کسالت، خستگی و بی حالی؛ پس آنگاه که در حالت شوق، رغبت و نشاط است او را به انجام مستحبات وا دارید و آنگاه که در حالت کسالت، خستگی و بی حالی است تنها به انجام واجبات قناعت کنید.

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار، حکمت ۳۱۲.

مقصد در «عبادات ترغیبی» تنها برای بهره‌مندی از ثواب بیشتر نیست، بلکه در این عبادات، ترقی معنوی و رسیدن به کمال روحی مدّ نظر قرار گرفته تا از مسیر آنها عبودیت و بندگی در محضر خداوند حاصل گردد. در عبادات مستحبی چون داعی بر الزام وجود ندارد و انسان با شوق به مطلوبیت و انجام عمل نیک و حَسَن اقدام می‌کند، به نظر می‌رسد روحانیت آن هم بیشتر و قُرب به آفریدگار سریع‌تر باشد؛ اگرچه مصادیق و اقسام مختلف عبادات مستحبی از نظر ارزش و مقامات معنوی برای تقرّب به خداوند کریم، متفاوت باشند؛ مانند نماز شب که از نوافل مورد عنایت و تأکید فراوان ائمه دین (علیهم السلام) بوده و آثار و فضایل زیادی بر آن نقل شده است.

آدمی با میل قلبی و باطنی و بدون فرمان و اجبار، به اعمال و اذکاری اقبال می‌کند که در جای خود سختی و در مواقعی هم مشقّت‌هایی دارد؛ ولی با این حال به جای آوردن آنها برای فرد باعث لذت معنوی می‌شود، این لذت معنوی در این

قسم از عبادات، نشان دهنده‌ی قصد قُربت و نیتِ خالص است. از این منظر حتی شاید بتوان بر خلوص نیت در اعمال و عبادات مستحبی، بهتر از عبادات وجوبی مهر تأیید وارد کرد. در اینجا ذکر این نکته در «عبادات مستحبی» لازم به نظر می‌رسد که اگر به جا آوردن این گونه عبادات، ادعیه، اذکار و تعقیبات مانع یا مزاحمت برای انجام کارهای روزمره‌ی آدمی باشد، باید به اصل «الأهم فالأهم» که همان اهمّیت و اولویت دادن به زندگی و خانواده است مبادرت ورزید و از افراط و زیاده‌روی در اعمال و امور مستحبی، اجتناب کرد؛ به ویژه در «تعقیبات نماز» که موضوع این نوشتار را شامل می‌شود.

ثقة الاسلام کلینی در کتاب شریف کافی بابی را به موضوع «الإقتصاد فی العبادة؛ میانه‌روی در عبادت» اختصاص داده و چند روایت را در این باب نقل نموده است. در اینجا به روایت اول این باب بسنده می‌کنیم که: امام باقر (علیه‌السلام) از قول رسول گرامی اسلام حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله)

می فرماید:

إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ فَأَوْغِلُوا فِيهِ بِرَفْقٍ وَلَا تُكْرَهُوا عِبَادَةَ اللَّهِ
إِلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ فَتَكُونُوا كَالرَّاكِبِ الْمُنْبَتِّ الَّذِي لَا سَفْرًا قَطَعَ وَ
لَا ظَهْرًا أَبْقَىٰ؛^۱

همانا دین اسلام دینی استوار و متین است؛ پس با نرمی و ملایمت در این دین درآیید. (یعنی به ویژگی انصاف و ملایمت دین اسلام نگاه کنید و آنرا سرلوحه‌ی رفتار خود در زندگی قرار دهید تا زیبایی و جذبه‌ی آن موجب اقبال و رشد عامه‌ی مردم گردد.) و عبادت خدا را به بندگانش با اجبار و کراهت تحمیل نکنید تا مانند سواره‌ی بی‌رحمی باشید که نه مسافت را پیموده و نه مرکبی را باقی گذاشته است. (یعنی با فشار و بی‌رحمی بر مرکب خود هم مرکب را از پای انداخته و هم از سفر باز مانده است).

و چنانچه علامه مجلسی نیز بر این مطلب تصریح دارد که:

۱. کافی، ج ۲، ص ۸۶، باب الاقتصاد فی العبادة، ح ۱.

«چون مداومت بر همه‌ی این دعاها میسر نیست اگر آنچه به سند صحیح وارد شده است مداومت نمایند، و سایر دعاها به نوبت و گاه‌گاہ می‌خوانده باشند، خصوصاً در هنگام عروض شدت‌ی و حاجتی، بد نخواهد بود؛ تا آنکه از برکات هر یک حسب المقدور بهره‌مند گردند»^۱.

بنابراین، باید به تناسب احوال، استعداد، فرصت، زمان و مکان بر انجام این عبادات اقدام نمود تا ضمن حفظ نشاط معنوی، از بازماندن در امور زندگی و اشتغالات فردی و اجتماعی، جلوگیری شود و تمام آنات زندگی به درستی مدیریت شده و از وقت بهینه استفاده گردد. هم‌چنانکه علامه مجلسی می‌فرماید: «چون وقت، وفا به خواندن همه نمی‌کند، به هر قدر که فرصت و وقت وفا کند بخواند؛ و اگر گاهی بعضی و گاهی دیگر را بخواند خوبست؛ و بعضی از علما تجویز کرده‌اند که در عددها تخفیف دهد»^۲.

خوانندگان محترم توجه دارند که تلاوت قرآن نیز بر

۱. مقیاس المصابیح، ص ۲۸۱.

۲. مقیاس المصابیح، ص ۱۷۸.

اساس آیه شریفه ﴿فَاقْرَأْ مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾^۱ بر همین معنا دلالت دارد؛ البته مشروط به این که هم حق مطلب ادا شده باشد و هم نشاط و ملاحظت عبادات و ادعیه، حفظ شود.

با توجه به مطالب یاد شده و کثرت تعقیبات و اذکار پس از نماز، این نوشتار کوشیده است با حفظ اصل محتوای ادعیه و اذکار، اختصار را نیز رعایت نماید.

لذا آنچه در این دفتر به نام «تعقیبات نماز» و دعاهای صبح و شام و دعاهای روزانه آورده شده اقتباسی است از کتاب گران سنگ «مقباس المصابیح» اثر ماندگار عالم شهیر علامه ملا محمد باقر مجلسی (قدس سره) که با توصیه، تشویق و ترغیب والد ماجد؛ حضرت آیت الله العظمی صانعی (مدظله العالی) تنظیم و مهیای چاپ گردیده است. نکته‌ای که این ناچیز در گاه احدیت بر خود لازم می‌دانم تا حق خوانندگان محترم و ارادتمندان به آن فقیه اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) را به جا آورده باشم، اینست که:

۱. سوره مزمل، آیه ۲۰؛ «قرآن را به هر اندازه که می‌توانید، تلاوت نمایید».

اگرچه معظم له در سطوح مختلف جامعه به نواندیشی در فقه و فقاہت مشهور است و البته که دستاورهای نواندیشانه‌ی این فقیه بر پایه‌ی موازین اجتهاد و استنباط و با تکیه بر «اجتهاد جواهری» و اجتهادات مرسوم در حوزه‌های علمیه است و از این رهگذر با به کارگیری اصول و مبانی شرعی و عقلی؛ همچون: کرامت انسان، عدالت، انصاف و سهولت در احکام، بسیاری از آراء و دیدگاه‌های مشهور را به چالش کشیده و شبهات وارده بر فقه و احکام شرعی را پاسخ داده و نظریات نوین و راهگشا را ارائه نمودند، لیکن در عین این مزیت و توانمندی، در عرصه دعا و آثار معرفتی و همچنین در عزاداری، توسل و زیارت حضرات معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین)، علایق و سلیق خاصی را دنبال می‌کنند؛ به ویژه در زیارات و عزاداری‌ها که بر مَشی سَنّتی، سادگی و همراهی با عامه‌ی مردم و پرهیز از عناوین دنیوی و دلدادگی محض، تأکید فراوارن دارند که این روش‌ها و منش‌ها در نوع خود بدیع و نشان از معرفت و دقت نظر ایشان

در این زمینه‌هاست.

والد محترم با سرمایه خواندن دعاها و زیارات مأثورہی ائمه معصومین (علیہم‌السلام) به ویژه دعاہای صحیفہی عزیزہی سجادیه (علیہ‌السلام)، پرواز آدمی را در تقرّب به پروردگار در سایه این دعاها دانسته و بر قرائت دعاہایی چون: دعای کمیل، دعاہای وارده در ماه مبارک رمضان، حدیث کساء، زیارت جامعہ کبیرہ، زیارت امین الله و...، تأکید و تحفظ دارد.

بگذریم کہ آنچه در این مجال بر زبان قلم جاری شد، تنها ایفای وظیفہ بود و نہ غیر آن؛ تقبل منّا.

با این وصف، این حقیر ہم با مراجعه به نسخه‌ای کہ در اختیار والد بزرگوار بوده و الهام از حواشی معظم‌له در این کتاب قیم، تصمیم به جداسازی برخی دعاہای موجود در این کتاب نموده‌ام. با این مبنا کہ دعاہای مختصر را با مضامین و محتوای بلند و سندہای معتبر گزینش نموده تا طالبان عزیز با ہر فرصت و احوال، رغبت به قرائت آن داشته باشند. انشاءالله. البته در انتہای این مجموعہ دو عمل عبادی ہم بدان

ضمیمه شده که در متون صحیفه‌ی دعایی شیعه جایگاهی بس رفیع دارند، و آن: یکی تسبیحات حضرت فاطمه زهراء (سلام‌الله‌علیها) و دوم نماز جعفر طیار (علیه‌السلام) است. این دو ضمیمه در گذشته نیز به صورت مجزاً به همت انتشارات فقه الثقلین منتشر شده و هم‌اینک در این جلوه در کنار «تعقیبات نماز» تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد.

در اینجا لازم است قبل از پرداختن به اصل موضوع و به جهت ادای دینی که علامه‌ی مجلسی (قدس سره) بر همه‌ی دوست‌داران و علاقه‌مندان به وجود مقدس ائمه طاهریں (علیهم‌السلام) و سخنان گهربار آنان، دارند و همچنین به جهت آشنایی خوانندگان گرامی با این محدث بزرگ، شمه‌ای از زندگی ایشان را در اینجا به اختصار اشاره می‌نمایم:

مروری بر زندگی علامه ملا محمد باقر مجلسی

ملا محمد باقر مجلسی مشهور به «مجلسی دوم» به سال ۱۰۳۷ هجری؛ مساوی با عدد ابجدی جمله «جامع کتاب

بحار الانوار» در اصفهان چشم به جهان گشود.^۱ پدرش ملا محمد تقی مجلسی مشهور به «مجلسی اول» از شاگردان بزرگ شیخ بهایی و در علوم اسلامی از سرآمدان روزگار خود به شمار می‌رفت. مادر ایشان دختر صدرالدین محمد عاشوری^۲ است که خود از پرورش یافتگان خاندان علم و فضیلت بود.

در دامان زهد

وی در خاندانی رشد و نمو کرد که از نیمه قرن پنجم هجری به تشیع در میان مردم مشهور بودند و بسیاری از افراد این خانواده در قرن دهم و یازدهم از دانشمندان معروف زمان خود به شمار می‌رفتند.^۳ پدر بزرگش «ملا محمد مقصود» از دانشمندان با تقوا و از مروّجین مذهب تشیع بود. وی به خاطر

۱. ریحانة الأدب، ج ۵، ص ۱۹۶.

۲. نک: الذریعه، ج ۱، ص ۱۵۱.

۳. بنگرید: زندگی‌نامه علامه مجلسی، ج ۱، ص ۵۳.

کلام زیبا و اشعار دلنشین و رفتار و گفتار نیکو در محافل و مجالس به «مجلسی» لقب یافته بود و پس از آن، این خاندان بدین نام شهرت یافتند.^۱

تحصیل

ملا محمد باقر درس و بحث را در چهار سالگی نزد پدر آغاز کرد.^۲ نبوغ سرشار او به حدی بود که در چهارده سالگی از فیلسوف بزرگ اسلامی ملاصدرا اجازه روایت گرفت.^۳ و سپس در حضور استادانی چون علامه حسن علی شوشتری، امیر محمد مؤمن استرآبادی، میرزای جزایری، شیخ خُرّ عاملی، ملا محسن استرآبادی، ملا محسن فیض کاشانی، ملا صالح مازندرانی، زانوی ادب زد و از خرمن علم و معرفت هر یک خوشه‌ها چید و در این کوشش خستگی ناپذیر پای

۱. نک: کارنامه علامه مجلسی، ص ۱۴۵.

۲. زندگی نامه علامه مجلسی، ج ۱، ص ۵۵.

۳. همان، ص ۴۲۶.

درس بیش از بیست و یک استاد نشست.^۱ و از افکار و عقاید و اندیشه‌های آنان بهره‌ها جست. وی در اندک زمانی بر دانش‌های صرف و نحو، معانی و بیان، لغت و ریاضی، تاریخ و فلسفه، حدیث و رجال، درایه و اصول و فقه و کلام احاطه کامل پیدا کرد.

تدریس و منبر

مجلسی که در مدرسه ملا عبدالله در بازار بزرگ اصفهان به اقامه نماز و تدریس اشتغال داشت بعد از رحلت پدر بزرگوارش، در مسجد جامع اصفهان به اقامه نماز و درس دادن مشغول گشت.^۲ در پای درس او بیش از هزار طلبه می‌نشستند و از نور علم و معرفت، دل‌های خود را جلا می‌دادند. سید نعمت الله جزایری که نامی‌ترین شاگرد اوست، می‌گوید: «با آنکه در سن جوانی به سر می‌برد چنان در علوم

۱. بنگرید به: یادنامه علامه مجلسی، ص ۵.

۲. همان.

تتبع کرده بود که احدی از علمای زمانش به آن پایه نرسیده بودند.^۱ «هنگامی که در مسجد جامع اصفهان مردم را موعظه می کرد هیچ کس را فصیح تر و خوش کلام تر از او ندیدم. حدیثی که شب مطالعه می کردم چون صبح از او می شنیدم چنان بیان می کرد که گویی هرگز آن را نشنیده‌ام».^۲

در عین حال تواضع و بزرگ منشی او چنان بود که بسیاری از بزرگان آن دوره برای نشان دادن ارادت خود به او و شناساندن ارزش علامه به طلاب جوان، گاهی به پای درس ایشان حاضر می شدند. شیخ محمد فاضل - با اینکه مجلس درس و مباحثه داشت - به حوزه درس علامه حاضر می شد و عملاً به طلاب درس تواضع می آموخت و علامه نیز در مقابل به شاگردانش اظهار می داشت: استفاده او از من کمتر از استفاده من از اوست، بلکه استفاده من از او بیشتر است.^۳

۱. نایغه فقه و حدیث، ص ۱۴۸.

۲. زندگی نامه علامه مجلسی، ج ۱، ص ۱۴۸.

۳. همان، ص ۶۶.

تألیف بحار الانوار

علامه مجلسی با خود چنین اندیشید که باید گهرهای گرانبهای اهل بیت (علیهم السلام) را که از اطراف و اکناف جمع کرده است در قالب محرابی زیبا به نام «بحار الأنوار» بگنجاند تا نه تنها طلاب بلکه تمام شیعیان در این محراب به سوی قبله دل‌ها؛ یعنی کلام اهل بیت (علیهم السلام) به نماز عشق بایستند و بدین وسیله راه را از چاه و درست را از نادرست تشخیص دهند تا هر زمان هر مکتبی درباره هر مطلبی، کلامی از اهل بیت خواست شیعیان با انگشت اشاره، محراب زیبای «بحار» را نشانه روند. از این رو دست به کاری عظیم زد و شروع به نگارش این دایرةالمعارف بزرگ تشیع کرد.

سفر با سلاح قلم

علامه مجلسی هیچ گاه در سفر، قلم را از خود جدا نمی کرد و همواره آن را چون دل خویش صیقل می داد و با آن سخن می نوشت و سخن می گفت. علامه جلد بیست و دوم بحار الأنوار

را در نجف اشرف بعد از مراجعت از سفر حج تألیف نمود.^۱ و در مراجعت از سفر خراسان در بین راه ترجمه خطبه‌ی امام رضا (علیه‌السلام) و رساله و جیزه رجب را نگاشت.^۲

در هنگام سفرهای علامه، طلاب فرصت را غنیمت می‌شمردند و با او همراه می‌شدند تا در فضایی ساده و دوستانه، سعادت واقعی را در کلام او جستجو کنند. میر محمد خاتون آبادی می‌گوید: «من در اوان کودکی در تحصیل حکمت و معقول حریص بودم و تمام اوقات عمر خود را در آن مصروف می‌داشتم تا آنکه در راه حج به صحبت علامه ملا محمد باقر مجلسی مشرف گردیدم و با او ارتباط نزدیک یافتم و از نور علم و هدایتش رهبری شدم و به تحصیل و تتبع در کتب فقه و حدیث و علوم مشغول شدم و مدت چهل سال بقیه عمرم را از فیوضات او بهره‌مند شدم».^۳

در روزهایی که علامه مجلسی در مشهد مقدس برای

۱. نک: زندگی نامه علامه مجلسی، ج ۱، ص ۱۶۰.

۲. نک: همان مدرک، ص ۱۶۱.

۳. الکنی و الألقاب، ج ۳، ص ۱۲۳.

زیارت مشرف بود جمعی انبوه از علما، فضلا و طلاب جهت استفاده از علوم او تقاضای درس حدیث می کردند و علامه مجلسی چهل حدیث (أربعون حدیث) را در این ایام نوشت. هنگامی که علامه شرح اربعین را به اتمام رساند یکی از فضلاء اهل سنت بعد از دیدن کتاب از راه انصاف و محبت گفت: «ما گمان می کردیم پایه علمی علامه مجلسی منحصر به ترجمه کتاب از عربی به فارسی است تا اینکه کتاب «السماء و العالم»، «بحار» و «شرح اربعین» او را دیدم، دانستم که علامه مجلسی دانایی است که مافوق او در علم نمی باشد»^۱.

تألیف مقباس المصابیح

کتاب «مقباس المصابیح» نیز که مجموعه حاضر برگرفته از آن کتاب ارزشمند است از زمان تألیف تاکنون، مورد توجه فراوان عالمان شیعه قرار گرفته و در طی این مدت، نمونه‌های

۱. زندگی نامه علامه مجلسی، ج ۱، ص ۱۶۱.

زیادی از آن استنساخ شده است، به طوری که هم اکنون بیش از ۸۰ نسخه از این کتاب شریف در کتابخانه‌های کشور موجود است و این فراوانی نسخ خطی، بیانگر اهتمام دانشمندان به آن در طول زمان بوده است.

علامه مجلسی درباره علت تألیف این کتاب می‌نویسد: «أما بعد...: چون اشرف عبادات بدئیّه نماز است، و تعقیبات مأثوره را در تکمیل صلوات مدخلیتی عظیم هست؛ و ایضاً موجب رفع درجات، و حطّ سیئات، و حصول مطالب و حاجات می‌گردند، و هیچ راه از طُرُقِ قُربِ رافع الدرجات، به دعا و مناجات نمی‌رسد؛ و کتب و رسائل که در این مطلب تدوین شده محیط به همه‌ی آنها نیست، و بسیاری از آنها که به اسانید صحیحه منقول گردیده، ایراد نموده‌اند و بعضی از آنها که ایراد نموده‌اند خصوصیتی به تعقیب ندارد، و بعضی که مخصوص به نماز خاصّی وارد شده در تعقیب مطلق صلوات ایراد نموده‌اند؛ و چون این قاصر جمیع آنها را در کتاب بحارالانوار به طرق متعدّده ایراد

کرده‌ام، به خاطر فاتر رسید اکثر آنها را در رساله‌ای جدا جمع کنم، و به فارسی احادیث آنها را ترجمه نمایم تا عامّی خلق از آن بهره‌مند توانند شد، و در ضمن نقل هر یک، اشاره به صحّت و قوّت هر یک به حسب سند بشود که اگر ناقد بصیر خواهد که بعضی را اختیار نماید راه امتیاز را داند؛ و دعا‌های صبح و شام و سایر ساعات لیل و نهار را اضافه نمودم، و بر ده فصل مرتّب گردانیدم، و چون ادعیه را از کتب معتبره‌ی علمای سلف (رضوان‌الله‌علیهم) و مصباحها که در دعا تألیف نموده‌اند اقتباس نموده به «مقباس المصابیح» مسمّی ساختم.^۱

غروب غمگین

عالم خستگی ناپذیر مرحوم علامه مجلسی (رحمة‌الله علیه) پس از عمری در راستای احیای احادیث گرانبهای

۱. مقباس المصابیح، ص ۴۳ و ۴۴.

اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) سپری شد بالأخره در ۲۷ رمضان سال ۱۱۱۱ ق. وفات نمود و پیکر پاک ایشان در کنار مسجد جامع اصفهان و در کنار مزار پدر فرزانه اش محمد تقی مجلسی به خاک سپرده شد.^۱ اکنون مزار آن دو بزرگوار مورد توجه مردم متدین و محبّ اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) می باشد که با توسل به آنان حکایت های فراوانی در رفع حوائج مؤمنین از این بقعه ی شریفه ثبت و ضبط گردیده است.

در پایان یادآوری این نکته ضروری می نماید که: در حدّ امکان سعی شده عبارات توضیحی علامه مجلسی در این مجموعه ای که در پی می آید، مصون از تغییر بماند تا شاید انفاس قدسیه آن عالم ربّانی، که در کلمات و جملات نوشتاری ایشان متبلور شده است، به روح و جان

۱. نک: قصص العلماء، ص ۲۰۵.

خوانندگان گرامی منتقل و بهره وافی را از قرائت این
دعاهای دلنشین برده و ما و تمامی مؤمنین را از دعای خیر
خود بی نصیب نمایند. انشاءالله.

فخرالدین صانعی / ذی القعدة ۱۴۳۷

برابر با: شهریور ۱۳۹۵ / قم المقدسه

 درآمد

اهمیت نماز و تعقیبات آن

نماز از مهم‌ترین اعمال دینی و عبادی و اولین فریضه از فروع دین است که قرآن و بسیاری از روایات در اهمیت آن سخن گفته‌اند. در رساله‌ی حقوق امام سجاد (علیه السلام) درباره حق نماز آمده است:

أَمَّا حَقُّ الصَّلَاةِ؛ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهَا وَفَادَةٌ إِلَى اللَّهِ وَأَنَّكَ قَائِمٌ بِهَا
 بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ فَإِذَا عَلِمْتَ ذَلِكَ كُنْتَ خَلِيقًا أَنْ تَقُومَ فِيهَا مَقَامَ
 الذَّلِيلِ الرَّاغِبِ الرَّاهِبِ الْخَائِفِ الرَّاجِي الْمَسْكِينِ

الْمُتَضَرِّعِ، الْمُعَظَّمِ مَنْ قَامَ بَيْنَ يَدَيْهِ بِالسُّكُونِ وَالْإِطْرَاقِ
وَحُشُوعِ الْأَطْرَافِ، وَلَيْنِ الْجَنَاحِ، وَحُسْنِ الْمُنَاجَاةِ لَهُ فِي
نَفْسِهِ وَالطَّلَبِ إِلَيْهِ فِي فَكَائِكَ رَقَبَتِكَ الَّتِي أَحَاطَتْ بِهَا
خَطِيئَتُكَ، وَاسْتَهْلَكْتَهَا ذُنُوبُكَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛^۱

اما حق نماز! بدان که آن حضور در محضر خداوند است و تو در برابر خداوند متعال ایستاده‌ای. وقتی متوجه این نکته شدی سزاوار است که در این محضر مانند عبد ذلیلی که رغبت به تقرّب و نزدیک شدن به مولایش را دارد حاضر شوی، در حالی که به سبب گناهانت از او هراس داری به لطف و کرمش امیدوار باشی، با اظهار درماندگی به تضرّع و زاری پردازی، حضور در محضر او را بزرگ بدانی، با آرامش و وقار و زیبایی در گفتار، آزادی از عذاب و آتش را تمنا کنی؛ زیرا که خطا و گناهان تو را در بند کشیده‌اند و

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۵۷، أبواب جهاد النفس، باب ۳، جملة ما ينبغى القيام به من الحقوق الواجبة و المندوبة، ح ۱.

به سوی هلاکت و نیستی برده‌اند؛ و قوتی نیست مگر به اراده‌ی خداوند متعال.

هدف از نماز ذکر و تقرب است و ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ ذکر است که مکرر در هر نماز بر زبان جاری است. امیرمؤمنان (علیه‌السلام) که بعد از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) خالص‌ترین و برترین بنده خداوند است، بهترین ذاکرین را چنین توصیف و معرفی می‌کند: «خوشا به حال آنان که در مناجات با خدا دلشان مشغول به آنچه چشم می‌بیند و گوش می‌شنود، نیست.»^۱

یکی از شروط هر عبادت حضور قلب است. نماز هم از این قاعده مستثنی^۱ نبوده و عبادتی برای برون رفت از غفلت و توجه داشتن به معبود است. رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند:

خداوند نماز و مناسک حج را برای احیای یاد خود

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۶، کتاب الإیمان و الکفر، باب الإخلاص، ح ۳.

قرار داد. اگر کسی این اعمال را با غفلت از یاد خدا انجام دهد ارزشی نخواهد داشت.^۱

وقتی نماز گزار موقعیت خود را درک کرده و بفهمد که کجا ایستاده و با که سخن می گوید، همین اندیشه او را از معصیت باز خواهد داشت. دل خائف و قلب امیدوار، پشتوانه‌ی زبان صادق و راستگوی است. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «برترین مردم کسی است که شیفته و بی‌قرار عبادت است، آن را در آغوش کشیده و مانند عاشق با همه‌ی وجود عبادت می‌کند. او از صمیم قلب راز و نیاز با خدا را دوست دارد».^۲

علاوه بر اصل نماز که جزو برترین عبادات محسوب می‌شود، این فریضه مقدماتی برای صحت و تعقیباتی برای تکمیل اصل آن دارد.

«تعقیب» در لغت از «عقب» به معنای چیزی که بعد از چیز

۱. محجة البیضاء، ج ۱، ص ۳۵۰، کتاب أسرار الصلاة و مهماتها، فضیلة الخشوع و معناه.

۲. کافی، ج ۲، ص ۸۳، کتاب الإیمان و الکفر، باب العبادة، ح ۳.

دیگر می‌آید.^۱ و در اصطلاح به برخی از اذکار و ادعیه‌های مستحب که بعد از نماز، خواندنی است؛ گفته می‌شود که هم می‌تواند شامل آیاتی از قرآن باشد؛ مانند آیات پایانی سوره بقره؛ و هم می‌تواند شامل دعا و ذکر و حتی گریه و تضرع به درگاه الهی باشد. همچنین استمرار بخشیدن به حالت نماز و خواندن دعای مستحب را «تعقیب» می‌گویند.^۲

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است که پدر بزرگوارشان در ذیل آیه ﴿فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ﴾^۳ فرموده‌اند:

بعد از اینکه نمازت را خواندی و سلام دادی، در همان حالی که نشسته‌ای، در دعا کردن برای امور دنیا و آخرت بکوش و وقتی که از دعا فارغ شدی، مُلْتَمِسانه

۱. نک: مفردات راغب؛ ص ۵۷۶؛ أقرب الموارد، ج ۳، ص ۵۹۵.
۲. نک: بحارالأنوار، ج ۸۲، ص ۳۱۳، کتاب الصلاة، باب ۳۶، فضل التعقیب و شرائطه و آدابه.
۳. سوره انشراح، آیات ۷ و ۸.

از خدا بخواه که نمازت را از تو بپذیرد.^۱
رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) هم فرمودند:
هنگامی که بنده از نماز فارغ می شود و حاجتی از خدا
نمی خواهد، خدا به فرشتگان می فرماید: به این بنده‌ی
من نگاه کنید، نماز واجبش را خواند، اما از من
درخواستی نکرد؛ مثل اینکه او خودش را از من بی نیاز
می داند...^۲

تعقیبات نماز صرف خواندن موارد کلیشه‌ای از ادعیه و
مناجات نیست، بلکه نوعی اُنس با خداوند متعال، حمد او و
اثبات بندگی است. نماز عبادت توقیفی است و مراد از آن
اطاعت خدا به همان شیوه‌ی ذکر شده می باشد؛ اما تعقیب،
نیایش با خدا به همان شیوه‌ای است که بنده با آن اقناع

۱. قُرب الإسناد، ص ۷، فی الدعاء، ح ۲۲؛ وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۳۱،
أبواب التعقیب، باب ۱، استحبابه و تأکده بعد الصبح و العصر، ح ۷؛
بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۳۲۵، کتاب الصلاة، باب ۳۶، فضل التعقیب و
شراطه و آدابه، ح ۱۹.
۲. بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۳۲۵، کتاب الصلاة، باب ۳۶، فضل التعقیب و
شراطه و آدابه، ح ۱۸.

می‌شود. همچنین نوعی بدرقه‌ی نماز است؛ همان‌گونه که اذان و اقامه نوعی استقبال از نماز است و بی‌اعتنایی به آن به معنای بی‌علاقه بودن به نماز است.

می‌توان گفت: مهمان در صورتی حق میزبان را ادا می‌کند که قبل از اطعام و پس از آن نیز با صاحب خانه هم‌کلام و هم‌نشین باشد؛ وگرنه کسی که خود را به سر سفره برساند و بخورد و بدون تشکر و خداحافظی میزبان را ترک کند، رسم ادب را به جا نیاورده است.

بنابراین شایسته است که پس از پایان نماز کمی نشسته و دعا و ذکر گفته و خدا را حمد و ستایش کرد، حاجات خود را از او خواسته و حالت معنوی نماز و صورت زیبای عبادت و بندگی را تا درنگی پس از نماز، نگه داشت.

از روایات استفاده می‌شود که «تعقیبات نماز» از مستحبات مؤکد است. بهتر است پیش از حرکت از جای خود و بطلان وضو، غسل یا تیمم، رو به قبله تعقیب را بخوانند. لازم نیست تعقیب به عربی باشد؛ اما بهتر است از کتاب‌های دعا و آنچه

سفارش شده خوانده شود و در معنای آن نیز دقت شود.
برای «تعقیبات نماز» دعا‌های فراوانی از ائمه اطهار (علیهم السلام) وارد شده است که مداومت بر آنها موجب ترفیع درجه‌ی معنوی و آمرزش گناهان خواهد شد.
تعقیبات علاوه بر اکمال نماز،^۱ موجب فزونی روزی^۲ نیز می‌گردند که در لسان روایات به آن اشاره شده است. در اهمیت انجام تعقیبات همین بس که دعای بعد از نماز واجب، از نماز مستحب، برتر دانسته شده است.^۳ شاید یکی از علل آن این نکته باشد که تا هنگامی که مؤمن در آن حالت مشغول ذکر خداست، گویا نماز می‌خواند و در این حالت ثواب نماز

۱. بنگرید به: بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۳۸، کتاب الصلاة، باب ۳۸، سائر ما يستحبّ عقیب کلّ الصلاة، ح ۴۵.

۲. بنگرید به: خصال، ج ۲، ص ۶۳۵، باب الواحد إلى الماء، ح ۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۳۱۸، کتاب الصلاة، باب ۳۶، فضل التعقیب و شرائطه و آدابیه، ح ۲.

۳. نک: دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۶۶، کتاب الصلاة، ذکر الدعاء بعد الصلاة؛ بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۳۲۶، کتاب الصلاة، باب ۳۶، فضل التعقیب و شرائطه و آدابیه، ح ۲۰.

را هم داراست.

شاید گفته شود که باید همه‌ی شرایط نماز در تعقیبات هم رعایت شود؛ لیکن باید گفت که دلیلی بر رعایت حالات نماز در تعقیبات وجود ندارد؛ اگرچه شاید حالت نماز و وجود شرایط آن در تعقیبات بهتر از حالات خروج از نماز باشد؛ اما ظاهر امر این است که هر ذکری پس از نماز، به هر حالتی ثواب تعقیبات نماز را دارد؛ هر چند در حال راه رفتن باشد. همانطور که علامه مجلسی و پدر بزرگوارش می‌فرمایند: «ظاهر آن است که بر هر حالی که بعد از نماز مشغول قرآن و دعا و ذکر باشد، ثواب تعقیب فی الجملة داشته باشد، اگرچه در راه رفتن باشد».^۱

۱. مقیاس المصابیح، ص ۴۸؛ روضة المتقین (ط.ق)، ج ۲، ص ۸۳۴، أبواب الصلاة و حدودها، باب نوادر الصلوات، ذیل حدیث ۱۵۷۲؛ بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۳۱۶، کتاب الصلاة، باب ۳۶، فضل التعقیب و شرائطه و آدابہ.

بخش اول

تعقیبات نماز،

دعاهای صبح و شام و دعاهای روزانه

با اقتباس از کتاب مقباس المصابیح

فضیلت تعقیب

حق تعالی خطاب فرمود به حضرت رسالت پناه: ﴿فَإِذَا
فَرَغْتَ فَأَنْصِبْ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ﴾.^۱

حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود که: یعنی چون فارغ شوی از نماز، خود را به تَعَب انداز در دعا، و به سوی پروردگار خود رغبت کن، و حاجات خود را از او طلب کن، و امید خود را از غیر او قطع کن.^۲
و از حضرت صادق (علیه السلام) منقولست که: «حق تعالی

۱. سوره انشراح، آیه ۷.

۲. قرب الإسناد، ص ۷، فی الدعاء، ح ۲۲؛ بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۳۱۳، باب ۳۶، کتاب الصلاة، فضل التعقیب و شرائطه و آدابہ.

نمازها را در بهترین ساعت‌ها بر شما واجب گردانیده است؛ پس بر شما باد به دعاکردن بعد از نمازها»^۱.

و از حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) مروی است که: «تعقیب بعد از نماز بامداد و نماز عصر، روزی را زیاد می‌گرداند»^۲.

و از حضرت امام رضا (علیه‌السلام) منقولست که حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود که: «بعد از هر نماز واجب، بنده را نزد خدا دعای مستجابی هست»^۳.

و از حضرت صادق (علیه‌السلام) منقولست که: «سه وقت

۱. خصال، ج ۲، ص ۴۸۸، أبواب الإثنی عشر، ساعات الليل إثننا عشرة ساعة و...، ح ۶۴؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۶۶، أبواب الدعاء، باب ۲۳، استحباب الدعاء عند...، ح ۷.

۲. خصال، ج ۲، ص ۵۰۴، أبواب الستة عشرة، ستّ عشرة خصلة تورث الفقر و...، ح ۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۴۷، باب ۴۹، جملة ممّا ینبغی ترکه من...، ح ۲۱.

۳. صحیفة الرضا، ص ۴۲، ح ۱۰؛ وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۳۲، أبواب التعقیب، باب ۱، استحبابه وتأکده بعد الصبح و...، ح ۱۰ و ۱۵؛ جامع الأخبار، ص ۷۳، فصل الثالث والثلاثون فی فضل الصلاة.

است که در آنها دعا مستجاب است: بعد از هر نماز واجب، و نزد آمدن باران، و در هنگام ظاهر شدن معجزه پیغمبری یا امامی^۱.

و در احادیث معتبره منقولست که: «هر که بعد از نماز، انتظار نماز دیگر برد در مسجد، و تعقیب خواند مهمان خداست، و بر خدا لازم است که گرامی دارد مهمان خود را»^۲.

و از حضرت صادق (علیه السلام) مرویست که: «چون بنده از نماز فارغ شود، و زود پی کار خود رود، حق تعالی می‌فرماید که: مگر این بنده نمی‌داند که بر آوردن حاجت‌ها به

۱. أمالی، شیخ طوسی، ص ۲۸۰، مجلس دهم، ح ۸۰؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۶۶، أبواب الدعاء، باب ۲۳، استحباب الدعاء عند...، ح ۹؛ بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۳۲۱، باب ۳۶، كتاب الصلاة، باب ۳۶، فضل التعقیب و شرائطه و آداب، ح ۸.

۲. محاسن، ج ۱، ص ۴۸، باب ۵۰، الاختلاف الی المساجد، ح ۶۶؛ و ص ۵۲، باب ۵۷، ثواب المحافظة علی الصلاة، ح ۷۵؛ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۶، أبواب المواقیف، باب ۲، استحباب الجلوس فی المسجد، ح ۳ و ۵؛ بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۳۲۳، كتاب الصلاة، باب ۳۶، فضل التعقیب و شرائطه و آداب، ح ۱۴.

دست قدرت من است»^۱

و از حضرت صادق (علیه السلام) مرویست که: «دعا در چهار ساعت مستجاب است: در نماز وتر، و بعد از نماز صبح، و بعد از نماز ظهر، و بعد از نماز شام»^۲.

۱. محاسن، ج ۱، ص ۲۵۲، باب الإخلاص...، ح ۲۷۵؛ بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۳۲۲، کتاب الصلاة، باب ۳۶، فضل التعقیب و شرائطه و آدابه، ح ۱۰.
 ۲. کافی، ج ۲، ص ۴۷۷، کتاب الدعاء، باب الأوقات و الحالات التی ترجی فیها، ح ۲؛ تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۱۱۴، کتاب الصلاة، باب ۸، کیفیة الصلاة و صفتها و...، ح ۱۹۶؛ وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۳۰، ابواب التعقیب، باب ۱، استحبابه و تأکده بعد الصبح و العصر، ح ۴.



فصل اول

تعقیبات مشترک

(تعقیبات مستحب پس از هر نماز)

تسبیحات حضرت زهرا (سلام الله علیها)^۱

تعقیبات مستحب پس از هر نماز بسیار است:

اول: تسبیح حضرت سیده‌النساء فاطمه‌ی زهراء (سلام الله علیها) است، و احادیث در فضیلت آن زیاده از حد احصا

۱. جهت اطلاع بیشتر نسبت به اهمیت، چگونگی و آثار تسبیح حضرت زهراء (سلام الله علیها) به بخش ضمائم؛ ضمیمه‌ی اول: تسبیحات حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها)، ص ۱۳۹ مراجعه نمایید.

است. از حضرت صادق (علیه السلام) منقولست که: «ما امر می‌کنیم کودکان خود را به تسبیح فاطمه، چنانچه امر می‌کنیم ایشان را به نماز؛ پس آن را ترک مکن که هر که مداومت نماید بر آن شقی و بدبخت نمی‌شود».^۱

و در روایات معتبره وارد شده که: «ذکر کثیر که خدای تعالی در قرآن مجید به آن امر فرموده تسبیح حضرت فاطمه است؛ و هر که بعد از هر نماز بر آن مداومت نماید خدا را بسیار یاد کرده، و به آیه کریمه ﴿اَذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾^۲ عمل نموده است».^۳

و به سندهای صحیح از حضرت صادق (علیه السلام) منقولست که: «هر که تسبیح آن حضرت را بعد از نماز بگوید - پیش از آن که پاها را از هیأت نماز بگرداند - آمرزیده شود،

۱. کافی، ج ۳، ص ۳۴۳، کتاب الصلاة، باب التعقیب بعد الصلاة و الدعاء، ح ۱۳؛ تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۱۰۵، کتاب الصلاة، باب ۸، کیفیة الصلاة و صفتها و...، ح ۱۶۵.

۲. سوره احزاب، آیه ۴۱.

۳. معانی الأخبار، ص ۱۹۳، باب معنی ذکر الله کثیراً، ح ۵؛ وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۴۳، أبواب التعقیب، باب ۸، استحباب ملازمة تسبیح الزهراء، ح ۵ و ۶.

و بهشت او را واجب گردد».^۱

و در حدیث معتبر دیگر فرمود که: «تسبیح فاطمه را بعد از هر نماز خواندن بهتر است از آن که هر روز هزار رکعت نماز بگذارد».^۲

و در کیفیت آن اختلافی در احادیث هست، و اشهر و اظهر آنست که: سی و چهار مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ»، پس سی و سه مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، پس سی و سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید. و در بعضی از روایات «سُبْحَانَ اللَّهِ» پیش از «الْحَمْدُ لِلَّهِ» وارد شده.

و بعضی از علما جمع به این نحو کرده اند که: بعد از نماز به طریق اول بخواند، و در هنگام خواب رفتن به طریق ثانی. و

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۲۰، أبواب الصلاة و حدودها، باب ۴۵، وصف الصلاة من...، ح ۳۲؛ فلاح السائل، ص ۱۶۵، فصل التاسع عشر فیما نذکره من فضل، ذکر دخول العبد فی فريضة صلاة الظهر.

۲. کافی، ج ۳، ص ۳۴۳، کتاب الصلاة، باب التعقیب بعد الصلاة و الدعاء، ح ۱۵؛ تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۱۰۵، کتاب الصلاة، باب ۸، کیفیت الصلاة و صفتها و...، ح ۱۶۷.

ظاهراً مطلقاً به طریق اول که مشهور است، اولی باشد.

تسبیح تربت امام حسین (علیه السلام)

در تسبیح بهتر آنست که به تربت حضرت امام حسین (علیه السلام) حساب آن را نگاه دارد، و در جمیع اذکار با تربت حضرت، سنت است.

و پیوسته تسبیح تربت آن حضرت را با خود داشتن مستحب است، و حرز از بلاهاست، و مورث ثواب بی انتهاست.^۱

از حضرت صاحب الأمر (علیه السلام) مرویست که: «هر که تسبیح تربت امام حسین (علیه السلام) در دست داشته باشد و ذکر را فراموش کند، ثواب ذکر برای او نوشته می شود».^۲

۱. بنگرید: وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۲۸، أبواب آداب السفر الی الحجّ و غیره، باب ۴۴، استحباب استصحاب التریبة الحسین، ح ۱ و ۲.

۲. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۵۶، أبواب التعقیب و ما یناسبه، باب ۱۶، استحباب اتّخاذ سبحة من طین...، ح ۶؛ بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۳۲۷، کتاب الصلاة، باب ۳۷، تسبیح فاطمة، ح ۱.

و از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که: «تسبیح تربت آن حضرت ذکر می‌گوید، و تسبیح می‌گوید بی آنکه آدمی ذکر کند».^۱

و فرمود که: «یک ذکر یا استغفار که به آن گفته شود برابر است با هفتاد ذکر که با چیز دیگر گفته شود؛ و اگر بی ذکر بگرداند به هر دانه‌ای هفت تسبیح برای او نوشته می‌شود».^۲
و به روایت دیگر: «اگر با ذکر بگرداند، به هر دانه‌ای چهل حسنه برای او نوشته شود».^۳

و از حضرت صادق (علیه السلام) منقولست که: «هر که با

۱. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۵۵، أبواب التعقیب، باب ۱۶، استحباب تسبیحات الأربع...، ح ۲؛ بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۳۳۳، باب ۳۷، تسبیح فاطمة (صلوات الله علیها) و...، ح ۱۶.

۲. مصباح، شیخ طوسی، ص ۷۳۵، فصل فی تمام الصلاة فی...؛ وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۵۶، أبواب التعقیب و ما یناسبه، باب ۱۶، استحباب اتّخاذ سبحة من طین...، ح ۲ و ۴ و ۶.

۳. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۷۵، کتاب المزار، باب ۲۲، حدّ حرم الحسین و فضل کربلا...، ح ۱۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۳۶، أبواب المزار و ما یناسبه، باب ۷۹، استحباب اتّخاذ سبحة من تربة...، ح ۲.

تسبیح تربت امام حسین (علیه‌السلام) تسبیح کند، حق تعالی برای او چهار صد حسنه بنویسد، و چهار صد گناه از او محو کند، و چهار صد حاجت او را برآورد، و چهار صد درجه برای او بلند گرداند»^۱.

دوم: مستحب است که بعد از سلام نماز فریضه سه مرتبه دست بردارد تا محاذی صورت، و برگرداند تا به زانو یا نزدیک به آن، و با هر مرتبه یک «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید؛ چنانچه علی بن ابراهیم و سید بن طاووس و شیخ صدوق (رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ) به سندهای معتبر از حضرت صادق (علیه‌السلام) روایت کرده‌اند که:

مفضل بن عمر از آن حضرت [امام صادق (علیه‌السلام)] پرسید که: به چه علت نماز گذارنده بعد از سلام، سه مرتبه تکبیر می‌گوید، و دست برمی‌دارد؟ فرمود: برای آن که چون

۱. بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۳۴۱، کتاب الصلاة، باب ۳۷، تسبیح فاطمة (صلوات الله علیها) و...، توفیق و تحقیق...، ح ۳۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۵۶، أبواب التعقیب و ما یناسبه، باب ۱۴، استحباب اتّخاذ سبحة من طین...، ح ۵.

حضرت رسالت پناه (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فتح مکه نمود، نزد حجرالاسود نماز ظهر با اصحاب خود ادا کرد، و سه نوبت تکبیر [اللَّهُ أَكْبَرُ] گفت، و با هر نوبت دست برداشت؛ پس گفت:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ

معبودی جز خدای یکتای یکتای یکتا نیست، به وعده‌اش

وَعَدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَاعَزَّ جُنْدَهُ، وَهَزَمَ

وفا کرده و بنده‌اش را یاری کرد و سپاهش را پیروز کرد و به تنهایی بر همه‌ی

الْأَحْزَابِ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ،

احزاب غالب است؛ پس، فرمانروایی برای اوست و ستایش نیز مخصوص اوست،

يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَهُوَ حَيٌّ

هم زنده می‌کند و می‌میراند و هم می‌میراند و زنده می‌کند و او زنده‌ای است

لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

که نمی‌میرد و همه‌ی خیرها به دست اوست و اوست که بر همه چیز

قَدِيرٌ.

قادر و تواناست.

پس رو به جانب اصحاب گردانید و گفت: «ترک مکیند این تکبیر و این دعا را بعد از هر نماز فریضه؛ زیرا که هر که بعد از سلام چنین کند، ادا کرده است شکر نعمت خدا را بر تقویت اسلام و لشکر اسلام»^۱.

سوم: ثقة الاسلام کلینی به سند معتبر از حضرت باقر (علیه السلام) روایت کرده است که:

هر که بعد از نماز فریضه - پیش از آن که پاهای خود را بگرداند - سه مرتبه این دعا را بخواند، خدا گناهان او را بیامرزد؛ اگر چه مانند کف دریا باشد در بسیاری:

۱. علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۶۰، باب ۷۸، باب العلة التي من أجلها يكبر المصلّي...، ح ۱؛ وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۵۲، باب ۱۴، استحباب رفع اليدين فوق الرأس...، ح ۲.

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ،

آمرزش می‌خواهم از خداوندی که جز او کسی شایسته ستایش نیست، زنده و پاینده است،

ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَأَتُوبُ إِلَيْهِ.^۱

صاحب جلالت و اکرام است و به سوی او باز می‌گردم.

و در روایت دیگر وارد شده که: «هر که این استغفار را هر روز بخواند حق تعالی چهل گناه کبیره او را بیامرزد».^۲

چهارم: سنت است که چون از نماز فارغ شود، بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْرِنِي

خداوندا! درود بفرست بر محمد و آل محمد، و پناه ده مرا

مِنَ النَّارِ، وَأَرْزُقْنِي الْجَنَّةَ، وَزَوِّجْنِي

از آتش، و بهشت را روزیم گردان، و حورالعین را به

۱. کافی، ج ۲، ص ۵۲۱، باب من قال: أستغفر الله الذي...، ح ۱.

۲. کافی، ج ۲، ص ۵۲۱، کتاب الدعاء، باب من قال: استغفر الله الذي...، ح ۱؛

مکارم الأخلاق، ص ۳۱۵، فی الاستغفار و البكاء.

الْحُورَ الْعَيْنِ.^۱

همسریم در آور.

و به سند صحیح از حضرت صادق (علیه السلام) منقولست که: «فراموش مکنید دو چیز را که بر شما واجبست: اول آن که: سؤال [درخواست] کنید بهشت را، دوم آن که: سؤال [درخواست] کنید خلاصی از جهنم را».^۲

پنجم: به سند معتبر از حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) منقولست که: «هر که آیه الکرسی را بعد از هر نماز فریضه بخواند او را گزنده ضرر نرساند».^۳

۱. بنگرید به: کافی، ج ۳، ص ۳۴۴، کتاب الصلاة، باب التعقیب بعد الصلاة و الدعاء، ح ۲۲؛ و وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۴۶۵، أبواب التعقیب، باب ۲۲، استحباب المواظبة بعد کل صلاة، ح ۲.

۲. کافی، ج ۳، ص ۳۴۳، کتاب الصلاة، باب التعقیب بعد الصلاة و الدعاء، ح ۱۹؛ تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۱۰۸، کتاب الصلاة، باب ۸، کیفیته الصلاة و صفتها و...، ح ۱۷۶.

۳. الدعوات، ص ۲۱۷، الباب الثالث فی ذکر المرض و...، فصل فیما یجب أن یكون...، ح ۵۹۸؛ ثواب الأعمال، ص ۱۰۴، ثواب من قرأ آیه الکرسی، ح ۵۸۹.

و در حدیث معتبر دیگر فرمود که: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود که: «یا علی! بر تو باد به تلاوت آیه الکرسی بعد از هر نماز فریضه؛ به درستی که محافظت نمی کند بر آن مگر پیغمبری، یا صدیقی، یا شهیدی».^۱

ششم: ثقة الاسلام کلینی و شیخ صدوق و دیگران به سندهای معتبر از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) روایت کرده اند که: «شیه هذلی» به خدمت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) آمد و گفت: یا رسول الله! من پیر شده ام، و قوتم وفا نمی کند به اعمالی که قبل از این خود را به آن عادت داده بودم از نماز و روزه و حج و جهاد؛ پس تعلیم کن مرا کلامی که خدا مرا به آن نفع بخشد، و بر من سبک و آسان باشد.

حضرت فرمود که: بار دیگر بگو. او سه مرتبه این سخن را

۱. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۷۳، أبواب التعقیب و ما یناسبه، باب ۲۴، نبذة مما ینسحب...، ح ۱۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۶۸، أبواب التعقیب و ما یناسبه، باب ۲۱، استحباب قراءة...، ح ۷.

اعاده کرد؛ پس حضرت فرمود که: نماند بر دور تو درختی و کلوخی مگر آن که گریست بر تو برای ترحم بر تو؛ پس هرگاه از نماز صبح فارغ شوی ده مرتبه بگو:

سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

پاک و منزّه است خداوند بزرگ و حمد و ستایش مخصوص اوست، و هیچ توان و نیرویی نیست

إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

مگر به عنایت خداوند والای با عظمت.

تا خدا تو را عافیت دهد به برکت این دعا از کوری و دیوانگی و خوره و پیسی و پریشانی و خرف شدن.

شیهه گفت: یا رسول الله! این برای دنیای من است، برای آخرت من چیزی بفرمای. فرمود که: می گویی بعد از هر نماز:

اللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ، وَ أَفِضْ عَلَيَّ مِنْ

خداوند! از عنایت خویش هدایتم کن، و از

فَضْلِكَ، وَأَنْشُرُ عَلَىَّ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ أَنْزِلْ

فضل خودت بر من فرو بفرست و رحمت خویش را بر من بگستران، و از

عَلَىَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ.^۱

برکاتت بر من نازل فرما.

پس حضرت فرمود که: اگر بر این دعا مواظبت نماید و عمداً ترک نکند تا وقت مُردن، چون به صحرای محشر درآید هشت در بهشت برای او گشوده شود که از هر دری که خواهد داخل شود.^۲

هفتم: برقی به سند موثق از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است که: «هر که بعد از فارغ شدن از نماز - پیش از آن که زانوهای او از جای خود حرکت دهد - ده مرتبه

۱. این دعاء به اسانید معتبره‌ی دیگر هم وارد شده است.

۲. این روایت در کافی یافت نشد. أمالی، شیخ صدوق، ص ۵۵، مجلس الثالث عشر، ح ۵؛ وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۷۳، أبواب التعقیب و ما یناسبه، باب ۲۴، نبذة ممّا ینسحب...، ح ۱۰.

این تهلیل را بخواند حق تعالی چهل هزار هزار گناه او را محو کند، و چهل هزار هزار حسنه برای او بنویسد، و چنان باشد که دوازده مرتبه قرآن را ختم کرده باشد؛ و فرمود که من صد مرتبه می خوانم، و شما را ده مرتبه کافیت». تهلیل اینست:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، إِلَهًا

گواهی می‌دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست که شریک ندارد، معبودی است

وَاحِدًا أَحَدًا صَمَدًا، لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا

یکتای یگانه‌ی بی‌نیاز، هیچ همراه و همدم و

وَلَدًا.^۱

زاییده‌ای ندارد.

و فضیلت این تهلیل بسیار وارد شده، خصوصاً در تعقیب نماز صبح و شام، و هنگام طلوع و غروب آفتاب. هشتم: ثقة‌الاسلام کلینی به سند معتبر از حضرت امام

۱. محاسن، ج ۱، ص ۵۱، ثواب الدعاء بعد الفریضة...، ح ۷۳؛ وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۷۳، أبواب التعقیب، باب ۲۴، نبذة مما يستحب...، ح ۱۲.

صادق (علیه السلام) روایت کرده است که: «هر که ایمان دارد به خدا و روز قیامت، باید که ترک نکند بعد از هر نماز فریضه، خواندن سوره‌ی ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ﴾ را. به درستی که هر که بخواند، خدا جمع می‌کند برای او خیر دنیا و آخرت را و می‌آمرزد او را و پدر و مادر او را و هر که از پدر و مادر او به هم رسیده‌اند».^۱

نهم: شیخ طوسی به سند معتبر از محمد بن سلیمان دیلمی روایت کرده است که: به خدمت حضرت صادق (علیه السلام) عرض کردم که شیعیان تو می‌گویند که: ایمان بر دو قسم است: یکی آن که مستقر و ثابت است، و دیگری آن که به امانت سپرده شده و زایل می‌گردد؛ پس به من بیاموز دعایی که هر گاه بخوانم ایمان من کامل گردد و زایل نشود. فرمود که: بگو بعد از هر نماز واجب:

۱. کافی، ج ۲، ص ۶۲۲، کتاب فضل القرآن، باب فضل القرآن...
ح ۱۱؛ وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۸۶، أبواب التعقیب و ما یناسبه،
باب ۲۹، استحباب قراءة الإخلاص...، ح ۳.

رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا، وَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ

افتخار می‌کنم به خداوندی که پروردگار عالمیان است و خشنودم به اینکه محمد – که درود خدا

آلِهِ نَبِيًّا، وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَ بِالْقُرْآنِ كِتَابًا، وَ

بر او و آتش باد – پیامبرم هست و خشنودم که اسلام دین من است و قرآن کتابم و

بِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً، وَ بِعَلِيِّ وَ لِیًّا وَ إِمَامًا، وَ بِالْحَسَنِ

کعبه قبله‌ام، و خرسندم به اینکه علی [علیه السلام] ولی و امام من است، و همچنین حسن

وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ

و حسین و علی بن حسین و محمد بن

عَلِيِّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ

علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و

عَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ وَ عَلِيِّ بْنِ

علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن

مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ وَ الْحُجَّةِ بْنِ

محمد و حسن بن علی و حجت بن

الْحَسَنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أئِمَّةً، اللَّهُمَّ إِنِّي

الحسن - که صلوات خدا بر آنان باد - امامان هستند. خداوند! به

رَضِيتُ بِهِمْ أئِمَّةً، فَأَرْضِنِي لَهُمْ، إِنَّكَ عَلِيٌّ

جِدَّ خوشحالم که اینان امامان هستند؛ پس تو هم خشنود باش، که تو بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^۱

هر چیز قادر و توانایی.

دهم: شیخ مفید (رحمة الله عليه) در کتاب «مجالس» از

محمد بن حنفیه روایت کرده است که:

روزی حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در دور کعبه

طواف می کرد؛ ناگاه مردی را دید که چنگ در پرده های

کعبه زده و این دعا را می خواند؛ پس حضرت امیرالمؤمنین

(علیه السلام) گفت: این است دعای تو؟ گفت: بلی، مگر

۱. تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۱۰۹، کتاب الصلاة، باب ۸، کیفیة الصلاة و

صفتها...، ح ۱۸۰؛ وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۶۳، باب ۲۰، استحباب

شهادتین والإقرار...، ح ۱.

شنیدی؟ حضرت فرمود که: بلی شنیدم. گفت: پس بخوان این دعا را بعد از هر نماز؛ به خدا سوگند که هر مؤمنی که این دعا را بخواند بعد از نمازها؛ البته حق تعالی می‌آمزد گناهان او را، هر چند به عدد ستاره‌های آسمان، و قطره‌های باران، و ریگ‌های زمین و ذره‌های خاک آن باشد؛ پس حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) فرمود که: من می‌دانم این را، و حق تعالی واسع العطا و کریم است. آن مرد گفت: راست گفתי یا امیرالمؤمنین! و بالای هر دانایی، داناتری هست. و آن مرد حضرت خضر (علیه‌السلام) بود.

و کفعمی نیز این دعا را در کتاب «بلد‌الأمین» روایت کرده است. و دعا اینست:

يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ، يَا مَنْ

ای خداوندی که شنیدن یک دعایی تو را از شنیدن دیگر دعاها به خود مشغول نمی‌کند، ای

لَا يُغَلِّطُهُ السَّائِلُونَ، يَا مَنْ لَا يُبْرِمُهُ الْإِحْاحُ

کسی که درخواست‌کنندگان او را به اشتباه و نمی‌دارند، ای کسی که پافشاری اصرارکنندگان

الْمُلْحِينِ، أَذِقْنِي بَرْدَ عَفْوِكَ وَ مَغْفِرَتِكَ وَ

او را به ستوه نمی‌آورند؛ پس لذت عفو و گذشتت و شیرینی رحمتت

حَلَاوَةَ رَحْمَتِكَ^۱.

را به من بچشان.

۱. آمالی (مجالس)، شیخ مفید، ص ۹۱، مجلس العاشر...، ح ۸؛ در بلدالأمین یافت نشد ولی در مصباح کفعمی، ص ۲۰ آمده است.



فصل دوم

تعقیبات مخصوص هر نماز

یکم: تعقیبات مخصوص نماز ظهر

اول: سید بن طاووس (رحمة الله علیه) به سند معتبر از «عباد مدائنی» روایت کرده است که گفت: روزی به خدمت حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) رفتم در مدینه، در هنگامی که آن حضرت از نماز ظهر فارغ شده بود؛ دیدم که دست‌ها به سوی آسمان بلند کردند و این دعا را خواندند:

أَيُّ [يَا] سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ، أَيُّ [يَا] جَامِعَ كُلِّ

ای شنونده هر صدا، ای گرد آورندهی آنچه که از

فَوْتٍ، أَيُّ [يَا] بَارِيَّ كُلِّ نَفْسٍ بَعْدَ الْمَوْتِ،

دست رفته ای گرد آورنده امور پراکنده، ای زنده کنندهی هر موجودی پس از مرگ،

أَيُّ [يَا] بَاعِثٌ، أَيُّ [يَا] وَاِرِثٌ، أَيُّ [يَا] سَيِّدٌ

ای برانگیزاننده، ای وارث، ای سرور

السُّادَاتِ، أَيُّ [يَا] إِلَهَ الْأَلِهَةِ، أَيُّ [يَا] جَبَّارٌ

سروران، ای معبود معبودها، ای سرکش بر

الْجَبَابِرَةِ، أَيُّ [يَا] مَالِكَ (مَلِكِ) الدُّنْيَا

سرکشان، ای فرمانروای دنیا

وَالْآخِرَةِ، أَيُّ [يَا] رَبَّ الْأَرْبَابِ، أَيُّ [يَا] مَلِكٌ

و آخرت، ای پروردگار پروردگاران، ای پادشاه

الْمُلُوكِ، أَيُّ [يَا] بَطَّاشٌ، أَيُّ [يَا] ذَا الْبَطْشِ

پادشاهان، ای خدایی که سخت و با قدرتی،

الشَّدِيدِ، أَيُّ [يَا] فَعَالًا لِمَا يُرِيدُ، أَيُّ [يَا]

ای خدایی که هر چه را بخواهی بی‌درنگ انجام می‌دهی، ای

مُحْصِيَ عَدَدِ الْأَنْفَاسِ وَ نَقْلِ الْأَقْدَامِ، أَيُّ [يَا]

شمارنده شماره نفس‌ها و گام‌های برداشته شده، ای

مَنِ السِّرِّ عِنْدَهُ عَلَايَةٌ، أَيُّ [يَا] مُبْدِيٌّ، أَيُّ [يَا]

خدایی که نهان در نزد تو آشکار است، ای آغازگر، ای

مُعِيدٌ! أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَيَّ خَيْرَتِكَ مِنْ

برگرداننده، به حقی که بر برگزیدگان از

خَلْقِكَ، وَ بِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَيَّ

خلقتت داری و به حقی که نسبت به ایشان بر

نَفْسِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلَ بَيْتِهِ، وَ أَنْ

خود واجب فرموده‌ای، از تو مسألت دارم که بر محمد و اهل بیت او درود فرستی، و

تَمَنَّ عَلَيَّ السَّاعَةَ بِفَكَارِي رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ،

در همین لحظه به آزادی‌ام از آتش جهنم

وَأَنْجِزْ لَوْلِيَّكَ وَابْنِ نَبِيِّكَ الدَّاعِيَ إِلَيْكَ

مَنْت نهی و به وعده ولیات و پسر پیامبرت که به اذن تو بندگان را به سویت

بِإِبْنِكَ وَ أَمِينِكَ فِي خَلْقِكَ وَ عَيْنِكَ فِي

می خواند، و امین تو در میان خلق،

عِبَادِكَ، وَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، عَلَيْهِ

و حجت و راهنمای تو بر خلق می باشد - که

صَلَوَاتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَعَدَّهُ. اللَّهُمَّ آيِدُهُ

درودها و برکات بر او باد - وفا نمایی. خداوندا، به

بِنَصْرِكَ وَأَنْصُرْ عَبْدَكَ، وَ قَوِّ أَصْحَابَهُ

یاری خویش او را یاری فرما، و آن بندهات را یآوری کن، و یارانش را نیرومند،

وَصَبِّرْهُمْ وَأَفْتَحْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا

و آنان را شکیبا گردان و از جانب خویش زمینهی پیروزی را برای آنان

نَصِيرًا، وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ، وَ أَمْكِنُهُ مِنْ أَعْدَائِكَ

فراهم فرما، و در ظهور او تعجیل فرما، و او را بر دشمنان

وَأَعْدَاءِ رَسُولِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^۱.

و دشمنان رسولت چیره‌گردان، ای مهربانترین مهربانان.

دوم: ابن ادریس به سند صحیح از حضرت صادق (علیه‌السلام) روایت کرده است که: «صلوات بر محمد و آل محمد در میان نماز ظهر و عصر ثوابش برابر است با ثواب هفتاد رکعت نماز».^۲

دوم: تعقیبات مخصوص نماز عصر

اول: استغفار

شیخ طوسی و دیگران به سند معتبر از حضرت امام رضا

۱. فلاح السائل، ص ۱۷۰، فصل التاسع عشر فیما نذکره... ذکر دخول العبد فی فريضة صلاة الظهر؛ بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۶۲، کتاب الصلاة، باب ۳۹، ما يختص بتعقیب فريضة الظهر، ح ۱. شیخ طوسی و دیگران در کتب دعا به جای «أی» همه جا «یا» ذکر کرده‌اند. (مصباح شیخ طوسی، ص ۶۰).
۲. مستطرفات السرائر، ج ۳، ص ۵۷۷، باب المستطرفات، و من ذلك...؛ بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۷۵، کتاب الصلاة، باب ۳۹، ما يختص بتعقیب فريضة الظهر، ح ۹.

(علیه السلام) روایت کرده اند که:

مردی به نزد حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) آمد و گفت: یا رسول الله! مرا تعلیم کن عملی که چون به جا آورم میان من و بهشت حایلی نباشد. فرمود که: غضب مکن بر کسی، و از مردم چیزی سؤال مکن، و از برای مردم بپسند آنچه برای خود می پسندی. گفت: یا رسول الله! زیاده بفرمای. فرمود که: چون نماز عصر را ادا کنی هفتاد و هفت مرتبه استغفار کن تا گناه هفتاد و هفت سال تو آمرزیده شود. گفت: من هفتاد و هفت سال ندارم. فرمود که: برای پدر و مادر خود و خویشان خود قرار ده.^۱

احادیث در فضیلت استغفار بعد از نماز عصر بسیار است؛ و باید که هفتاد مرتبه، یا هفتاد و هفت مرتبه «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ

۱. أمالی، شیخ طوسی، ص ۵۰۷، مجلس الثامن عشر فیہ من الأخبار، ح ۱۷؛ بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۷۸، کتاب الصلاة، باب ۴۰، تعقیب العصر المختص بها... ح ۱.

رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» بگویند، و «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» نیز کافیست.

دوم: به سند معتبر منقولست که: حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بعد از نماز عصر این دعا را خواندند:

سُبْحَانَ ذِي الطَّوْلِ وَالنَّعَمِ، سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ

پاک و منزّه است پروردگاری که فضل و برتری و نعمت از آن اوست و صاحب عظمت و قدرت

و الْإِفْضَالِ، أَسْأَلُ اللَّهَ الرِّضَا بِقَضَائِهِ، وَ الْعَمَلَ

و بخشش‌هاست. از خداوند راضی بودن به قضایش و روی آوردن

بِطَاعَتِهِ، وَالْإِنَابَةَ إِلَىٰ أَمْرِهِ، فَإِنَّهُ سَمِيعٌ

به اطاعتش و برگشت به اوامرش را درخواست دارم. همانا خداوند شنونده

الدُّعَاءِ.

دعاست.

۱. وقعة صفين، ص ۱۳۴، الحوادث الواقعة في طريقه إلى صفين...؛ مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۱۲۱، أبواب التعقيب و ما يناسبه، باب ۳۵، نوادر ما يتعلّق بأبواب التعقيب و...، ح ۴.

سوم: تعقیبات مخصوص نماز مغرب

این تعقیبات، بعضی مشترک میان نماز مغرب و نماز صبح است و بعضی مختصّ به مغرب است.

اول: به اسانید صحیحه از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که: «هر که بعد از نماز صبح یا نماز مغرب پیش از آن که سخن بگوید هفت مرتبه بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

به نام خداوند بخشنده مهربان هیچ جنبش و هیچ نیرویی نیست

إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

جز به خدای والای بزرگ.

حق تعالی دفع کند از او هفتاد نوع از انواع بلا را که آسان تر آنها خوره و پیسی باشد.^۱

۱. کافی، ج ۲، ص ۵۳۱، کتاب الدعاء، باب القول عند الإصباح و الإمساء، ح ۲۵؛ وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۷۸، باب ۲۵، نبذة ممّا یستحبّ...، ح ۹؛ جامع الأخبار، ص ۵۵، فصل الخامس و العشرون فی التسییح.

دوم: ثقة الاسلام کلینی به سند معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است که: «هر که بعد از نماز مغرب سه مرتبه بگوید:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ، وَلَا يَفْعَلُ مَا

ستایش مخصوص خداست که هر چه را بخواهد انجام می‌دهد، و هر چه را دیگران

يَشَاءُ غَيْرَهُ.

بخواهند - که او نخواهد - انجام نمی‌دهد.

حق تعالی خیر بسیار به او کرامت فرماید.^۱

سوم: سید بن طاووس و شیخ صدوق (رحمهما الله) به سند صحیح از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده‌اند که:

هر که بعد از نماز صبح و نماز شام - پیش از آن که پا بگرداند یا با احدی سخن بگوید - این صلوات را یک مرتبه

۱. کافی، ج ۲، ص ۵۴۵، باب الدعاء فی إِدْبَارِ الصَّلَاةِ...، ح ۲؛ تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۱۱۵، باب ۸، کِیْفِیَّةُ الصَّلَاةِ و...، ح ۱۹۸.

بخواند حق تعالی صد حاجت او را بر آورد، هفتاد از حاجات دنیا، و سی از حاجات آخرت:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا

همانا خداوند و فرشتگانش بر پیغمبر درود می‌فرستند، ای کسانی

الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾، اَللّٰهُمَّ

که ایمان آورده‌اید شما نیز بر او درود بفرستید و بهترین سلام‌ها را برای او نثار نمایید. خداوندا!

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَعَلَى ذُرِّيَّتِهِ وَعَلَى

درود بفرست بر محمد پیامبرت و بر نژادش و بر

أَهْلِ بَيْتِهِ^۱.

خاندانش.

چهارم: شیخ طوسی و دیگران گفته‌اند که: سنت است بعد

۱. فلاح السائل، ص ۲۳۰، فصل الثالث والعشرون... و به روایت ابن بابویه: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَذُرِّيَّتِهِ». (ثواب الأعمال، ص ۱۵۶، ثواب من قال...!) بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۹۵، باب ۴۱، تعقیب صلاة المغرب...، ح ۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۱۰۰، باب ۲۶، نبذة مما يستحب...، ح ۶.

از نماز مغرب ده مرتبه بگوید:

مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ.

هر آنچه خدا خواهد همان خواهد شد، هیچ نیرو و جنبشی نیست جز به اذن خدا، از خدا آمرزش می‌خواهم.

و بگوید:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ، وَ

خداوندا ! آنچه باعث رحمت

عَزَائِمِ مَغْفِرَتِكَ، وَ السَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ، وَ

و وسایل حتمی آمرزش توست و سلامتی از هر گناهی و

الْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ، وَ النِّجَاةَ مِنَ النَّارِ وَ مِنْ كُلِّ

بهره‌ای از هر نیکی و رهایی از آتش دوزخ و از هر

بَلِيَّةٍ، وَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ، وَ الرِّضْوَانَ [الرِّضْوَانَ]

بلا و گرفتاری و رسیدن به بهشت و خشنودی تو را

فِي دَارِ السَّلَامِ، وَ جِوَارَ [جِوَارِ] نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ

در منزلگاه سلامتی و همسایگی پیغمبرت محمد که بر او

وَ إِلَيْهِ السَّلَامُ، اَللّٰهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ،

و آتش سلام باد، از تو می‌خواهم. خدایا هر نعمتی که ما داریم از توست،

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ.^۱

معبودی جز تو نیست، از تو آمرزش می‌خواهم و در درگاهت توبه می‌کنم.

چهارم: تعقیبات مخصوص نماز عشاء

اول: سید بن طاووس (رحمة الله علیه) به سند معتبر از حضرت امام محمد تقی (علیه السلام) روایت کرده است که: «هر که بعد از نماز عشاء هفت مرتبه سوره‌ی ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ﴾ بخواند در آن شب تا صبح در ضمان [پناه] حق تعالی باشد از بلاها».^۲

دوم: شیخ طوسی و دیگران گفته‌اند که: مستحب است که

۱. مصباح، شیخ طوسی، ص ۱۰۲، فصل فی سیاقه الصلوات...؛ بلد الامین، ص ۲۸، ما یعقب به صلاة المغرب.

۲. فلاح السائل، ص ۲۵۷، فصل السادس والعشرون...؛ مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۱۰۲، باب ۲۶، نبذة مما يستحب...، ح ۹.

بعد از نماز عشاء هر یک از سوره‌ی «فاتحه» و «توحید» و «فلق» و «ناس» را ده مرتبه بخواند، و ده نوبت بگوید:

سُبْحَانَ اللَّهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

پاک و منزّه است خدا و حمد و ستایش مخصوص اوست و معبودی جز خدای یکتا نیست

وَاللَّهُ أَكْبَرُ.

و خدا بزرگ و بلند مرتبه است.

و ده مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

خداوندا! بر محمد و آل محمد درود بفرست.

و گفته‌اند که: سنت است که این دعا را نیز بخواند:

اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَ اسْبِغْ

خداوندا! درهای رحمتت را بر اویم بگشای و از

عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ، وَ مَتَّعْنِي بِالْعَافِيَةِ مَا

رزق و روزی حلالت بر من فراوان فرود آور و مرا تا زمانی که زنده‌ام سلامتی

أَبْقَيْتَنِي فِي سَمْعِي وَبَصْرِي وَجَمِيعِ جَوَارِحِ

در گوشم و چشمم و همه‌ی اعضايم عنایت

بَدَنِي، اَللّٰهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ، لَا اِلٰهَ اِلَّا

فرما. خداوندا! هر نعمتی که در اختیار داریم از آن توست، معبودی جز تو نیست، از

أَنْتَ، اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ، يَا اَرْحَمَ

تو آمرزش می‌خواهم و به سویت باز می‌گردم، ای مهربان

الرَّاحِمِينَ.^۱

ترین مهربانان.

سوم: جعفر بن احمد قمی در کتاب «مسلّسات» از حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) روایت کرده است که حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود که: آیه‌الکرسی را به من عطا کردند از گنجی در زیر عرش، و به هیچ پیغمبری

۱. مصباح، شیخ طوسی، ص ۱۱۰، أربع رکعاتٍ آخر؛ بلد الأمين، ص ۳۰، ما يختصّ به صلاة العشاء. در روایت «بلدالأمين» به جای «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»، جمله «الباقيات الصالحات» آمده است.

پیش از من داده نشده است.^۱

۱. ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ * لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ * اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾؛ (بقره، آیات ۲۵۵ و ۲۵۶ و ۲۵۷).

خداست که معبودی جز او نیست؛ زنده و برپا دارنده است؛ نه خوابی سبک او را فرا می‌گیرد و نه خوابی گران؛ آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آن اوست. کیست آن کس که جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند؟ آنچه در پیش روی آنان و آنچه در پشت سرشان است می‌داند. و به چیزی از علم او، جز به آنچه بخواهد، احاطه نمی‌یابند. کرسی او آسمان‌ها و زمین را در بر گرفته، و نگهداری آنها بر او دشوار نیست، و اوست والای بزرگ. در دین هیچ اجباری نیست. و راه از بیراهه بخوبی آشکار شده است. پس هر کس به طاغوت کفر ورزد، و به خدا ایمان آورد، به یقین، به دستاویزی استوار، که آن را گسستن نیست، چنگ زده است. و خداوند شنوای داناست. خداوند سرور کسانی است که ایمان آورده‌اند. آنان را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی به در می‌برد. و [لی] کسانی که کفر ورزیده‌اند، سرورانشان [همان عصیانگران] طاغوتند، که آنان را از روشنایی به سوی تاریکی‌ها به در می‌برند. آنان اهل آتشند که خود، در آن جاودانند.

پس حضرت امیر (علیه السلام) فرمود که: هر شب سه مرتبه این آیه شریفه را می خوانم:

اول: بعد از نماز عشاء پیش از نماز وتیره؛

دوم: در هنگام خوابیدن؛

سوم: پیش از نماز وتر در سحر.

پس حضرت فرمود که: تا از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) این حدیث را شنیدم، هیچ شب خواندن این آیه کریمه را در این سه وقت ترک نکردم.^۱

پنجم: تعقیبات مخصوص نماز صبح

تعقیبات نماز صبح زیاده از سایر صلوات است، و احادیث در فضیلت خواص این تعقیب بسیار است، چنانچه در روایات بسیار وارد شده است که:

ما بین طلوع صبح تا طلوع آفتاب روزی فرزندان آدم را

۱. کتاب مسلسلات در اختیار نیست. أمالی، شیخ طوسی، ص ۵۰۸، مجلس الثامن عشر فیہ من الأخبار، ح ۱۹؛ بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۱۲۵، باب ۴۲، تعقیب صلاة العشاء، ح ۸.

قسمت می‌کنند؛ هر که در این وقت مشغول عبادت و دعا و تلاوت باشد روزی او فراخ می‌شود، و هر که در این وقت به خواب رود از زیادتی روزی محروم می‌شود؛ و خواب این وقت شوم است، روزی را دور می‌کند، و رنگ را زرد می‌کند، و چهره را قبیح می‌کند؛ زینهار که حَذَر کنید از این خواب.^۱

اول: شیخ صدوق به سند معتبر از امام محمد باقر (علیه السلام) روایت کرده است که: «هر که بعد از نماز صبح هفتاد مرتبه: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ» بگوید، خدا او را پیامرزد، هر چند در آن روز هفتاد هزار گناه بکند». و به روایت دیگر: هفتصد گناه بکند.^۲

دوم: همچنین شیخ صدوق به سند صحیح و سندهای

۱. بنگرید به: من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۰۲، باب کراهة النوم بعد الغداة، ح ۳؛ وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۹۶، باب ۳۶، کراهة النوم مابین طلوع الفجر، ح ۱ و ۳.

۲. خصال، ج ۲، ص ۵۸۱، ثواب من استغفر الله...، ح ۴؛ بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۱۳۴، باب ۴۳، التعقیب المختصّ بصلاة الفجر، ح ۱۵.

معتبر از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت کرده است که: «هر که بعد از نماز صبح یازده مرتبه سوره‌ی «توحید» بخواند، در آن روز گناهی بر او نوشته نشود، به رغم انف شیطان».^۱

سوم: در کتاب «بلدالأمین» روایت کرده است که: مردی به دردی مبتلا شد که اطبا از معالجه‌ی او به عجز اعتراف کردند، روزی کتابی از کتب علما را گشود؛ در اول صفحه نظرش بر این حدیث افتاد که حضرت صادق (علیه السلام) فرمود که: هر که علتی [مشکلی] داشته باشد، بعد از نماز صبح چهل مرتبه این دعا بخواند. چون چهل روز بر این دعا مداومت کرد، شفا یافت.^۲

-
۱. ثواب الأعمال، ص ۴۵، ثواب من صلی الفجر و...؛ بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۱۳۵، باب ۴۳، التعقیب المختصّ بصلاة الفجر، ح ۱۸.
 ۲. این روایت در کتاب بلدالأمین از کفعمی یافت نشد، لیکن در بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۱۵۳، باب ۴۳، التعقیب المختصّ بصلاة الفجر، ح ۳۷، همین روایت به نقل از کفعمی در کتاب بلدالأمین آمده است؛ و نک: مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۹۲، باب نبذة ممّا يستحبّ...، ح ۱۱.

و بعد از آن، تجربه‌ی بسیار از این دعا نقل کرده است.
و ابن ادریس (رحمة الله علیه) در کتاب «سرائر» از حضرت
صادق (علیه السلام) روایت کرده که: «هر که هر روز این دعا
را سی مرتبه بخواند حق تعالی نود و نه نوع بلا را از او دفع
کند که کمتر آنها خوره باشد».^۱

و شیخ طوسی گفته است که: در تعقیب نماز صبح سی مرتبه
این دعا بخواند.^۲ و دعا به روایت شیخ و ابن ادریس اینست:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

بنام خدای بخشنده‌ی مهربان، سپاس مخصوص خدایی است که پروردگار

اَلْعَالَمِينَ، تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ، لِأَحْوَالِ

عالَمیان است. بلند مرتبه و بزرگوار است، خداوندی که بهترین آفرینندگان است، هیچ جنبش

۱. این روایت از ابن ادریس در کتاب سرائر هم یافت نشد ولیکن آنچه در متن به
ابن ادریس نسبت داده شده مربوط به علامه مجلسی در بحار الأنوار است که
ایشان نیز این نسبت را از کفعمی در بلد الامین نقل می‌کند. رجوع شود به:
بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۱۵۴، باب ۴۳، التعقیب المختصّ بصلاة الفجر، ح ۳۷.
۲. مصباح المتهجّد، ج ۱، ص ۲۱۵، صلاة الصبح.

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ^۱.

و نیرویی نیست مگر به اذن خداوند بلند مرتبه و بزرگ.

چهارم: کفعمی و غیر او از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) روایت کرده اند که: «هر که سوره‌ی «قدر» را بعد از نماز صبح ده مرتبه، و نزد زوال شمس ده مرتبه، و بعد از عصر ده مرتبه بخواند هزار کاتب را سی سال به تعب [سختی] اندازد در نوشتنِ ثواب او»^۲.

۱. مصباح، شیخ طوسی، ص ۲۱۳، صلاة الصبح... و به روایت کفعمی بعد از بسم الله: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ، لِأَحْوَالٍ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ». (مصباح، کفعمی، ص ۱۴۸، فصل الثامن عشر فی أدعية الآلام و...). و هر دو خوبست. البته کفعمی خواندن این دعا را چهل بار برای شفای امراض بیان کرده است.

۲. این روایت از کفعمی یافت نشد؛ ر.ک به: بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۱۶۱، باب ۴۳، التعقیب المختص بصلاة الفجر، ح ۴۰، مصحح بحار الأنوار نیز این روایت را در کتاب کفعمی نیافته است؛ مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۹۲، باب ۲۳، نبذة مما يستحب...، ح ۱۲.

پنجم: شیخ صدوق و سایر علما (رضوان الله علیهم) به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) روایت کرده اند که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فرمود که: «هر که، هر روز عقب نماز صبح ده مرتبه بگوید:

سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا

پاک و منزّه است خداوند با عظمت و او را ستایش می‌کنم و هیچ جنبش

قُوَّةٍ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

و نیرویی نیست مگر به اذن خداوند بزرگ و بلند مرتبه.

حق تعالی او را عافیت دهد از کوری و دیوانگی و خوره و پیسی و پریشانی و خانه بر سرش فرو آمدن یا خرافات در هنگام پیری».^۱

ششم: سید بن طاووس به سند معتبر از حضرت امام رضا (علیه السلام) روایت کرده است که: «هر که بعد از نماز صبح

۱. ثواب الأعمال، ص ۱۵۹، ثواب من قال...؛ وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۷۵.

باب ۲۵، نبذة مما يستحب...، ح ۱.

صد مرتبه بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا

به نام خداوند بخشندهی مهربان، هیچ جنبش و نیروی نیست مگر به اذن

بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

خداوند بلند مرتبه و با عظمت.

به اسم اعظم خدا نزدیکتر باشد از سیاهی چشم به سفیدی آن.^۱

هفتم: در کتاب «من لایحضر» و «ذکری» و «مکارم الأخلاق» روایت کرده‌اند به سند معتبر از مِسمَع که گفت: چهل صباح با حضرت صادق (علیه‌السلام) نماز کردم، چون از نماز فارغ می‌شد دست مبارک به سوی آسمان بلند می‌کرد و می‌گفت:

۱. مهج الدعوات، ص ۳۱۶، و من ذلک ما نذکره...؛ بحار الأنوار، ج ۸۳، ص

۱۶۲، باب ۴۳، التعقیب المختصّ بصلاة الفجر...، ح ۴۱.

أَصْبَحْنَا وَ أَصْبَحَ الْمَلِكُ لِلَّهِ، اللَّهُمَّ إِنَّا عَيْدُكَ وَ

روز دیگری را آغاز کردیم و آغاز شد این روز بر تمام ملکی که برای خداوند است. خداوند! همه‌ی ما بندگان تو و

أَبْنَاءُ عَيْدِكَ، اللَّهُمَّ أَحْفَظْنَا مِنْ حَيْثُ نَحْتَفِظُ

بنده زادگان ناچیز تویم. خداوند! حفظمان کن؛ هم در جایی که قادر به محافظت از خود هستیم

وَ مِنْ حَيْثُ لَا نَحْتَفِظُ، اللَّهُمَّ أَحْرَسْنَا مِنْ

و هم جایی که قادر به محافظت نیستیم. خداوند! بلاها را از ما دفع کن؛ هم از

حَيْثُ نَحْرَسُ وَ مِنْ حَيْثُ لَا نَحْرَسُ،

راه‌هایی که خود قادر به دفع آنیم و هم از مسیری که از دفع آن عاجزیم.

اللَّهُمَّ أَسْرُنَا مِنْ حَيْثُ نَسْتَرُ وَ مِنْ حَيْثُ لَا

خداوند! آبروی ما را حفظ کن؛ هم در جایی که قادر به حفظ آنیم و هم در جایی که قادر

نَسْتَرُ، اللَّهُمَّ أَسْرُنَا بِالْغِنَاءِ وَ الْعَافِيَةِ، اللَّهُمَّ

به حفظ آبرویمان نیستیم. خداوند! به ما لباس بی‌نیازی از خلق و تندرستی بپوشان. خداوند!

أَرْزُقْنَا الْعَافِيَةَ وَ دَوَامَ الشُّكْرِ، وَ أَرْزُقْنَا الشُّكْرَ

سلامتی و دوام تندرستی را روزی‌مان کن و شکر بر این عافیت و سلامتی را

عَلَى الْعَافِيَةِ^۱.

هم روزی مان فرما.

هشتم: شیخ صدوق در «ثواب الأعمال» به سند معتبر

روایت کرده است که: بعد از نماز صبح، صد مرتبه بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا! بر محمد و آل محمد درود بفرست.

تا حق تعالی روی تو را از حرارت جهنم نگاه دارد.^۲

نهم: سید بن باقی از سلمان فارسی (رضی الله عنه) روایت

کرده است که گفت: بر حمایل شمشیر حضرت امیرالمؤمنین

(علیه السلام) نوشته‌ای دیدم، پرسیدم یا امیرالمؤمنین! این نوشته

چیست؟ فرمود که: یازده کلمه است که حضرت رسول

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۳۸، باب ۴۸، ما یستحبّ من الدعاء...، ح ۵؛

مکارم الأخلاق، ص ۲۷۷، فیما یختصّ بالصباح والمساء. روایت در ذکری^۱

یافت نشد.

۲. ثواب الأعمال، ص ۱۵۵، ثواب من صلی علی محمد وآله مائة مرة؛ وسائل

الشیعه، ج ۶، ص ۴۷۹، باب ۲۵، نبذة ممّا یستحبّ...، ح ۱۳.

(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مرا تعلیم کرده است؛ می خواهی تو را تعلیم کنم که به سبب آن در سفر و حَضَر و شب و روز، جان و مال و فرزندان تو از بلاها محفوظ باشند؟ گفتم: بلی. فرمود که: چون از نماز صبح فارغ شدی این دعا را بخوان:

اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ يَا عَالِمًا بِكُلِّ خَفِيَّةٍ، يَا مَنْ

خداوند!! ای کسی که به تمام خفایا و نهانها عالم هستی، ای کسی که

السَّمَاءِ بِقُدْرَتِهِ مَبْنِيَّةٌ، يَا مَنْ اَلْاَرْضُ بِقُدْرَتِهِ

آسمان به قدرتش افراشته شد، ای کسی که زمین به سبب قدرتش

مَدْحِيَّةٌ، يَا مَنْ اَلشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِنُورِ جَلَالِهِ

گسترش یافت، ای کسی که خورشید و ماه به وسیله نور جلالتش

مُضِيَّةٌ، يَا مَنْ اَلْبِحَارُ بِقُدْرَتِهِ مَجْرِيَّةٌ، يَا مَنْجِيَّ

نور افشانی می کند، ای کسی که دریاها به واسطه قدرتش جریان دارند، ای کسی که

يُوسِفَ مِنْ رِقِّ الْعَبُوْدِيَّةِ، يَا مَنْ يَصْرِفُ كُلَّ

یوسف را از اسارت بندگی نجات دادی، ای کسی که هر بلا

نَقِمَةٌ وَ بَلِيَّةٌ، يَا مَنْ حَوَائِجُ السَّائِلِينَ عِنْدَهُ

و نقمته را برمی‌گردانی، ای کسی که نیازهای تقاضا کنندگان در نزدش

مَقْضِيَّةٌ، يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ حَاجِبٌ يُغْشَىٰ وَ لَا

برآورده شده است، ای کسی که هیچ حاجتی برایش نیست که او را در بگیرد

وَ زَيْرٌ يُرْشَىٰ، صَلَّىٰ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ

وزیری ندارد که او را راهنمایی کند، از تو درخواست می‌کنم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و

أَحْفَظُنِي فِي سَفَرِي وَ حَضْرِي وَ لَيْلِي وَ نَهَارِي

در مسافرت و در شهرم و در شب و روزم

وَ يَقْظَتِي وَ مَنَامِي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ

و بیداری و خوابم نگهبان جانم و خانواده و مال و

وُلْدِي، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ. ۱

فرزندانم باشی، سپاس و ستایش مخصوص خداوند یکتاست.

۱. بحارالأنوار، ج ۸۳، ص ۱۹۲، باب ۴۳، التعقیب المختصّ بصلاة الفجر، ح ۵۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۹۰، باب ۲۳، نبذة ممّا يستحبّ...، ح ۷.



فصل سوم

فضیلت و کیفیت سجده شکر

بدان که اجماعی علمای شیعه است که سجده‌ی شکر، سنت است در وقت متجدّد شدن [پیدا شدن] نعمتی، یا دفع شدن بلائی؛ و بهترین افرادش سجده‌ی بعد از نماز است برای شکر توفیق ادای نماز؛ چنانچه شیخ صدوق (رحمه الله) به سند موثّق از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است که:

روزی حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) در بعضی از کوچه‌های مدینه سواره می‌رفت، ناگاه پا را گردانید و

فرود آمد، و به سجده افتاد، و بسیار طول داد سجود را. پس سر برداشت و باز سوار شد. اصحاب از سبب این حال سؤال کردند؛ فرمود که جبرئیل نازل شد و سلام پروردگار مرا رسانید، و بشارت داد مرا که خدا تو را در میان اُمت خود خوار نخواهد کرد. مالی نداشتم که تصدّق کنم، مملوکی نداشتم که آزاد کنم؛ پس سجده شکر پروردگار خود کردم.^۱

و در حدیث صحیح آمده است که:

سجده‌ی شکر واجب است بر هر مسلمانی؛ تمام می‌کنی به آن نماز خود را، و خوشنود می‌گردانی به آن پروردگار خود را، و ملائکه را از خود به عجب می‌آوری؛ به درستی که هر گاه که بنده نماز کند، و بعد از آن به سجده شکر رود، پروردگار عالمیان حجاب را از میان بنده و ملائکه بگشاید؛ پس گوید:

۱. اُمّالی، شیخ صدوق، ص ۵۰۹، مجلس السّادس و السّبعون، ح ۶؛ بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۴۱، باب ۶۱، الشکر، ح ۳۳.

ای ملائکه‌ی من! نظر کنید به سوی بنده‌ی من که ادا کرد فرض مرا، و تمام کرد عهد مرا، پس سجده کرد نزد من برای شکر آنچه من بر او انعام کرده‌ام؛ ای ملائکه‌ی من! او را چه باید داد؟ گویند: پروردگارا! رحمت تو. پس فرماید که: دیگر چه باید داد؟ گویند: پروردگارا! بهشت تو. باز فرماید که: دیگر چه باید داد؟ گویند: کفایت مهمات او و برآوردن حاجت‌های او؛ پس حق تعالی مکرر سؤال نماید، و ملائکه جواب گویند، تا آن که ملائکه گویند: پروردگارا! دیگر ما چیزی نمی‌دانیم. آن گاه خداوند کریم فرماید که: من او را شکر کنم چنانچه او مرا شکر کرد؛ و اقبال کنم به سوی او به فضل خود، و رحمت عظیم خود را در قیامت به او بنمایم.^۱

۱. تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۱۱۰، باب ۸، کیفیة الصلاة و صفتها و...، ح ۱۸۳؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۶، أبواب سجدة الشکر، باب ۱، استحبابهما بعد الصلاة فریضة، ح ۵.

و به سند موثق از حضرت رضا (علیه السلام) منقولست که:
 سجده بعد از نماز واجب، شکر خداست بر آنکه توفیق
 داده بنده‌ی خود را بر آن که ادا کرد فرض او را؛ و کمتر آنچه
 در این سجده گویند آنست که: سه مرتبه بگوید: «شُکراً لله».
 راوی پرسید: چه معنی دارد «شُکراً لله»؟

حضرت فرمود که: معنیش آن است که این سجده از من،
 شکر خداست و آنکه مرا توفیق داد که به خدمت او قیام
 نمودم و فرض او را ادا کردم؛ و شکر خدا موجب مزیدِ نعمت
 و توفیق طاعت است؛ و اگر در نماز تقصیری مانده باشد که به
 نافله‌ها تمام نشده باشد، به این سجده تمام می‌شود.^۱

و اما کیفیت این سجده: به هر نحو که واقع شود به عمل
 می‌آید، و احوط آنست که اگر بر زمین باشد و تواند، مانند
 سجده‌ی نماز بر هفت عضو، سجده کند و پیشانی را بر چیزی
 گذارد که در نماز بر آن می‌گذارد؛ و افضل آنست که بر

۱. علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۶۰، باب علة سجدة الشکر، ح ۱؛ وسائل الشیعه،
 ج ۷، ص ۵، باب ۱، استحبابها بعد الصلاة فریضة، ح ۳.

خلاف سجده‌ی نماز دست‌ها را بر زمین بخواباند، و سینه و شکم را بر زمین برساند.

و افضل آنست که: سجده‌ی شکر بعد از جمیع تعقیبات باشد، و پیش از نوافل؛ و در نماز مغرب اکثر گفته‌اند که بعد از نوافل به عمل آورد، و بعضی پیش از نوافل گفته‌اند؛ و ظاهراً هر دو خوب است، و پیش از نوافل به جا آوردن افضل است؛ چنانچه حمیری از حضرت صاحب الزمان (علیه‌السلام) روایت کرده است؛^۱ و اگر هر دو را به عمل آورد شاید بهتر باشد.

دعاهای سجده

اما دعاهای این سجده بسیار است:

اول: به سند معتبر از حضرت رضا (علیه‌السلام) منقول است که: اگر خواهی صد مرتبه: «شُكْرًا شُكْرًا» بگو، و اگر خواهی

۱. نک: بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۱۹۴، باب ۴۴، سجدة الشکر و فضلها و...

صد مرتبه: «عَفْوًا عَفْوًا».^۱

و در عیون أخبار الرضا (علیه السلام) از «رجاء بن ابی الضحاک» روایت کرده است که: حضرت امام رضا (علیه السلام) در راه خراسان هر گاه از تعقیب نماز ظهر فارغ می شد به سجده‌ی شکر می رفت و صد مرتبه می گفت: «شُكْرًا لِلَّهِ» و چون از تعقیب عصر فارغ می شد صد مرتبه در سجده می گفت: «حَمْدًا لِلَّهِ».^۲

دوم: در فقه الرضا (علیه السلام) مذکور است که: حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) در سجده این دعا را می خواندند:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا، سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ

هیچ معبودی شایسته پرستش نیست جز خداوند یکتا و این را از روی حق و حقیقت می گویم.

۱. عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۱، ص ۲۸۰، باب فیما جاء عن الإمام... ح ۲۳؛ کافی، ج ۳، ص ۳۲۶، باب السجود و التسبیح و...، ح ۲۳.
۲. عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۱۸۰، باب ۴۴، فی ذکر أخلاق الرضا (علیه السلام)، ح ۵.

تَعْبُدًا وَ رِقًّا وَ إِيْمَانًا وَ تَصَدِيقًا، يَا عَظِيمُ إِنَّ

پروردگارا! از روی خضوع و بندگی و ایمان برایت سجده می‌کنم و یکتائیت را تصدیق می‌کنم، ای بلند مرتبه،

عَمَلِي ضَعِيفٌ، فَضَاعِفُهُ لِي يَا كَرِيمُ يَا جَبَّارُ،

همانا عمل من، ناچیز و کم است پس آنرا برایم چند برابر کن، ای بخشنده و ای جبران کننده،

إِغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ جُرْمِي، وَ تَقَبَّلْ عَمَلِي يَا

جرم و گناهانم را ببخش و عملم را قبول فرما، ای

كَرِيمُ يَا جَبَّارُ.^۱

بخشنده و ای جبران کننده.

سوم: در روایات معتبره‌ی بسیار منقولست که: حضرت صادق و کاظم (علیهما السلام) در سجده‌ی شکر بسیار می‌فرمودند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ، وَ

خداوند! به جِدّهنگام مرگ از تو آسودگی و زمان حساب روز جزا،

۱. فقه الرضا (علیه السلام)، ص ۱۴۱، باب ۱۱، صلاة اللیل؛ مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۱۴۲، باب ۵، استحباب الدعاء فی سجدتی الشکر، ح ۱۸.

الْعَفْوُ عِنْدَ الْحِسَابِ^۱.

گذشت و بخشش تقاضا دارم.

چهارم: در بعضی از کتب معتبره از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت شده که: بهترین سخنان نزد حق تعالی آنست که بنده در سجده بگوید:

رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي^۲.

پروردگارا! همانا ابا گناه و معصیتیم | به خود ظلم کردم: پس مرا ببخش.

پنجم: شیخ صدوق به سند معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است که: «هر گاه بنده ای در سجده سه مرتبه بگوید:

۱. کافی، ج ۳، ص ۳۲۳، باب السجود و التسییح و الدعاء...، ح ۱۰؛ تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۳۰۰، باب ۱۵، کیفیة الصلاة و صفتها...، ح ۶۵.
 ۲. بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۲۱۷، باب ۴۴، سجدة الشکر و فضلها و...، ح ۳۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۱۳۵، باب ۵، استحباب الدعاء فی سجدة الشکر، ح ۶.

يَا اللَّهُ يَا رَبَّاهُ يَا سَيِّدَاهُ.

خدایا! پروردگارا! سرورا!

خداوند کریم جواب او گوید: لیبک بنده‌ی من، چه حاجت داری؟ حاجت خود را بطلب.»^۱

۱. أمالی، شیخ صدوق، ص ۴۱۱، مجلس الرابع والستون، ح ۶؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۸۶، أبواب الدعاء، باب ۳۳، أنه يستحب أن يقال في الدعاء، ح ۵.



فصل چهارم

دعاهای صبح و شام

بدان که چون صباح ابتدای روز است، برای تهیه‌ی روز آینده و استمداد توفیق از جناب مقدّس الهی در تحصیل سعادات دنیویّه و اُخرویّه، و استعاذه از شرور اعادی ظاهره و باطنه، و طواریق آفات و عاهات و بلیّات که در عرض روز عروض آنها محتمل است، باید به قدری از اذکار و ادعیه که وسایل رحمت سبحانی است، متوسل گردد.

و همچنین شبی را به انواع نعمت‌ها گذرانیده، و از انواع بلا یا به فضل حق تعالی نجات یافته، باید که از آنها غافل

نباشد، و شکر برخی از آنها را به عمل آورد.
و همچنین در هنگام مساء که نزدیک به شبست باید که
برای شب تهیه بگیرد؛ و از جناب اقدس سبحانی بر تحصیل
سعادات و دفع بلیّات استعانت نماید؛ و شکر نعمت‌های
نامتناهی الهی که در عرض روز بر او وارد شده قدری به عمل
آورد.

و ایضاً چون ملائکه‌ی کاتبان اعمال، در اول روز و اول
شب برای نوشتن اعمال خلائق نازل می‌شوند، مناسب آنست
که در اول هر صحیفه، حمد و ثنا و دعا و استغفار بوده باشد.
و ایضاً چون در این دو وقت آثار قدرت حق تعالی زیاده
از اوقات دیگر ظاهر می‌گردد، از تبدیل لیل به نهار، و نهار به
لیل، و ظلمت به ضیاء، و نور به ظلمت، پس در این دو وقت،
جلالت معبود خود را به یاد آوردن، و متوجه ثنای او شدن
آنسب است؛ لهذا در این دو وقت، ادعیه و اذکار بسیار از
رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (علیهم السلام)
مأثور گردیده و تحریر و ترغیب بی‌شمار بر محافظت این

دو وقت در آیات و اخبار وارد شده است؛ چنانچه حق تعالی می‌فرماید که: ﴿وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ﴾^۱؛ یعنی: تنزیه کن خدا را در پسین و بامداد.

و ایضاً فرموده است که: ﴿وَأَذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَ خِيفَةً وَ دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ﴾^۲؛ یعنی: یاد کن پروردگار خود را در خاطر خود با تضرع و خوف، و کمتر از بلند گفتن از گفتار، در بامداد و پسین‌ها، و مباش از غافلان.

و ایضاً فرموده است که: ﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَى﴾^۳؛ یعنی: و تنزیه کن با حمد، پروردگار خود را پیش از برآمدن آفتاب، و پیش از فرو رفتن آفتاب، و از ساعات شب، پس تنزیه کن پروردگار خود را در اطراف

۱. سوره آل عمران، آیه ۴۱.

۲. سوره اعراف، آیه ۲۰۵.

۳. سوره طه، آیه ۱۳۰.

روز؛ شاید که راضی شوی در آخرت.

و آیات در این باب بسیار است. و از حضرت رسول منقولست که: «هر دو حافظِ اعمال که صحیفه‌ی بنده را بالا برند و در اول و آخر آن صحیفه، کلام نیکی باشد حق تعالی به ملائکه می‌گوید که: گواه باشید که من آمرزیدم برای این بنده آنچه در میان و اول و آخر این صحیفه است».^۱

اول: شیخ صدوق به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) روایت کرده است که: «هر که پیش از طلوع آفتاب یازده مرتبه «سوره توحید» و «سوره قدر» و «آیة‌الکرسی» بخواند خدا منع [حفظ] کند مال او را از آنچه ترسد.

و فرمود: هر که «سوره توحید» و «سوره قدر» را پیش از طلوع آفتاب بخواند در آن روز گناهی به او نرسد، هر چند شیطان جهد کند».^۲

۱. جامع الأخبار، ص ۱۰۰، فصل السادس و الخمسون فی الإخلاص؛ بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۲۴۴، باب ۴۵، الأدعية والأذکار عند الصباح، ح ۱.
 ۲. خصال، ج ۲، ص ۶۲۲، علم امیرالمؤمنین أصحابه فی مجلس...، ح ۱۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۸۲، باب ۴۱، نبذة مما یقال فی الصباح...، ح ۳.

دوم: شیخ صدوق و دیگران به سندهای معتبر بسیار از حضرت امام زین العابدین و حضرت صادق (علیهما السلام) روایت کرده‌اند که: «هر که در شام صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید، چنانست که صد بنده آزاد کرده باشد.»^۱

سوم: در کتاب «محاسن برقی» به سند صحیح منقولست از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) که: حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) به مردی گذشت که باغی برای خود غرس می‌کرد؛ ایستاد و فرمود که: می‌خواهی تو را دلالت کنم بر باغی که اصلش از این باغ ثابت‌تر و میوه‌اش زودرس‌تر و نیکوتر و باقی‌تر باشد؟ گفت: بلی یا رسول الله! فرمود که: در صبح و شام بگو:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ

پاک و منزّه است خدا و حمد و ستایش مخصوص اوست و هیچ معبودی جز او وجود ندارد و خداوند

۱. آمالی، شیخ صدوق، ص ۵۵، مجلس الثالث عشر، ح ۳؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۲۳، أبواب الذکر، باب ۴۸، نبذة مما يستحب أن یقال...، ح ۱۶.

أَكْبَرُ.

بزرگ و والا مرتبه است.

که به عدد هر تسییحی، در بهشت درخت‌ها برای تو غرس می‌نمایند از انواع میوه‌ها، و اینهاست باقیات صالحات که خدا در قرآن فرموده است که نیکوتر و باقی‌ترند از مال دنیا.^۱

چهارم: ثقه الاسلام کلینی و شیخ صدوق به سند صحیح و معتبر از امام محمد باقر و امام جعفر صادق (علیهما السلام) روایت کرده‌اند که: حضرت ابراهیم (علیه السلام) در هر صبح و مساء سه نوبت این دعا را می‌خواند؛ برای این حق تعالی او را در قرآن ثنا گفت که: ﴿وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى﴾؛^۲ یعنی: حقوق ما را کامل و تمام ادا کرد. دعا این است:

۱. محاسن، ج ۱، ص ۳۸، باب ۳۰، ثواب ما جاء فی التسییح، ح ۳۸؛ و نک: أمالی، شیخ صدوق، ص ۳۲۸، مجلس الثالث و الخمسون؛ و بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۲۵۲، باب ۴۵، الأدعیة و الأذکار عند الصباح، ح ۱۸.
۲. سوره نجم، آیه ۳۷.

أَصْبَحْتُ وَ رَبِّي مَحْمُودٌ، أَصْبَحْتُ لَا أُشْرِكُ بِاللَّهِ

روزی بر من آغاز شده که پروردگارم در آن ستوده شده است، صبحی را آغاز کردم که برای خداوند هرگز

شئی، وَلَا أَدْعُو مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ، وَلَا اتَّخِذُ مِنْ

شریکی قایل نیستم و با خدا معبود دیگری را نمی‌خوانم و به غیر از خدا

دُونِهِ وَلِيًّا^۱.

ولی‌ای نمی‌خواهم.

پنجم: به سند معتبر دیگر از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که: «هر که در صبح چهار مرتبه بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» شکر نعمت‌های آن روز را به جای آورده است. و هر که در شام چهار مرتبه بگوید، شکر نعمت‌های آن شب را به جای آورده است»^۲.

۱. کافی، ج ۲، ص ۵۳۴، باب القول عند الإصباح والإمساء، ح ۳۸؛ علل الشرائع، ج ۱، ص ۳۷، باب العلة التي من أجلها...، ح ۱.
 ۲. نک: کافی، ج ۲، ص ۵۰۳، باب التحميد و التمجيد، ح ۵؛ وسائل الشيعه، ج ۷، ص ۱۷۲، باب ۱۷، استحباب التحميد...، ح ۱.

ششم: برقی در «محاسن» به سند موثق از حضرت امام رضا (علیه السلام) روایت کرده است که: «هر که در صبح سه مرتبه، و در شام سه مرتبه بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا

بِنام خداوند بخشنده‌ی مهربان، هیچ جنبش و نیرویی نیست مگر به اذن

بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

خداوند بلند مرتبه‌ی بزرگ.

نترسد از شیطانی، و نه از پادشاهی، و نه از خوره، و نه از پیسی. و حضرت فرمود که: من صد مرتبه می گویم.^۱

هفتم: سید بن طاووس (رحمة الله علیه) در «فلاح السائل» و «محاسبة النفس» روایت کرده است به سند معتبر از امام محمد باقر (علیه السلام) که: چون نزدیک به غروب، رنگ

۱. محاسن، ج ۱، ص ۴۱، ثواب بسم الله الرحمن الرحيم...، ح ۵۱؛ بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۲۵۷، باب ۴۵، الأدعية والأذکار عند الصباح، ح ۲۷.

آفتاب بر در و دیوار و کوه متغیر می‌شد، از دیده‌ی مبارک حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله) اشک جاری می‌شد، و این دعا را می‌خواند:

أَمْسِيْ ظُلْمِيْ مُسْتَجِيْرًا بِعَفْوِكَ، وَ أَمْسَتْ ذُنُوْبِيْ

خدایا ستم را بر خود به شب رساندم در حالی که به بخشش تو نیازمندم و گناهانم را تا به شب رساندم

مُسْتَجِيْرَةً بِمَغْفِرَتِكَ، وَ أَمْسِيْ خَوْفِيْ مُسْتَجِيْرًا

در حالی که به آمرزش تو نیازمندم و ترسم را به شب رساندم در حالی که

بِأَمْنِكَ، وَ أَمْسِيْ ذُلِّيْ مُسْتَجِيْرًا بِعِزِّكَ، وَ أَمْسِيْ

به امان تو نیازمندم و ذلت و خواریم را به شب رساندم در حالی که به عزت تو نیازمندم

فَقْرِيْ مُسْتَجِيْرًا بِغِنَاكَ، وَ أَمْسِيْ وَجْهِيْ الْفَانِيْ

و فقر و نیازمندی خویش را به شب آوردم در حالی که به بی‌نیازی تو نیازمندم و روی سیاه

الْبَالِيْ مُسْتَجِيْرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي الْكَرِيْمِ،

ناپایدار و فرسوده‌ی خویش را به شب رساندم در حالی که به روی و وجود باقی و جاویدان

أَلْبَسَنِي عَافِيَتَكَ، وَ جَلَّلَنِي كَرَامَتَكَ، وَ

و عزیز تو نیازمندم. خداوندا! بر من لباس عافیت بپوشان و

غَشَّنِي رَحْمَتَكَ، وَ قِنِي شَرَّ خَلْقِكَ مِنْ

با کرامتت مرا بزرگی بخش و با رحمت خویش مرا پوشیده بدار و از شر

الْحِنِّ وَالْإِنْسِ، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمٌ.^۱

جن و انس محافظت فرما، ای خدا و ای بخشنده و ای مهربان.

هشتم: در «بلد الأمین» از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت کرده است که: پرسیدم از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) از تفسیر مقالید؛ یعنی کلیدهای حاجات و سعادات؟ فرمود که: ده مرتبه در صبح، و ده مرتبه در شام این دعا بخوان که هر که بخواند خدا شش خصلت، او را عطا کند:

اول: آن که شیطان و لشکر او بر او دست نیابند.

۱. فلاح السائل، ص ۲۰۷، فصل الحادی والعشرون فی صلاة العصر؛ محاسبة النفس، ص ۳۰، فصل فی دعوات رؤیت ...

دوم: آن که قنطاری از ثواب به او عطا کنند که در میزان عمل او از کوه اُحُد سنگین تر باشد.

سوم: آن که او را درجه‌ای بدهند که به غیر نیکوکاران به آن نرسند.

چهارم: خدا خوریان را به او تزویج نماید.

پنجم: دوازده ملک در وقت خواندن حاضر شوند، و در نامه‌ای بنویسند، و در روز قیامت برای او شهادت بدهند.

ششم: چنان باشد که توارت و انجیل و قرآن را تلاوت کرده باشد؛ و چنان باشد که حج و عمره‌ای مقبول بجا آورده باشد؛ و اگر در آن شب یا در آن روز بمیرد او را در زمره‌ی شهدا بنویسند. اینست دعا:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَ

هیچ معبودی به جز خدای یکتا نیست و خداوند، بزرگ و والا است و پاک و منزّه است، و

الْحَمْدُ لِلَّهِ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا

حمد و ثنا مخصوص اوست و از او طلب آموزش می‌کنم. هیچ جنبش و نیرویی نیست مگر به اذن

بِاللَّهِ، هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ، لَهُ

خدا، او ازلی و ابدی و پیدا - در هستی - و پنهان - در چگونگی - است.

الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ، وَ هُوَ حَيٌّ

فرمانروایی از آن اوست و حمد و ثنا نیز مخصوص اوست، زنده می کند و می میراند و او زنده ای

لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

است که هرگز نمی میرد همهی خوبیها به دست قدرت اوست و او بر همه چیز

قَدِيرٌ.^۱

تواناست.

نهم: ثقة الاسلام کلینی به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) روایت کرده است: «هر که در هنگام طلوع صبح این اذکار را بخواند او را در آن صبح از غافلان نویسند، و هر که در شام بخواند در آن شب او را از غافلان

۱. در بلد الأمين یافت نشد؛ ر. ک به: بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۲۸۱، باب ۴۵، الأدعية و الأذکار عند الصباح، ح ۴۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۹۱، باب ۴۱، نبذة مما يقال في الإصباح...، ح ۲۱.

ننویسند». اینست اذکار. ده مرتبه بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ

هیچ معبودی به جز خدای یکتا نیست و هیچ شریکی ندارد، فرمانروایی از آن او

لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَ

و حمد و ثنا هم مخصوص اوست، زنده می‌کند و می‌میراند و می‌میراند و زنده می‌کند و

هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ

اوست زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد، همه‌ی خوبی‌ها به دست قدرت اوست و او بر همه

شَيْءٍ قَدِيرٌ.

چیز تواناست.

و ده مرتبه:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

خداوندا! بر محمد و آل محمد درود بفرست.

و سی و پنج مرتبه: «سُبْحَانَ اللَّهِ»؛ و سی و پنج مرتبه: «لَا إِلَهَ

إِلَّا اللَّهُ؛ و سى و پنج مرتبه: «الْحَمْدُ لِلَّهِ»^۱.

دهم: در «بلد الامین» از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) روایت کرده است که: «هر که در صبح هفت مرتبه این دعا را بخواند در آن روز از بلاها محفوظ باشد»:

فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، إِنَّ

خداوند بهترین حافظ و نگهبان است و او مهربان‌ترین مهربانان است. همانا

وَلِيِّ اللَّهِ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَ هُوَ يَتَوَلَّى

سرپرست من خدایی است که قرآن را فرستاد و او شایسته‌گان را

الصَّالِحِينَ، فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

دوست می‌دارد، پس اگر دیگران از تو رو گردانند بگو خدایی برایم کافی است که معبودی به جز

هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.^۲

او نیست، بر او توکل می‌کنم که پروردگار عرش بزرگ است.

۱. کافی، ج ۲، ص ۵۳۴، باب القول عند الإصباح و الأمساء، ح ۳۵؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۲۸، أبواب الذکر، باب ۴۹، نبذة ممّا یقال فی الصباح و...، ح ۹.
۲. در بلد الامین یافت نشد؛ ر. ک به: بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۲۹۸، باب ۴۵، الأدعية والأذکار عند الصباح، ح ۵۹.

یازدهم: سید بن طاووس و دیگران از سلمان فارسی روایت کرده‌اند که گفت: روزی حضرت فاطمه (سلام الله علیها) به من رطبی داد که دانه نداشت، و فرمود که: این از درختی است که حق تعالی برای من در بهشت غرس کرده است به سبب کلماتی چند که پدرم مرا تعلیم کرده است، و هر بامداد و پسین، آنها را می‌خوانم.

سلمان گفت: مرا تعلیم نما آن کلمات را ای سیده‌ی من! فرمود که: اگر خواهی که هرگز به تب (منشأ بسیاری از دردها) مبتلا نشوی، تا زنده باشی بر این دعا مداومت نما.

سلمان گفت که: آن حضرت دعا را به من تعلیم فرمود و من تعلیم کردم به بیش از هزار نفر از اهل مدینه و مکه که به تب مبتلا شده بودند و همه به توفیق خدا شفا یافتند از برکت این دعا. اینست دعا:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ النَّوْرِ،

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان، به نام خدا که نور عالم است،

بِسْمِ اللَّهِ نُورِ النُّورِ، بِسْمِ اللَّهِ نُورِ عَلَى نُورٍ، بِسْمِ

به نام خدا که نور نور عالم است، به نام خدا که نور بر نور است، به نام

اللَّهِ الَّذِي هُوَ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَ

خدایی که مدبر امور عالم است، به نام خدایی که نور

النُّورِ مِنَ النُّورِ، أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ النُّورَ مِنْ

را از نور آفرید، ستایش از آن خدایی است که نور را از

النُّورِ، وَ أَنْزَلَ النُّورَ عَلَى الطُّورِ، فِي كِتَابٍ

نور آفرید و نور را بر طور سینا نازل کرد در کتاب

مَسْطُورٍ، فِي رَقٍّ مَنشُورٍ، بِقَدَرٍ مَقْدُورٍ، عَلَى

مسطور تورات در صحیفه گشوده به میزانی که معین نمود بر

نَبِيِّ حَبُورٍ، أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ بِالْعِزِّ مَذْكُورٌ،

پیامبر عالم و صالح خود، ستایش مخصوص خدایی است که نزد تمام موجودات به عزت وصف شده

وَبِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ، وَ عَلَى السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ

و به فخر و جلالت معروف است و این خدا را باید در حال آسایش و سختی

مَشْكُورٌ، وَ صَلَّى اللهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

شکرگزار بود و درود خدا نیز بر آقای ما محمد و اهل بیت

الطَّاهِرِينَ.^۱

طاهرینش.

دوازدهم: در بعضی از کتب معتبره از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت کرده است که: هر که این نشش آیه را در هر بامداد بخواند حق تعالی او را از هر شرّی نگاه دارد، هر چند خود را به مهلکه افکند. آیات:

﴿قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَ

یگو: هیچ حادثه‌ای برای ما اتفاق نمی‌افتد، مگر آنکه خداوند برای ما مقرر داشته است: اوست مولای ما؛

عَلَى اللهُ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾.^۲

و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند.

۱. مهج الدعوات، ص ۷، حرز آخر لمولاتنا فاطمه؛ بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۳۲۲، باب ۴۵، الأدعية والأذکار عند الصباح، ح ۶۸، جمله: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ» در بحار نیامده است.

۲. سوره توبه، آیه ۵۱.

﴿وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَ

و اگر خداوند (به جهت عملکردتان) زبانی به شما رساند، هیچ کس جز او قادر به زدودنش نخواهد بود؛

إِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ

و اگر هم اراده خیری نسبت به تو نماید، هیچ کس نمی تواند مانع فضل او شود؛ به هر کس از

مَنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾^۱.

بندگانش بخواهد خیر می‌رساند؛ و او غفور و رحیم است.

﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا

و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خداست،

وَ يَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ مُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ

او مکان و محل رفت و آمدش را می‌داند؛ همه‌ی اینها در کتابی محفوظ

مبین^۲.

ثبت است.

۱. سوره یونس، آیه ۱۰۷.

۲. سوره هود، آیه ۶.

﴿وَكَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَّا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَ

و چه بسا جنبنده‌ای که قدرت حمل روزی خود را ندارد، خداوند است که روزی آنان

إِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾^۱.

و شما را می‌دهد؛ و او شنوای داناست.

﴿مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَ مَا

هر رحمتی که خداوند درش را به روی مردم بگشاید، هیچ‌کس را یارای

يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ

جلوگیری از آن نیست؛ و هر دری را هم ببندد، کسی قادر به بازکردن آن نیست؛ و او عزیز

الْحَكِيمُ﴾^۲.

و حکیم است.

﴿قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ

بگو آیا هیچ دربارهی معبودان غیر از خدا که آنان را می‌خوانید، اندیشه می‌کنید، که اگر

۱. سوره عنکبوت، آیه ۶۰.

۲. سوره فاطر، آیه ۲.

اللَّهُ بِضُرِّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي

خدا زبانی بر من بخواهد، آیا آنها می‌توانند این زیان را برطرف نمایند؟ یا اگر

بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمَسِّكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ

رحمتی برای من بخواهد، آیا آنها می‌توانند جلوی رحمت او را بگیرند؟ بگو خدا

عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿۱﴾

مرا کافی است؛ و همه متوکلان تنها بر او توکل می‌کنند.

حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ

خداوندی برایم کافی است که هیچ معبودی به جز او نیست، بر او توکل می‌کنم که او پروردگار

الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَ أَمْتَنِعُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ

عرش بزرگ است و دوری می‌جویم در پناه نیرو و جنبش الهی از هر نیرو و جنبش

مِنْ حَوْلِهِمْ وَ قُوَّتِهِمْ، وَ أَسْتَشْفِعُ بِرَبِّ الْفَلَقِ

غیر الهی و شفاعت می‌خواهم از خداوند سپیده دم

مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، وَ أَعُوذُ بِمَا شَاءَ اللَّهُ، لَا قُوَّةَ إِلَّا

در برابر شرّ مخلوقش، و پناه می‌برم به آنچه خواست خداوند است. هیچ نیرویی نیست مگر

بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

به اذن خداوند والای بزرگ.

۱. بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۳۳۷، باب ۴۵، الأدعية والأذکار عند الصباح،
ح ۷۳.



فصل پنجم

دعاهای روزانه

دعای هر روز

شیخ صدوق به سند معتبر از حضرت امام صادق (علیه السلام) روایت کرده است که: اگر مؤمنی در یک روز چهل گناه بکند، پس از روی ندامت و پشیمانی این استغفار را بخواند خدا گناهان او را بیامرزد:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ،

طلب آمرزش می‌کنم از خدایی که هیچ معبودی به جز او که زنده و پاینده باشد، وجود ندارد.

بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، [ذَا] ذُو الْجَلَالِ وَ

پدید آورنده آسمان‌ها و زمین است، صاحب جلال و

الْإِكْرَامِ، وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يُتُوبَ عَلَيَّ.^۱

بزرگواری است و از او تقاضا دارم که توبه‌ام را بر من بپذیرد.

همچنین به سند معتبر از آن حضرت روایت کرده است که: «هر که هر روز هفت مرتبه بگوید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ كُلِّ نِعْمَةٍ كَانَتْ أَوْ هِيَ كَائِنَةٌ.

حمد و سپاس خدای را بر همه‌ی نعمت‌هایش؛ که از آن بهره‌مندیم و نعمت‌هایی که دیگران از آنها بهره‌مند خواهند شد.

ادای شکر نعمت‌های گذشته و آینده کرده باشد».^۲

۱. خصال، ج ۲، ص ۵۴۰، استغفار یغفر به أربعون کبيرة، ح ۱۲؛ کافی، ج ۲، ص ۴۳۸، باب الاستغفار من الذنب، ح ۷؛ بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۲۷۷، ابواب الأذکار و فضلها، باب ۱۵، الاستغفار و فضله و أنواعه، ح ۵.
۲. ثواب الأعمال، ص ۹، ثواب من قال فی کل یوم: لا حول و...؛ وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۲۲۳، باب ۴۸، نبذة مما يستحب أن یقال...، باب ۴۸، ح ۱۳.

و ایضاً شیخ صدوق به سند معتبر از آن حضرت روایت کرده است که: «هر که هر روز بیست و پنج مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَالْمُسْلِمِينَ

خداوندا!! همه مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات

وَالْمُسْلِمَاتِ.

را ببخش و بیامرز.

حق تعالی به عدد هر مؤمن که گذشته، و هر مؤمن که آید تا روز قیامت، حسنه در نامه‌ی عملش بنویسد، و به آن عدد، گناه از او محو کند، و درجه‌ای در بهشت برای او بلند کند.^۱

و همچنین شیخ صدوق به سند معتبر دیگر از آن حضرت

۱. أمالی، شیخ صدوق، ص ۳۷۹، مجلس الستون...، ح ۷؛ وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۱۱۴، باب استحباب الدعاء للمؤمنین...، باب ۱۳، ح ۳؛ ثواب الأعمال، ص ۱۶۱، ثواب الدعاء للمؤمنین و المؤمنات....

روایت کرده است که: «هر که هر روز صد مرتبه بگوید:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

هیچ تحرک و جنبش و نیرویی نیست مگر به اذن خدا.

حق تعالی هفتاد نوع بلا را از او دور گرداند که کمتر آنها هم
و غم باشد».^۱

و به روایت دیگر: «هرگز پیریشان نشود».^۲

وثقة الاسلام کلینی و شیخ طبرسی و دیگران به
سندهای حَسَن و معتبر از حضرت صادق (علیه السلام)
روایت کرده اند که: حضرت رسول (صلی الله علیه و آله)
هر روز هفتاد بار می گفت: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» و هفتاد مرتبه: «أَتُوبُ
إِلَى اللَّهِ».^۳

۱. ثواب الأعمال، ص ۱۶۲، ثواب من قال فی کلّ یوم: لا حول و...؛
بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۴، باب ۴۷، ما ینبغی أن یقرأ کلّ یوم و لیلته...، ح ۴.
۲. همان.

۳. کافی، ج ۲، ص ۵۰۴، باب الاستغفار، ح ۵؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۷۹،
باب ۲۵، استحباب الاستغفار فی کلّ یوم، ح ۱؛ بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۲۹۷،
کتاب الصلاة، باب ۴۵، الأدعیة و الأذکار عند...، ح ۵۸.

و در کتاب کشف الغمّه و امالی شیخ طوسی به سند معتبر روایت شده است که: حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فرمود که: «هر که هر روز صد مرتبه بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ.

هیچ معبودی به جز خدایی که فرمانروای حقیقی و روشنگر است، وجود ندارد.

امان یابد از فقر و وحشت قبر، و توانگری رو به او آورد، و درهای بهشت بر روی او گشوده شود.^۱ در کتاب «بلد الامین» از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) روایت کرده است که: «هر که هر روز ده مرتبه بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان، هیچ جنبش و جنبانی و هیچ توان و نیرویی وجود ندارد مگر

۱. کشف الغمّه، ج ۲، ص ۱۶۴، و اما مناقبه و صفاته...؛ امالی، شیخ طوسی، ص ۲۷۹، مجلس دهم، و فيه بقیّة أحادیث...، ح ۷۲؛ بحار الأنوار، ح ۸۳، ص ۱۶۱، کتاب الصلاة، باب ۴۳، التعقیب المختصّ بصلاة الفجر، ح ۴۰.

بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

به اذن خدای والا و بزرگ.

از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده باشد؛ و خدا از او دفع کند هفتاد نوع بلا را که از جمله‌ی آنها دیوانگی و خوره و پیسی و فالج بوده باشد؛ و حق تعالی هفتاد هزار ملک، موکل گرداند که برای او استغفار کنند.^۱

همچنین در «بلد الأمین» از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) روایت آمده است که: «هر که هر روز ده مرتبه این دعا را بخواند حق تعالی چهار هزار گناه کبیره‌ی او را بیامرزد و او را از سگرات موت و فشار قبر و صد هزار هول قیامت نجات دهد، و از شرّ شیطان و لشکرهای او محفوظ گردد، و قرضش ادا شود، و غم و همّش زایل گردد. اینست دعا:

۱. در بلد الأمین یافت نشد؛ ر. ک به: بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۵، باب ۴۷، ما ینبغی أن یقرأ کلّ یوم... ح ۸.

أَعَدَدْتُ لِكُلِّ هَوٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ لِكُلِّ هَمٍّ وَ غَمٍّ

برای هر پیشآمد بزرگی «لا اله الا الله» را، و برای هر غم و اندوهی

مَا شَاءَ اللَّهُ، وَ لِكُلِّ نِعْمَةٍ أَلْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ لِكُلِّ رَخَاءٍ

«ما شاء الله» را، و برای هر نعمتی «الحمد لله» را، و برای هر فراوانی

الشُّكْرِ لِلَّهِ، وَ لِكُلِّ أَعْجُوبَةٍ سُبْحَانَ اللَّهِ، وَ لِكُلِّ

«الشکر لله» را، و برای هر امر عجیبی «سبحان الله» را، و برای هر

ذَنْبٍ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، وَ لِكُلِّ مُصِيبَةٍ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَ إِنْ أَلَيْهِ

گناهی «استغفر الله» را، و برای هر مصیبتی «انا لله و انا الیه

رَاجِعُونَ، وَ لِكُلِّ ضَيْقٍ حَسْبِيَ اللَّهُ، وَ لِكُلِّ قَضَاءٍ

«راجعون» را، و برای هر گرفتاری «حسبی الله» را، و برای هر قضا

وَ قَدَرٍ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، وَ لِكُلِّ عَدُوٍّ إِيْتَصَمْتُ

و قدری «توکلت علی الله» را، و برای هر دشمنی «اعتصمت

بِاللَّهِ، وَ لِكُلِّ طَاعَةٍ وَ مَعْصِيَةٍ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا

بالله» را، و برای هر طاعت و معصیتی «لا حول و لا قوه الا

بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ^۱.

بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» را، تقدیم می‌کنم.

و ثقة الاسلام کلینی و شیخ صدوق و برقی به سندهای معتبر از حضرت امام صادق (علیه السلام) روایت کرده‌اند که:

«هر که هر روز ده مرتبه این دعا را بخواند حق تعالی چهل و پنج هزار حسنه برای او بنویسد، و چهل و پنج هزار گناه از او محو کند، و چهل و پنج هزار درجه در بهشت برای او بلند کند، و جرزی باشد در آن روز برای او از شرّ شیطان و ظالمان، و متصرف نشود او را و احاطه نکند به او گناه کبیره».

و به روایت دیگر:

«چنان باشد که دوازده مرتبه قرآن را ختم کرده باشد، و

۱. در بلد الامین یافت نشد؛ بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۵، باب ۴۷، ما ینبغی أن یقرأ کلّ یوم...، ح ۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۷۹، باب ۴۰، نبذة ممّا یتحبّ أن یقال...، ح ۱۲.

خدا در بهشت خانه از برای او بنا کند». اینست دعا:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، إِلَهًا

گواهی می‌دهم که خدایی به جز خدای تنهای بی‌شریک نیست، خدایی

وَأَحَدًا أَحَدًا صَمَدًا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وُلَدًا.^۱

که یکتای بی‌همتای بی‌نیاز است و هیچ همراه و همدم و زائیده‌ای ندارد.

و کفعمی از امام باقر (علیه‌السلام) روایت کرده است که: «هر که در عرض یک سال هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند، نمیرد تا جای خود را در بهشت ببیند». و آن دعا اینست:

سُبْحَانَ الدَّائِمِ الْقَائِمِ، سُبْحَانَ الْقَائِمِ الدَّائِمِ،

پاک و منزّه است خدای جاویدان پابرجا، پاک و منزّه است خدای استوار جاویدان.

۱. کافی، ج ۲، ص ۵۱۹، باب من قال عشر مرّات فی کلّ یوم...، ح ۱؛ ثواب الأعمال، ص ۸، ثواب من قال فی کلّ یوم: أشهد أن لا إله إلا الله...؛ محاسن، ج ۱، ص ۳۱، ثواب قول: لا إله إلا الله...، ح ۱۹؛ در بحار الأنوار یافت نشد.

سُبْحَانَ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ، سُبْحَانَ الْفَرْدِ الصَّمَدِ،

پاک و منزّه است یگانه‌ی بی‌همتا، پاک و منزّه است تنهای بی‌نیاز،

سُبْحَانَ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ،

پاک و منزّه است زنده‌ی پاینده، پاک و منزّه خدایی که به حمد و ثنایش مشغولم،

سُبْحَانَ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، سُبْحَانَ الْمَلِكِ

پاک و منزّه است خداوندی که زنده‌ی بی‌مرگ است، پاک و منزّه است فرمانروای

الْقُدُّوسِ، سُبْحَانَ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، سُبْحَانَ

پاکیزه، پاک و منزّه است پروردگار فرشتگان و روح، پاک و منزّه است خدای

الْعَلِيِّ الْأَعْلَى، سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى.

والای برتر، پاک و منزّه است و برتر.

ثقة الاسلام کلینی از امام جعفر صادق (علیه السلام)

روایت کرده است که فرمود: ابوذر به خدمت رسول خدا

۱. مصباح، شیخ کفعمی، ص ۸۳، فصل الخامس عشر فیما یقال کلّ یوم؛

بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۶، باب ۴۷، ما ینبغی أن یقرأ کلّ یوم... ح ۹.

(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آمد، و جبرئیل (علیه السلام) با آن حضرت به هیئت دِخِیْهِ کَلْبِی حاضِر بود و رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با او خلوت کرده بود.

چون ابوذر ایشان را دید، از رفتن به سوی ایشان باز گشت، و سخن ایشان را قطع نکرد.

جبرئیل (علیه السلام) عرض کرد: یا محمد! اینک، ابوذر بود بر ما گذشت و سلام نکرد. بدان و آگاه باش! که اگر بر ما سلام می کرد، جواب او را می دادیم. یا محمد! به درستی که او دعایی دارد که در نزد اهل آسمان مشهور است، و چون من به آسمان برگشتم، از ایشان درباره‌ی آن دعا سؤال کن. پس چون جبرئیل (علیه السلام) به آسمان بالا برگشت، ابوذر به خدمت پیغمبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) شرفیاب شد. رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: ای ابوذر! چه چیز باعث شد زمانی که ما را دیدی، بر ما سلام نکنی؟ عرض کرد: یا رسول الله! گمان کردم کسی که با شماست، دِخِیْهِ کَلْبِی است که به جهت پاره‌ای از کارهای خود با او

خلوت کرده‌ای. حضرت فرمود: ای ابوذر! آنکه دیدی، جبرئیل بود و گفت: اگر بر ما سلام می‌کرد، جواب او را می‌دادیم.

چون ابوذر دانست که او جبرئیل (علیه‌السلام) بوده، به قدر کافی از سلام نکردن پشیمان شد. بعد از آن، رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به ابوذر فرمود: آن دعایی که تو آن را می‌خوانی چیست؟ جبرئیل به من خبر داد که برایت دعایی است که آن را می‌خوانی و در آسمان مشهور است. ابوذر عرض کرد: آری، یا رسول‌الله! می‌گویم:

اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ الْاَمْنَ وَ الْاِيْمَانَ بِكَ، وَ

خداوندا! به من ایمنی از گناه و ایمان به خود را و

التَّصَدِيقَ بِنَبِيِّكَ، وَ الْعَافِيَةَ مِنْ جَمِيعِ الْبَلَاءِ، وَ

اعتقاد به پیغمبرت و سلامتی از همه گرفتاری‌ها و

الشُّكْرُ عَلَى الْعَافِيَةِ، وَالْغِنَى عَنْ شِرَارِ النَّاسِ^۱.

قدردانی بر سلامتی و تندرستی و دوری و پرهیز از بدی‌های خلق، عنایت فرما.

۱. کافی، ج ۲، ص ۵۸۷، کتاب الدعاء، باب دعوات مؤجزات...، ح ۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۴۰۰، باب ۱۲، کیفیت اسلام اُبی ذر...، ح ۹.

بخش دوم

ضمائم

تسبیح حضرت زهراء (سلام الله علیها)

نماز جعفر طیار (علیه السلام)



فصل اول

تسبیح حضرت زهراء (سلام الله علیها)

درآمد

حضرت فاطمه علیها السلام فروغ جاودان رسول خدا و بزرگ بانوی زنان جهان^۱ که خانه او کانون عشق، پرستش و فضایل انسانی بود، تسبیح او نیز هدیه آسمانی و از برترین تسبیحات است. امامان معصوم علیهم السلام و فقیهان بزرگ، از فضیلت و والایی آن بسیار سخن گفته‌اند و آثار و برکات فراوانی برای آن

۱. نک: علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۸۲، باب العلة التي من أجلها سميت فاطمة (عليها السلام) محدثة، باب ۱۴۶، ح (۱ و ۲).

برشمردند و آن را ذکر کثیر نامیدند،^۱ و از میان انبوهی از ذکرها و دعاها، تسبیح آن حضرت را به عنوان بهترین ذکر و تعقیبات نماز برگزیده‌اند.^۲

با تسبیح حضرت زهرا علیها السلام نماز با همه‌ی عظمتش اوج می‌یابد و آثار و برکاتش افزون و ثواب و پاداش آن نیز مضاعف می‌گردد؛ تا آنجا که امام صادق علیه السلام فرمود:

هر نمازی که با تسبیح فاطمه علیها السلام همراه گردد، نزد من محبوب‌تر از هزار نمازی است که بدون تسبیح خوانده شود.^۳

امام باقر علیه السلام نیز آن را بهترین هدیه رسول خدا صلی الله علیه و آله به دخترش می‌داند و می‌فرماید:

۱. ر.ک: وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۴۱ - ۴۴۳، أبواب التعقیب، باب ۸، ح ۱ و ۴ و ۵ و ۶.

۲. نک: العروة الوثقی، ج ۲، ص ۲۵۱، فصل فی التعقیب.

۳. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۴۳، أبواب التعقیب، باب ۹، ح ۲؛ «أبي خَالِدِ الْقَسَاطِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ عليها السلام فِي كُلِّ يَوْمٍ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ صَلَاةِ أَلْفِ رَكْعَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ».

خداوند به چیزی برتر از تسبیح فاطمه (علیها السلام) عبادت نشده است و اگر چیزی بهتر از آن بود حتماً رسول خدا آن را به دخترش هدیه می داد.^۱

چه رازی در تسبیح آن حضرت نهفته است که بزرگان دین، این همه بر فضیلت آن تأکید فرموده اند؟ در حالی که تسبیحات و ذکرهای بسیاری در آموزه های دینی ما وارد شده که در نگاه اول مهم تر به نظر می رسند.

چرا این ذکر کوتاه، این همه مورد توجه ویژه ائمه مذهب تشیع قرار گرفته و نه تنها به عنوان تعقیب نماز، که وقت خوابیدن و هر زمان دیگری یک عمل ارزشمند و مستحب به شمار آمده و بر مداومت آن سفارش شده است؟

چنین به نظر می رسد که نام زهرا ی اطهر (علیها السلام) که ریشه ی عترت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است و روح بزرگ او همسفر و همگام با

۱. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۴۳، أبواب التعقیب، باب ۹، ح ۱؛ «أبي جعفر (علیها السلام) قال: ما عبد الله بشيءٍ من التَّحْمِيدِ أَفْضَلَ مِنْ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ (علیها السلام) وَلَوْ كَانَ شَيْءٌ أَفْضَلَ مِنْهُ لَنَحَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) فَاطِمَةَ (علیها السلام)».

روح مقدّس امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام باید زنده و جاودان بماند تا آدمی با تسبیح آن حضرت با نخستین مدافع و قربانی حریم امامت و ولایت که روح قرآن و شریعت است، هم صدا گردد و در ساحل دریای بیکران کوثر، آرام گیرد تا ضمن تسبیح پروردگارش، غدیرخم و پیوند ناگسستنی قرآن و عترت پیامبر را زنده نگه دارد و روح تشنه‌ی خود را از سرچشمه زلال توحید ناب و امامت، که استمرار رسالت انبیا است، سیراب سازد.

معانی تسبیح

«تسبیح» در معانی گوناگونی به کار رفته است؛ به معنای گردش ستارگان در مدار خود، سرعت و حرکت کشتی‌ها، شتاب به سوی خدا، نور و وجه خدا، مواضع سجود، ذکر، دعا، نماز، خضوع در عبادت و... .

در قرآن، کلمه تسبیح و مشتقات آن ۹۲ بار در ۸۸ آیه شریفه تکرار و در همان مفاهیم لغوی و برخی مفاهیم دینی و

شرعی به کار گرفته شده و به مفهوم عمومی عبادت آمده است.

﴿تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ﴾^۱؛

تسبیح گوی خدایند آسمان‌های هفت گانه و زمین و آنچه در آنهاست و هیچ موجودی در عالم نیست مگر آنکه خدا را می ستایند؛ اما شما تسبیح آنها را در نمی یابید.

«سَبِّح» که ریشه تسبیح است دارای دو اصل است: یکی از جنس عبادت و ذکر، که منزّه دانستن خداوند از هر کثری و کاستی، و دیگری از جنس تلاش و کوشش که مفهوم محوری و اصل واحد آن، حرکت در مسیر حق، بدون انحراف است.^۲

۱. سوره اسراء، آیه ۴۴.

۲. نک: دائرة المعارف تشیع، ج ۴، ص ۲۴۳.

داستان تعلیم تسبیح صدیقه‌ی کبری (علیها السلام)

زندگی در خانه امیرمؤمنان (علیها السلام) و همسر فداکارش بر همدلی و همکاری استوار بود.

امام باقر (علیها السلام) زندگی حضرت فاطمه (علیها السلام) را در خانه علی (علیها السلام) این گونه تصویر می‌کند:

إِنَّ فَاطِمَةَ (علیها السلام) ضَمِنَتْ لِعَلِيِّ (علیها السلام) عَمَلَ الْبَيْتِ وَالْعَجِينَ وَالْخُبْزَ وَقَمَّ الْبَيْتِ وَضَمِنَ لَهَا عَلِيُّ (علیها السلام) مَا كَانَ خَلْفَ الْأَبَابِ نَقْلَ الْحَطَبِ وَأَنْ يَجِيءَ بِالطَّعَامِ...!

فاطمه (علیها السلام) در خانه علی (علیها السلام) متعهد شد که کارهای خانه و خمیر کردن و نان پختن و جارو کردن را انجام دهد، و علی (علیها السلام) پذیرفت که کارهای بیرون از خانه را به سامان رساند؛ یعنی هیزم آوردن و تهیه خوراک و غذا و...

تقسیم کار در امور خانواده به زندگی نظم می‌بخشد و زمینه را برای آرامش و تربیت فرزندان، فراهم می‌سازد تا آنان

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۵، کتاب التجاره، باب ۸، ح ۱۱.

نیز در کنار خانواده و از دوران کودکی، تقسیم کار و نظم در زندگی را آموخته و در آینده با همسرانشان نیز چنین کنند.

فاطمه (علیها السلام) که پاره تن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بود،^۱ در خانه کار می کرد، با مَشک آب می آورد، آرد آسیاب می کرد، غذا می پخت و خانه را تمیز و جارو می کرد به حدی که اثر بند مَشک بر بدنش پیدا و دست هایش پینه بست و رنگ لباسش تغییر کرده بود. علی (علیه السلام) که سختی ها و رنج همسر گرامی اش را نظاره می کرد به فاطمه (علیها السلام) فرمود: «از پدر خادمی بخواه تا در کارهای منزل تو را یاری رساند».

فاطمه (علیها السلام) خدمت پیامبر رسید؛ اما آن روز نتوانست با پدر

۱. نک: بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۵۴، باب مناقبها وبعض أحوالها (علیها السلام)، ح ۴۸؛ «خرج النبي (صلی الله علیه و آله و سلم) و هو آخذ بيد فاطمة (علیها السلام)»، فقال: من عرف هذه فقد عرفها و من لم يعرفها فهي فاطمة بنت محمد، و هي بضعة مني و هي قلبي و روعي التي بين جنبي، فمن آذاها فقد آذاني و من آذاني فقد آذى الله؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) روزی دست فاطمه (علیها السلام) را گرفتند و فرمودند: آیا او را می شناسید؟ او دختر محمد است. او پاره تن و قلب و روح من است. هر کس به او آزار رساند، در واقع مرا آزرده است و آزدن من هم، آزدن خداست».

سخن بگوید. فردا پدر، خود به دیدار دختر می‌شتابد تا قصه حضورش، نزد پدر را از او بشنود. فاطمه باز هم خجالت کشید و چیزی نگفت. علی (علیه السلام) که نگران همسرش بود از رنج‌های فاطمه برای پیامبر سخن گفت و عرض کرد: «من به فاطمه گفتم نزد پدر برو و از ایشان بخواه خادمی به شما ببخشد تا در کارهای منزل به شما کمک نماید».

پیامبر فرمود: «آیا می‌خواهید به شما چیزی بیاموزم که بهتر از خادم باشد؟»

آنگاه ذکری را که مشهور به تسبیح حضرت زهراست به دختر گرامی‌اش آموخت و فاطمه عرض کرد: «از خدا و رسولش راضی شدم».^۱

۱. ر.ک: من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۲۰، باب ۴۵، وصف الصلاة من فاتحتها إلى خاتمتها؛ «وَرَوِيَ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) قَالَ لِرَجُلٍ مِنْ بَنِي سَعْدِ: أَلَا أَدُلُّكَ عَلَيَّ وَعَنْ فَاطِمَةَ: أَنَّهَا كَانَتْ عِنْدِي فَاسْتَقْتِ بِالْقُرْبَةِ حَتَّى أَثَّرَ فِي صَدْرِهَا وَطَحَنَتْ بِالرَّحَى حَتَّى مَجَلَّتْ يَدَاهَا وَكَسَحَتِ الْبَيْتَ حَتَّى اغْبَرَّتْ ثِيَابَهَا وَأَوْقَدَتْ تَحْتَ الْقَدْرِ حَتَّى دَكَّنَتْ ثِيَابَهَا فَأَصَابَهَا مِنْ ذَلِكَ ضَرْرٌ شَدِيدٌ، فَقُلْتُ لَهَا: لَوْ أَتَيْتَ أَبَاكَ فَسَأَلْتَهُ خَادِمًا يَكْفِيكَ حَرًّا مَا أَتَتْ فِيهِ مِنْ هَذَا الْعَمَلِ، فَأَتَتْ النَّبِيَّ (صلی الله علیه و آله و سلم) فَوَجَدَتْ ←

در کتاب بحار الأنوار نیز آمده است که: علی (علیه السلام) فرمود:
 «برخی از پادشاهان به رسم هدیه، خادمانی نزد
 پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرستادند و من به فاطمه (علیها السلام) گفتم: از رسول
 خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) خادمی بخواهد تا در خانه به شما یاری
 رساند، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پس از درخواست حضرت، فرمود:
 ای فاطمه به تو چیزی خواهم داد که از خدمتکار و دنیا
 و از آنچه در آن است بهتر باشد؛ بعد از نماز سی و

→ عَنْدَهُ حَدَّثَانَا فَاسْتَحْيَيْتُ فَأَنْصَرَفْتُ، فَعَلِمَ النَّبِيُّ (صلی الله علیه و آله و سلم) أَنَّهُمَا قَدْ جَاءَتْ لِحَاجَةٍ،
 فَعَدَا عَلَيْنَا وَ نَحْنُ فِي لِحَافِنَا، فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فَسَكَنْنَا وَ اسْتَحْيَيْنَا لِمَكَانِنَا، ثُمَّ قَالَ:
 السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فَسَكَنْنَا، ثُمَّ قَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فَحَشِينَا إِنْ لَمْ نَرُدَّ عَلَيْهِ أَنْ يَنْصَرِفَ وَ
 قَدْ كَانَ يَفْعَلُ ذَلِكَ فَيَسْلُمُ ثَلَاثًا فَإِنْ أُذِنَ لَهُ وَ إِلَّا أَنْصَرَفَ، فَقُلْنَا: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا
 رَسُولَ اللَّهِ، أَدْخُلْ وَ فَدَخَلَ وَ جَلَسَ عِنْدَ رُؤُسِنَا، ثُمَّ قَالَ: يَا فَاطِمَةُ مَا كَانَتْ حَاجَتُكَ
 أَمْسَ عِنْدَ مُحَمَّدٍ، فَحَشِيْتِ إِنْ لَمْ نُجِبْهُ أَنْ يَقُومَ فَأَخْرَجْتُ رَأْسِي، فَقُلْتُ: أَنَا وَ اللَّهُ
 أَخْبِرُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ: إِتْمَا اسْتَقْتِ بِالْقُرْبَةِ حَتَّى أَثَّرَ فِي صَدْرِهَا وَ جَرَتْ بِالرَّحَى حَتَّى
 مَجَلَّتْ يَدَاهَا وَ كَسَحَتِ الْبَيْتَ حَتَّى اغْبَرَّتْ ثِيَابَهَا وَ أَوْقَدَتْ تَحْتَ الْقَدْرِ حَتَّى دَكَنْتُ
 ثِيَابَهَا، فَقُلْتُ لَهَا: لَوْ أَتَيْتُ أَبَاكَ فَسَأَلْتِهِ خَادِمًا يُكْفِيكَ حَرًّا مَا أَتَيْتُ فِيهِ مِنْ هَذَا الْعَمَلِ،
 قَالَ: أَفَلَا أَعَلَّمْتُكُمْ مَا هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ مِنَ الْخَادِمِ، إِذَا أَخَذْتُمَا مَنَاكُمْ فَكَبِّرَا أَرْبَعًا وَ ثَلَاثِينَ
 تَكْبِيرَةً، وَ سَبِّحَا ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ تَسْبِيحَةً، وَ أَحْمَدَا ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ تَحْمِيدَةً، فَأَخْرَجْتُ
 فَاطِمَةَ (علیها السلام) رَأْسَهَا وَ قَالَتْ: رَضِيتُ عَنِ اللَّهِ وَ عَنِ رَسُولِهِ، رَضِيتُ عَنِ اللَّهِ وَ عَنِ
 رَسُولِهِ.»

چهار بار «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگو، و سی و سه مرتبه
«الْحَمْدُ لِلَّهِ»، و سی و سه بار «سُبْحَانَ اللَّهِ»^۱.

حضرت زهرا علیها السلام به این تسبیح پس از هر نماز مداومت
می کرد تا اینکه به او منسوب گردید.

فاطمه علیها السلام ابتدا از پشم، رشته‌ای از تسبیح تایید و گره‌هایی
در آن زد و با آن تسبیح را به جامی آورد؛ تا آنکه حضرت
حمزه عموی بزرگوار پیامبر صلی الله علیه و آله به شهادت رسید، حضرت
زهرا علیها السلام از تربت قبر آن شهید و الامقام، تسبیح ساخت و به
ذکر تسبیحات می پرداخت. هنگامی که حضرت سیدالشهدا
حسین بن علی علیه السلام به شهادت رسید سنت شد که از تربت قبر

۱. دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۶، باب ذکر الدعاء بعد الصلاة؛ و بحار الأنوار،
ج ۸۲، ص ۳۳۶، باب تسبیح فاطمة (صلوات الله علیها) و فضله و أحكامه و
آداب السبحة و إدارته، ح ۲۵: «عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: أَهْدَى بَعْضُ مُلُوكِ
الْأَعْرَابِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله رَقِيقًا، فَقُلْتُ لِفَاطِمَةَ اسْتَعْدِمِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ
خَادِمًا فَأَتَتْهُ فَسَأَلَتْهُ ذَلِكَ - وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ بِطَوْلِهِ اخْتَصَرْنَا نَاهُ نَحْنُ هَاهُنَا - فَقَالَ هَا
رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: يَا فَاطِمَةُ أُعْطِيكَ مَا هُوَ خَيْرٌ مِنْ ذَلِكَ تُكْرِمِينَ اللَّهَ بَعْدَ كُلِّ صَلَاةٍ
ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ تَكْبِيرَةً، وَ مُحَمَّدِينَ اللَّهَ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ تَحْمِيدَةً، وَ تُسَبِّحِينَ اللَّهَ ثَلَاثًا وَ
ثَلَاثِينَ تَسْبِيحَةً ...».

سیدالشهدا (علیه السلام) تسبیح سازند و با آن ذکر گویند.^۱

تسبیح حضرت زهرا جلوه‌ای از عبادت صدیقه

طاهره (علیه السلام)

عبادت و بندگی خدا؛ هم هدف آفرینش است و هم شکرگزاری و سپاس بنده از خالق بی‌نیاز است. ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^۲ با این همه، نفسِ عبادت، مقدمه و زمینه‌ای است برای تربیت تا در پرتو آن، انسان رشد و تعالی یابد و از بندگی غیرخدا آزاد و رها گردد. فاطمه (علیه السلام) با قلبی سرشار از عشق و ایمان، خدا را می‌پرستید و

۱. نک: وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۵۵، أبواب التعقیب، باب ۱۶، ح ۱؛ و مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۱۲، باب استحباب السجود علی تربة... و جواز التسبیح بها بالیسار، ح ۲؛ «فِي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ قَالَ: أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ (ﷺ) كَانَتْ سُبْحَتَهَا مِنْ خُيُوطِ صُوفٍ مُقْتَلٍ مَعْقُودٍ عَلَيْهِ عِدَّةُ التَّكْبِيرَاتِ فَكَانَتْ (ﷺ) تُدِيرُهَا بِيَدِهَا تُكَبِّرُ وَ تُسَبِّحُ، إِلَى أَنْ قُتِلَ حَمْزَةُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ، فَاسْتَعْمَلَتْ تُرْبَتَهُ وَ عَمَلَتْ التَّسْبِيحَ فَاسْتَعْمَلَهَا النَّاسُ، فَلَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ (ﷺ) عُدِلَ إِلَيْهِ بِالْأَمْرِ فَاسْتَعْمَلُوا تُرْبَتَهُ لِمَا فِيهَا مِنَ الْفَضْلِ وَالْمَزِيَّةِ».

۲. سوره ذاریات، آیه ۵۶.

با او راز و نیاز می کرد.

رسول خدا ﷺ در وصف آن بانوی بزرگ چنین می گوید:

ایمان به خدا در اعماق روح فاطمه آن چنان نفوذ کرده است که برای عبادت پرورگارش، خود را از همه چیز فارغ می بیند.^۱

اما او که فرزند رسول خدایی بود که پدر مهربان و دلسوز اُمت بود و سرشار از عواطف انسانی، عواطفی که عشق‌ها و دوستی‌ها از آن برمی خیزد، از زهرای اَطهر یک ایثارگر بزرگ و دل‌باخته انسان‌ها، به‌ویژه درماندگان ساخته بود. از غذای خود و همسر و کودکش به گرسنگان می داد. حتی اگر چیزی در خانه نداشت لوازم ضروری خود را گرو می گذاشت تا غذایی برای نیازمندان آماده کند. در دعاها و

۱. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۳۷؛ و بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۴۶؛ باب مناقبها و بعض أحوالها، ح ۴۴؛ «وَقَالَ فِي آخِرِ الْخَبَرِ: فَتَبَسَّمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ قَالَ: يَا سَلْمَانَ إِنَّ ابْنَتِي فَاطِمَةَ مَلَأَتْ لِي اللَّهُ قَلْبَهَا وَ جَوَارِحَهَا إِيَّانَا إِلَى مُشَاشِهَا».

راز و نیازش نیز چنین بود. همیشه به یاد مردم و برای نجات آنان و لغزش‌هایشان از خدا طلب عفو و گذشت می‌کرد. عشق به خدا و انسان، در وجود مقدّسش موج می‌زد. فرزند عزیزش امام حسن (علیه السلام) در توصیف عبادت و شب زنده داری‌های مادرش چنین می‌فرماید:

شب جمعه بود مادرم را دیدم که در محراب ایستاده و همواره به رکوع و سجود مشغول است تا سپیده صبح آشکار گردید و می‌شنیدم که برای مردان و زنان مؤمن دعا می‌کرد و برای خود چیزی نمی‌خواست. پرسیدم چرا برای خودت از خدا چیزی طلب نمی‌کنی؟ پاسخ داد: الجار ثم الدار؛ اول همسایه بعد اهل خانه.^۱

۱. بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۸۲، باب سیرها و مکارم أخلاقها (صلوات الله علیها) و سیر بعض خدما، ح ۳؛ و وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۱۳، أبواب الدعاء، باب ۴۲، ح ۷ و ۸؛ «عَنِ الْحَسَنِ قَالَ: رَأَيْتُ أُمَّي فَاطِمَةَ (علیها السلام) قَامَتْ فِي مَجْرَاهَا لَيْلَةً جُمُعَتِهَا فَلَمْ تَزَلْ رَاكِعَةً سَاجِدَةً حَتَّى انْصَحَ عَمُودُ الصُّبْحِ، وَ سَمِعْتُهَا تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ تُسَمِّيهِمْ وَ تُكثِرُ الدُّعَاءَ لَهُمْ، وَ لَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا بِنَتْنِئِءٍ، فَقُلْتُ لَهَا: يَا أُمَّة! لِمَ لَا تَدْعُونَ لِنَفْسِكِ كَمَا تَدْعُونَ لِغَيْرِكِ، فَقَالَتْ: يَا بَنِي! الْجَارَ ثُمَّ الدَّارَ».

در دعایی دیگر به نقل از اسماء به پروردگارش چنین عرض می کند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَشَوْقِهِ إِلَيَّ، وَ
بِعَلِيِّ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَحُزْنِهِ عَلَيَّ، وَبِالْحَسَنِ
الْمُجْتَبَى وَبُكَائِهِ عَلَيَّ، وَبِالْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ وَكَأْتِيهِ
عَلَيَّ، وَبِنَاتِي الْفَاطِمِيَّاتِ وَتَحَسُّرِ هِنَّ عَلَيَّ، إِنَّكَ تَرْحَمُ
وَ تَغْفِرُ لِلْعَصَاةِ مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ، وَ تَدْخُلُهُمُ الْجَنَّةَ، إِنَّكَ
أَكْرَمُ الْمَسْئُولِينَ وَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ؛^۱

خداوندا به محمد مصطفی و اشتیاقی که به من داشت،
و به علی مرتضی و اندوهش بر من، و به حسن مجتبی
و گریه او بر من، و به حسین شهید و غصه های او بر
من، ... از تو می خواهم که به گناهکاران امت محمد
رحم کنی و آنان را بیامرزی و در بهشت جایشان دهی

۱. عوالم العلوم و المعارف و الأحوال، ج ۱۱، ص ۸۹۱: «قَالَتْ أَسْمَاءُ: فَرَأَيْتُهَا رَافِعَةً يَدَهَا إِلَى السَّمَاءِ، وَ هِيَ تَقُولُ: اسْمَاءُ مَيَّ گويد: حضرت فاطمه را ديدم كه دست هایش را به سوی آسمان گرفته و عرضه می دارد.»

که تو مهربان‌ترین مهربانانی.

نگاه فاطمه علیها السلام به دین، جامع و عمیق بود. همچنانکه وجودش لبریز از عشق به خدا بود. با تمام وجودش به مردم هم علاقه داشت. محبت او به افراد جامعه در حاشیه و تشریفاتی نبود، بلکه در متن زندگی و عبادات و تهجد او جریان داشت و همیشه فرجام نیک مردم، آرمان و آرزویش بود.

با این همه، تسبیح آن حضرت که هدیه و یادگار رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، نزد صدیقه‌ی طاهره جایگاه ویژه‌ای داشت و به آن اهتمام می‌ورزید. هنگام نماز، خواب و در طول روز و شب با آن، پروردگارش را می‌ستود و به تسبیح او می‌پرداخت و روح و جانش را با یاد معبودش آرامش می‌بخشید.

این تسبیح آسمانی جلوه‌ای خاص در بین عبادات فاطمه علیها السلام پیدا کرد و او را جزو ذاکرین بزرگ قرار داده است. با عنایت و مداومت زهرای مرضیه و تأکیدات ائمه اطهار علیهم السلام، تسبیح آن حضرت از معروف‌ترین ذکرهای معتبر موجود در فرهنگ شیعی به شمار آمد، و اگر گفته شود نام فاطمه و

زهرا علیها السلام جزو لاینفک کلمه تسبیح در آمده است، گزاف نیست؛ به حدی که هر گاه واژه تسبیح بر زبان آید پیش از هر چیزی نام حضرت زهرا و فاطمه علیها السلام است که به ذهن خطور می کند و بر صحیفه ی دل می درخشد.

طریقه گفتن تسبیح آن حضرت

یکی از اعمال مستحبی که تأکید زیادی به انجام آن شده، تعقیبات نماز است؛ یعنی انسان، پس از نماز به ذکر و دعا مشغول شود و با اتمام سلام نماز، فوراً ارتباطش را با خداوند قطع نکند.

در این زمینه ذکرها و دعاهای فراوانی وارد شده؛ اما تسبیح حضرت زهرا علیها السلام به عنوان ذکر برتر برای تعقیب نمازها، در روایات گوناگون و نیز از سوی فقهای بزرگ، مورد تأکید واقع شده و طریقه گفتن و تعداد آن نیز بیان شده است. امام صادق علیه السلام فرمود:

فِي تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ علیها السلام تُبْدَأُ بِالتَّكْبِيرِ أَرْبَعًا وَ ثَلَاثِينَ، ثُمَّ

التَّحْمِيدِ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ، ثُمَّ التَّسْبِيحِ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ؛^۱

تسبیح فاطمه این گونه گفته شود: ابتدا سی و چهار بار
«اللَّهُ أَكْبَرُ» بعد سی و سه مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و سپس
سی و سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ».

نظر مشهور فقهای شیعه و حضرت آیت الله العظمی
صانعی^۲ نیز به همین ترتیب است و بیشتر روایات هم بر این
ترتیب دلالت دارد.

مستحب است برای گفتن تسبیحات حضرت فاطمه (ع) از
رشته تسبیح ثُربت سیدالشهدا (ع) استفاده گردد. در روایات هم
آمده است: اگر ذکر یا استغفار با تسبیح ثُربت امام حسین (ع)
گفته شود، برابر است با هفتاد ذکر که با چیز دیگر گفته
می شود.^۳

-
۱. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۴۴، أبواب التعقیب، باب ۱۰، ح ۲.
 ۲. رک: العروة الوثقی، ج ۲، ص ۲۵۱، فصل فی التعقیب.
 ۳. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۵۶، أبواب التعقیب، باب ۱۶، ح ۷؛ «عَنِ الصَّادِقِ (ع): أَنَّ مَنْ أَدَارَ الْحَجَرَ مِنْ تُرْبَةِ الْحُسَيْنِ (ع) فَاسْتَعْفَرَ بِهِ مَرَّةً وَاجِدَةً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ سَبْعِينَ مَرَّةً».

و حتی اگر کسی آن را در دست بگیرد و ذکر تسبیح را فراموش کند، ثواب تسبیح برای او نوشته می شود.^۱ غیر از تَرَبْت شریف قبر سیدالشهدا (علیه السلام) تسبیح با انگشتان دست، از چیزهای دیگر افضل است؛ چرا که اعضا و جوارح انسان در روز قیامت، مورد سؤال و بازخواست قرار می گیرند و شهادت خواهند داد.^۲

تسبیح حضرت زهرا (علیه السلام) فی نفسه مستحب است و اختصاص به مورد یا زمان معین ندارد؛ یعنی بعد از نمازهای واجب، نافله، وقت خوابیدن و در هر ساعتی از روز و شب مستحب است^۳ و در تعقیب نماز تأکید بیشتری به انجام آن

۱. نک: مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۱۳، کتاب الصلاة، أبواب ما یسجد علیه، باب ۹، ح ۴.

۲. نک: من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۶۸، باب ۴۰، ما یسجد علیه و ما لا یسجد علیه، ح ۲؛ و مجمع الفائدة والبرهان، ج ۲، ص ۳۱۳؛ «قَالَ (علیه السلام): السُّجُودُ عَلَى طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) يُنَوِّرُ إِلَى الْأَرْضِ السَّابِعَةِ، وَمَنْ كَانَ مَعَهُ سُبْحَةٌ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) كُتِبَ مُسَبِّحًا وَإِنْ لَمْ يُسَبِّحْ بِهَا، وَالتَّسْبِيحُ بِالْأَصَابِعِ أَفْضَلُ مِنْهُ بِغَيْرِهَا، لِأَنَّهَا مَسْئُولَاتٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

۳. نک: العروة الوثقی، ج ۲، ص ۲۵۱، فصل فی التعقیب.

شده است.

تعداد تسبیح مجموعاً صد ذکر است و اگر کسی شک کند در عدد «اللَّهُ أَكْبَرُ» یا «الْحَمْدُ لِلَّهِ» یا «سُبْحَانَ اللَّهِ» در صورتی که هنوز آن ذکر را تمام نکرده باشد، بنا را بر عدد کم بگذارد و بقیه را بگوید، و اگر آن ذکر تمام شده باشد، بنا را بر اتیان و انجام آن بگذارد و اگر زیادت از عدد آن آورده، مبنای بر همان تعداد واقعی گذاشته و از زاید بر آن دست بردارد.^۱

شرائط و قیود تسبیح

توجه و حضور قلب

یکی از شرائط مهم و اساسی و مؤثر در عبادات، توجه و حضور قلب است و بی توجهی و غفلت نیز، از آفات و آسیب‌های جدی است که عمل عبادی را بی‌خاصیت و از اثر تُهی می‌سازد.

تسبیح حضرت زهراء (علیها السلام) هم مانند سایر عبادات، آدابی دارد

۱. نک: العروة الوثقی، ج ۲، ص ۲۵۲، مسأله ۱۹ و ۲۰.

که باید به آن اهتمام ورزید و بر مداومت آن کوشا بود. هنگام ذکر، حقیقت تسبیح و تکبیر و تحمید را از قلب خود بگذرانند. قدری تفکر کند و خود را در محضر پروردگارش ببیند. تسبیح را با تکلف انجام ندهد بلکه با عشق و علاقه پیگیری نماید و با حضور قلب که روح و جان عبادت است؛ فارغ از همه‌ی امور دیگر به تسبیح پروردگارش پردازد تا آثار و برکات آن در او تجلی پیدا کند.

مداومت و استواری

نکته دیگری که باید به آن پرداخت و از شرایط مهم تأثیر ذکر و دعا است، استمرار و استواری در انجام آن است که این امر، سخت‌تر از اصل ذکر است. امام باقر (علیه السلام) فرمود:

محبوب‌ترین اعمال نزد خدای عزوجل عملی است که بنده آن را ادامه دهد، اگر چه اندک باشد.^۱

۱. الکافی، ج ۳، ص ۲۷۴، باب المواقیت أولها و آخرها و أفضلها، ح ۸؛ و وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۲۱، أبواب المواقیت، باب ۳، ح ۱۰؛ «قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (علیه السلام): ... وَ أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ مَا دَاوَمَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ وَ إِنْ قَلَّ».

ذکر تسبیح بدون وقفه

قبل از آنکه نماز گزار، از حالت تشهد و سلام خارج گردد و به کار دیگری خود را مشغول نماید، ذکر تسبیح را به جا آورد. امام صادق علیه السلام فرمود:

مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ عليها السلام قَبْلَ أَنْ يَتَنَى رِجْلَهُ مِنْ صَلَاةِ
الْفَرِيضَةِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ، وَيُبْدَأُ بِالتَّكْبِيرِ؛^۱

کسی که در نماز واجب، پس از سلام نماز و قبل از حرکت از محل نماز، تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بگوید، خداوند او را می آمرزد. و باید تسبیح را با «اللَّهُ أَكْبَرُ» آغاز کند.

پی در پی و رعایت موالات در تسبیح

از شرایط دیگر این تسبیح، بی وقفه و پشت سرهم گفتن ذکر است؛ با سخن گفتن و امور دیگر، بین آنها فاصله نیندازد. در روایت آمده است که امام صادق علیه السلام نیز این تسبیح را متصل انجام می داد:

۱. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۳۹، أبواب التعقیب، باب ۷، ح ۱.

أَنَّهُ كَانَ يُسَبِّحُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَيَصِلُهُ وَ لَا يَقْطَعُهُ؛^۱

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ تسبیح فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ را پیوسته و متصل انجام می داد و آن را با امور دیگر قطع نمی کرد.

یعنی نشستن در تعقیب برای گفتن ذکر تسبیح، با نشستن در تشهد و سلام متصل گردد و به همان شکل که رو به قبله نشسته است باقی بماند و در بین تعقیب حرف نزند و به اطراف نگاه نکند.

برخی از آثار و پیامدهای تسبیح حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ

آمزش گناهان

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ فِي دَبْرِ الْفَرِيضَةِ قَبْلَ أَنْ يَثْنَى رَجُلَيْهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ؛^۲

کسی که تسبیح فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ را بگوید قبل از آنکه از

۱. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۶۳، أبواب التعقیب، باب ۲۱، ح ۱.

۲. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۴۰، أبواب التعقیب، باب ۷، ح ۴.

حالت نماز گزار خارج شود، خداوند او را می‌آمرزد. جوهر اصلی دین، فرمانبری و اطاعت از خداست و ماهیت بی‌دینی، عصیان و نافرمانی از دستورات الهی و سر به فرمان شیطان و هوای نفس داشتن است. انسان، همیشه در معرض لغزش است و اگر در ادامه زندگی، لطف و عنایت پروردگارش را در نیابد نومیدی بر او چیره می‌گردد و نور امید و رهایی از بند گناهان در او به خاموشی می‌گراید و جرأت گناه در او فزونی می‌یابد؛ اما او که هستی‌بخش و مهربان است و به بندگانش عشق می‌ورزد، هرگز بندگان خاطی خود را تنها نمی‌گذارد و به هر بهانه‌ای و حتی اندک اطاعتی، از او می‌گذرد و سایه رحمت و مغفرتش را بر آنان می‌گستراند.

آرامش دل‌ها با تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام)

انسان اگر چه در طول تاریخ پُر فراز و نشیب خود، بر بعضی از مشکلات و موانع فایق آمده؛ اما در برخی از ابعاد دیگر زندگی توفیقی نیافته است. آرامش و معنویت،

ارزش‌های دینی و انسانی که مهم‌ترین نیاز بشر بوده قربانی مطامع سیاسی و اقتصادی شده و از متن زندگی در حاشیه قرار گرفته است.

زیاده خواهی‌های بی‌حد و حصر که تخریب محیط زیست، فقر و تبعیض و بی‌عدالتی را در پی داشته او را لب پرتگاه نیستی کشانده است. افسردگی و مشکلات روحی، زندگی را تلخ و سرد و بی‌روح و از درون تهی نموده است. پناه بردن به مواد مخدر و داروهای گوناگون و مذاهب و عرفان ساختگی و جعلی هم سرابی بیش نبوده، نه تنها آرامشی در پی نداشته و رنج‌های او التیامی نیافت، که بر گرفتاری و دردهای او افزوده است.

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا﴾؛^۱

کسی که از یاد من غافل و روی گردان شود زندگی سخت و پرمخاطره خواهد داشت.

انسان از اصل و ریشه خود دور افتاده است. باید به ندای

۱. سوره طه، آیه ۱۲۴.

فطرت خود پاسخ گوید و نگاه دیگری به زندگی بیفکند. آنچه را که پیرامون خود می‌بیند؛ نشانه‌های زیبایی، علم، قدرت و رحمت، همه را از خداوند بداند و یاد او را زنده کند. با ذکر و تسبیحات وارده، به ویژه تسبیح حضرت زهرا علیها السلام در موقع کار، وقت استراحت و در طول روز و شب، ارتباط خود را با پروردگارش تقویت نماید.

﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾^۱

با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.

﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ﴾^۲

مرا یاد کنید تا من هم به یاد شما باشم.

﴿أَذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾^۳

خدا را زیاد یاد کنید.

انسان با یاد و حضور خدا در عرصه زندگی اش شخصیت پیدا می‌کند، خود را نیرومند می‌یابد، حس رضایت‌مندی و

۱. سوره رعد، آیه ۲۸.

۲. سوره بقره، آیه ۱۵۲.

۳. سوره احزاب، آیه ۴۱.

آرامش از درون او موج می‌زند. کسی که ذاکر خدای قادر متعال است و با تسبیح زهراى اطهر، همسر شایسته امیرمؤمنان علیه السلام و مادر امامان علیهم السلام به تقدیس و تنزیه خداوند می‌پردازد، خدای بزرگ و آگاه و مهربان هم به یاد بنده شاکرش خواهد بود و او را از نعمت حیات بخش و امید آفرین آرامش، برخوردار می‌گرداند.

دوری از شیطان و رضایت خداوند

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ علیها السلام، ثُمَّ اسْتَغْفَرَ عُفْرَلَهُ، وَهِيَ
مِائَةٌ بِاللِّسَانِ، وَأَلْفٌ فِي الْمِيزَانِ، وَتَطْرُدُ الشَّيْطَانَ،
وَتُرْضِي الرَّحْمَانَ؛^۱

هر که تسبیح فاطمه علیها السلام گوید و از خداوند آمرزش بخواهد، خداوند او را می‌آمرزد و آن بر زبان صد است و در میزان هزار، شیطان را از خود دور می‌کند و خدا را خشنود می‌سازد.

۱. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۴۲، أبواب التعقیب، باب ۸، ح ۳.

شیطان، همیشه در کمین انسان و دشمن قسم خورده و آشکار اوست.^۱ به زشتی‌ها فرمان می‌دهد^۲ و از گناهانش شادمان می‌گردد هر چند خطاهایش ناچیز و کوچک پنداشته شود. با تسبیح حضرت زهرا علیها السلام و مداومت بر آن، خداوند قادر متعال، راه‌های نفوذ شیطان را بسته و از بنده‌اش که همواره به یاد اوست، راضی و خشنود می‌گردد.

حسن عاقبت

امام صادق علیه السلام فرمود:

يَا أَبَاهِرُونَ! إِنَّا نَأْمُرُ صَبِيَانَنَا بِتَسْبِيحِ فَاطِمَةَ علیها السلام، كَمَا نَأْمُرُهُمْ
بِالصَّلَاةِ فَالْزَمْنَهُ، فَإِنَّهُ لَا يَلْزَمُهُ عَبْدٌ فَشَقِيٌّ؛^۳

ای اباهارون! ما تسبیح فاطمه علیها السلام را به کودکان خود امر می‌کنیم، همان‌طور که نماز خواندن را به آنها فرمان می‌دهیم؛ پس بر انجام آن استوار باش، و بنده‌ای نیست

۱. نک: سوره یس، آیه ۶۰.

۲. نک: سوره بقره، آیه ۱۶۹.

۳. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۴۱، أبواب التعقیب، باب ۸، ح ۲.

که بر آن مداومت داشته و شقی گردد.
 در این حدیث شریف، دو نکته مورد توجه قرار گرفته و
 بر آن تأکید شده است:

۱) همان طور که باید به واجبات اهمیت داد به مستحبات
 نیز باید توجه کرد و در این امور، والدین از فرزندان خود
 غافل نشوند و آنها را نیز با خود همراه نمایند و سعی کنند
 فرزندان با مستحبات دینی مأنوس شوند.

۲) اینکه با تسبیح آن حضرت علیها السلام، انسان از شقاوت و
 بدبختی فاصله می گیرد. این امر زمانی تحقق می یابد
 که این ذکر، دوام داشته باشد و بر آن مواظبت پیدا شود،
 خدا را به زبان یاد کند و در قلب به او توجه کند
 تا انوار عظمت پروردگار، در وجودش تجلی یابد و
 زمینه حسن عاقبت که همیشه یکی از دغدغه های انسان
 بوده، فراهم آید تا بتواند با قلبی آرام و خاطری آسوده
 این جهان را با همه ی دلبستگی هایش ترک نماید و چشم از
 جهان فرو بندد.

تسبیح فاطمه علیها السلام برای محفوظ ماندن از خطرات

امام صادق علیه السلام فرمود: «دو برادر، خدمت پیامبر رسیدند و عرض کردند: برای تجارت، عازم شام هستیم، به ما چیزی پیاموزید تا از خطرات، محفوظ بمانیم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: وقتی به کاروانسرا رفتید و نماز عشا را به جا آورید، تسبیح فاطمه علیها السلام و آیه الکرسی را بخوانید تا صبح از هر خطری محفوظ خواهید بود.

در بین راه عده‌ای دزد آنها را تعقیب کردند. وقتی که آن دو برادر به کاروانسرا رسیدند، دزدان، غلام خود را مأمور کردند که تا از حال این دو برادر آگاه شود که آیا خوابند یا بیدار؟ آن دو تاجر که آیه الکرسی و تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را طبق دستور پیامبر صلی الله علیه و آله خوانده بودند به بستر خواب رفتند و در و دیوار بر آنها احاطه شده بود و هر چه غلام جستجو کرد کسی را ندید. برگشت و ماجرا را گزارش کرد. دزدها حرف مأمورشان را باور نکردند و او را متهم به دروغ و ترس نمودند و خودشان موضوع را پیگیری کردند. آنها هم نه چیزی دیدند و نه چیزی شنیدند و

دست خالی برگشتند. صبح که آفتاب بر آمد در همانجا دو برادر تاجر را دیدند؛ از آنها پرسیدند که شب کجا بودید؟ گفتند: ما همین جا در کاروانسرا بودیم. دزدان گفتند: به خدا قسم ما شب آمدیم به اینجا و چیزی جز در و دیوار ندیدیم، بگوئید قضیه چیست؟ گفتند: ما قبل از سفر نزد پیامبر ﷺ رفتیم و از او خواستیم چیزی به ما بیاموزد تا از خطرات در امان بمانیم. آن حضرت به ما توصیه کردند که آیه‌الکرسی و تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) را بخوانیم و ما هم به دستور رسول خدا ﷺ عمل کردیم. دزدها گفتند: به خدا قسم ما دیگر به دنبال شما نخواهیم آمد و با خواندن این دستور هرگز بر شما مسلط نخواهیم شد.^۱

۱. المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۸، باب التحرز، ح ۱۲۰؛ «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: أَتَى أَخَوَانِ رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَا: إِنَّا نُرِيدُ الشَّامَ فِي تِجَارَةٍ فَعَلَّمْنَا مَا نَقُولُ، فَقَالَ: نَعَمْ، إِذَا أَوَيْتُمَا إِلَى الْمَنْزِلِ فَصَلِّمَا الْعِشَاءَ الْأَجْرَةَ، فَإِذَا وَضَعَ أَحَدُكُمَا جَنْبَهُ عَلَى فِرَاشِهِ بَعْدَ الصَّلَاةِ فَلْيُسَبِّحْ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، ثُمَّ الْيَقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ، فَإِنَّهُ مُحْفُوظٌ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى يُصْبِحَ، وَإِنْ لُصُوصًا تَبِعُوهُمَا حَتَّى إِذَا نَزَلَا بَعَثُوا غُلَامًا لَهُمْ يَنْظُرُ كَيْفَ حَالَهُمَا نَامَا أَمْ مُسْتَقِظَيْنِ، فَإِنْتَهَى الْغُلَامُ إِلَيْهِمَا وَقَدْ وَضَعَ أَحَدُهُمَا جَنْبَهُ عَلَى فِرَاشِهِ وَ قَرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) قَالَ: فَإِذَا عَلَيْهَا حَائِطَانِ مُبْنَيْنِ، فَجَاءَ الْغُلَامُ فَطَافَ بِهِمَا فَلَمَّا دَارَ لَمْ يَرَ إِلَّا الْحَائِطَيْنِ مُبْنَيْنِ، فَقَالُوا لَهُ: أَخْرَاكَ اللَّهُ، ←



فصل دوم

نماز جعفر طیار (علیه السلام)

این نماز را - که به نام‌های «نماز حبوه» و «نماز تسبیح» هم نامیده شده است - حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله پس از فتح خیبر و به هنگام ورود جعفر بن ابی طالب (برادر حضرت علی علیه السلام) از هجرت حبشه به مدینه، به عنوان هدیه، به وی

→ لَقَدْ كَذَبْتَ بَلْ صَعُفْتَ وَ جَبْنْتَ، فَقَامُوا فَتَطَرُوا فَلَمْ يَجِدُوا إِلَّا حَائِطِينَ، فَدَارُوا بِالْحَائِطِينَ فَلَمْ يَسْمَعُوا وَ لَمْ يَرَوْا إِنْسَانًا، فَأَنْصَرَفُوا إِلَى مَنَازِلِهِمْ، فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْعَدِ جَاءُوا إِلَيْهَا فَقَالُوا: أَيْنَ كُنْتُمْ؟ فَقَالَا: مَا كُنَّا إِلَّا هَاهُنَا وَ مَا بَرِحْنَا، فَقَالُوا: وَ اللَّهُ لَقَدْ جِئْنَا وَ مَا رَأَيْنَا إِلَّا حَائِطِينَ مُبْنَيْنِ، فَحَدَّثُونَا مَا قَصَّيْتُمْ؟ قَالَ: أَتَيْنَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَسَأَلْنَاهُ أَنْ يُعَلِّمَنَا، فَعَلَّمَنَا آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عليها السلام، فَقُلْنَا، فَقَالُوا: انطَلِقُوا لَا وَ اللَّهِ مَا تَتَّبِعُكُمْ أَبَدًا، وَ لَا يَقْدِرُ عَلَيْكُمْ لُصٌّ أَبَدًا بَعْدَ هَذَا الْكَلَامِ.

تعلیم فرمود.

در این باره امام صادق علیه السلام می فرماید:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به جعفر فرمود: آیا به تو هدیه ای بدهم؟
 آیا به تو بخششی نمایم؟ آیا به تو عنایتی کنم؟ جعفر
 عرض کرد: آری یا رسول الله!
 مردمی که در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند گمان کردند
 که حضرت می خواهد به او طلا یا نقره ببخشد، لذا
 هجوم آوردند تا هدیه پیامبر را ببینند؛ اما پیامبر صلی الله علیه و آله
 فرمود: عملی را به تو هدیه می کنم که اگر هر روز
 آن را انجام دهی، از دنیا و آنچه در دنیاست برای تو
 بهتر باشد، و اگر هر دو روز به یک بار انجام دهی،
 خداوند گناهان بین آن دو روزت را می بخشد، و اگر
 هر جمعه یا هر ماه و یا هر سال یک بار به انجام آن
 توفیق یابی، خداوند گناهان بین این دو نمازت را -
 اگر چه یک سال باشد - می بخشد.^۱

۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۹، ح ۱.

سپس این نماز را به جناب جعفر آموخت. این نماز بسیار مهم و ارزشمند است و با سندهای فراوان و معتبر، از شیعه و سنی به صورت متواتر نقل شده است. فضیلت و برکات بسیاری برای این نماز گفته شده است که مهم ترین آن آموزش گناهان بزرگ و برآوردن حاجات و حلّ مشکلات دنیا و آخرت است.

به گفته‌ی صاحب جواهر رحمته اللّٰه علیہ: «ائمہ اطہار علیہم السلام برخواندن آن مداومت داشته‌اند»^۱.

خواندن این نماز در هر زمانی مستحب مؤکد است و سزاوار است هر وقت که توفیق حاصل گردد از آن غفلت نشود؛ به خصوص آن که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«ای مفضل! هرگاه سختی و حاجت مهمّی داشتی، پس؛ نماز جعفر را بخوان و پس از آن به این دعا - دعای «یا ربّ یا ربّ... اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَفْتِیْحُ» که پس از به‌جا آوردن نماز جعفر خوانده می‌شود - دعا کن و از خدا حاجات را طلب کن که

۱. جواهر الکلام، ج ۲، ص ۱۹۹.

انشاء الله روا خواهد شد.^۱

اما با فضیلت ترین وقت آن: صبح روزهای جمعه، هنگام طلوع آفتاب، و شب نیمه شعبان است.

همچنین نماز جعفر طیار را در هر حالی؛ اعم از سفر یا حَضَر و در هر مکانی؛ به خصوص مَشاهد شریفه امامان معصوم علیهم السلام، می توان به جا آورد.

مرحوم علامه مجلسی رحمته الله علیه در خصوص خواندن این نماز در حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام و امامان دیگر علیهم السلام نقل می کند که:

هر کسی به زیارت امام رضا علیه السلام یا یکی از امامان معصوم علیهم السلام مشرف شود و در حرمش نماز جعفر طیار را بخواند، در مقابل هر یک رکعت از آن نماز، ثواب کسی که هزار حج و هزار عمره به جا آورده و هزار بنده آزاد کرده و هزار مرتبه به جهاد در راه خدا با پیامبر خدا ایستاده باشد، در نامه اعمالش نوشته

۱. بحار الأنوار ج ۸۸، ص ۲۰۰، باب فضل صلاة جعفر بن ابی طالب، ح ۴.

می‌شود. و برای هر قدمش، ثواب صد حج و صد عمره و آزاد کردن صد بنده در راه خداست. و برای او ثواب صد حسنه و محو صد گناه در نامه عملش ثبت می‌گردد.^۱

آداب و کیفیت نماز جعفر طیار

این نماز چهار رکعت است با دو تشهد و دو سلام؛ یعنی دو تا دو رکعتی.

اگرچه در هر رکعت این نماز، پس از قرائت سوره «حمد»، هر سوره‌ای خوانده شود کفایت می‌کند؛ لیکن مستحب است به روش ذیل به‌جا آورده شود:

«در رکعت اول بعد از سوره «حمد»، سوره زلزله: ﴿إِذَا زُلْزِلَتْ﴾؛

«و در رکعت دوم بعد از سوره «حمد»، سوره عادیات: ﴿وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا﴾؛

۱. بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۳۷، ح ۲۵.

« در رکعت سوم بعد از سوره «حمد»، سوره نصر: «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ»؛

« و در رکعت چهارم بعد از سوره «حمد»، سوره اخلاص: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ».

پس از خواندن حمد و سوره در هر چهار رکعت - به روشی که در بالا گفته شد - قبل از رفتن به رکوع، ۱۵ بار ذکر تسیحات: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» گفته شود.

« در رکوع همین ذکر ۱۰ بار؛

« پس از بلند شدن از رکوع - در حال قیام - همین ذکر ۱۰

بار؛

« در سجده اول باز همین ذکر ۱۰ بار؛

« بین دو سجده - در حالی که نشسته - همین ذکر ۱۰ بار؛

« در سجده دوم همین ذکر ۱۰ بار؛

◀ پس از سجده دوم هر رکعت هم - یعنی در رکعت اول قبل از برخاستن و همچنین در رکعت دوم قبل از تشهد و سلام - ۱۰ بار این تسیّحات گفته شود، که روی هم در هر رکعت ۷۵ بار و در مجموع چهار رکعت ۳۰۰ بار این تسیّحات گفته می شود.

مستحب است در سجده دوم از رکعت چهارم این نماز، بعد از تسیّحات فوق این دعا را بخوانند:

سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ الْعِزُّ وَالْوَقَارُ، سُبْحَانَ مَنْ

پاک و منزّه است کسی که عزیز و باوقار است، پاک و منزّه است کسی

تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَ تَكْرَمَ بِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي

که بزرگیش فراگیر است و به این بزرگی گرامی داشته می شود، پاک و منزّه است کسی که

التَّسْبِيحِ إِلَّا لَهُ، سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ

تسبیح و تقدیس فقط سزاوار اوست، پاک و منزّه است کسی که علمش بر همه چیز

عِلْمُهُ، سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَ النَّعْمِ، سُبْحَانَ ذِي

شمارش کرده است، پاک و منزّه است صاحب فضل و نعمتها پاک و منزّه است صاحب

الْقُدْرَةِ وَ الْكَرَمِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ

قدرت و کرم. خداوندا! به حق آنچه موجب عزت

مِنْ عَرْشِكَ وَ مُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَ

عرش تو گشته و به حق منتهای رحمت کتابت و

اسْمِكَ الْاَعْظَمِ وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ الَّتِي تَمَّتْ

اسم اعظمت و بهترین و کاملترین کلمات که از نظر

صِدْقًا وَ عَدْلًا، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ وَ اَفْعَلْ

صداقت و عدالت به حد کمالند از تو می‌خواهم که درود بفرستی بر محمد و خاندانش

بِى كَذَا وَ كَذَا.

و درباره من چنین و... کن.

به جای این کلمات: «وَأَفْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا» حاجات خود

را به عربی یا فارسی از خداوند بخواهند که انشاء الله مستجاب است.

در رکعت دوم هر دو رکعتی از نماز جناب جعفر، بعد از تسیحات و قبل از رکوع، خواندن قنوت هم مستحب است.

بهتر است ذکر رکوع «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» و ذکر سجود «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ» در تمام رکعات نماز جعفر طیار، قبل از تسیحات یا بعد از آن، گفته شود.

دعای پس از اتمام نماز جعفر طیار

پس از پایان نماز، دست‌ها را به آسمان بلند کند و این دعا را بخواند:

«يَا رَبِّ يَا رَبِّ» به اندازه یک نفس، «يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ» به اندازه

یک نفس، «رَبِّ رَبِّ» به اندازه یک نفس، «يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ» به اندازه یک نفس، «يَا حَيُّ يَا حَيُّ» به اندازه یک نفس، «يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ» به اندازه یک نفس.

پس از آن هفت مرتبه: «يَا رَحْمَانُ يَا رَحْمَانُ» و هفت مرتبه بگوید: «يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» و در پایان بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَفْتِحُ الْقَوْلَ بِحَمْدِكَ، وَ أَنْطِقُ بِالشَّاءِ

خدایا من گفتارم را به ستایش تو آغاز می‌کنم، و به ثنای تو

عَلَيْكَ، وَ أُمَجِّدُكَ وَ لَا غَايَةَ لِمَدْحِكَ، وَ أَثْنِي

زبان می‌گشایم، و تو را به بزرگی یاد می‌کنم، و ستایشت پایان ندارد، و تو را ثنا

عَلَيْكَ وَ مَنْ يَبْلُغُ غَايَةَ ثَنَائِكَ، وَ أَمَدَ مَجْدِكَ وَ

گویم ولی آنکس که به منتهای ثنای تو و انتهای عظمتت برسد کیست؟ و کجا

أَنِّي لِخَلِيقَتِكَ كُنْهُ مَعْرِفَةِ مَجْدِكَ، وَ أَيَّ زَمَنِ

مخلوق تو می‌تواند به کنه معرفت بزرگی تو برسند، و چه وقت بوده

لَمْ تَكُنْ مَمْدُوحًا بِفَضْلِكَ مَوْصُوفًا بِمَجْدِكَ،

که تو به فضل خویش ستوده نبوده‌ای، و به مجد و عظمت موصوف نگشته‌ای،

عَوَادًا عَلَى الْمُذْنِبِينَ بِحِلْمِكَ، تَخَلَّفَ سُكَّانُ

و با بردباری خود بر گنهکاران پی در پی باز نگشته‌ای، ساکنان

أَرْضِكَ عَنْ طَاعَتِكَ، فَكُنْتَ عَلَيْهِمْ عَطُوفًا

زمینت از اطاعت تو سر باز زدند، ولی تو بر آنها به بخشش

بِجُودِكَ، جَوَادًا بِفَضْلِكَ عَوَادًا بِكَرَمِكَ، يَا لَا إِلَهَ

مهر ورزی، و به فضل خویش بر آنها جود و کرم کردی، و به کرمت پی در پی بر آنها نظر کردی، ای

إِلَّا أَنْتَ الْمَنَّانُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

که نیست معبودی جز تو نعمت دهنده بسیار و صاحب جلال و کرامت.

پس از پایان این دعا سزاوار است شخص، حاجات مهمه و ضروری خود را از خداوند مسئلت نماید، انشاءالله برآورده می شود.

در پایان ضمن طلب مغفرت برای تمام مؤمنین و مؤمنات،
والدین حضرت آیه الله العظمی صانعی و همسر مکرمه‌ی
ایشان بانو حاجیه خانم شفیعی را از دعای خیر فراموش
نفرمایید.

کتابنامه

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. ارشاد، شیخ مفید، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول، قم، ۱۴۱۳ ق.
۴. اعلام الدین، دیلمی، مؤسسه آل البيت، چاپ اول، قم، ۱۴۰۸ ق.
۵. أقرب الموارد فی فصیح العربیة والشوارد، سعید الخوری الشرتونی اللبنانی، دارالاسوه، چاپ دوم، ایران، ۱۳۸۵ ش.
۶. امالی، شیخ صدوق، کتابخانه اسلامی، چاپ چهارم،

- ۱۳۶۲ ق.
۷. امالی، شیخ طوسی، دارالثقافة، چاپ اول، قم، ۱۴۱۴ ق.
۸. امالی، شیخ مفید، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ دوم، قم، ۱۴۱۳ ق.
۹. آشنایی با بحار الانوار، احمد عابدی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
۱۰. بحار الانوار، علامه مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت - لبنان، ۱۴۰۴ ق.
۱۱. بلد الامین، کفعمی، چاپ سنگی.
۱۲. تفسیر، امام حسن عسکری، چاپ اول، مدرسه امام مهدی (عج)، قم، ۱۴۰۹ ق.
۱۳. توحید، شیخ صدوق، چاپ دوم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۹۸ ق.
۱۴. تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ش.

۱۵. ثواب الاعمال، شیخ صدوق، چاپ دوم، شریف رضی، قم، ۱۳۶۴ ش.
۱۶. جامع الاخبار، شعیری، چاپ دوم، شریف رضی، قم، ۱۳۶۳ ش.
۱۷. خصال، شیخ صدوق، چاپ دوم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ ق.
۱۸. دعائم الاسلام، نعمان بن محمد تمیمی، چاپ دوم، دارالمعارف، مصر، ۱۳۸۵ ش.
۱۹. الدعوات، قطب الدین راوندی، چاپ اول، مدرسه امام مهدی (عج)، قم، ۱۴۰۷ ق.
۲۰. دلائل الامامة، طبری، دارالذخائر للمطبوعات، قم.
۲۱. الذریعة الی تصانیف الشیعة، آقا بزرگ تهرانی، دار الاضواء، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۰۳.
۲۲. رجال کشی، کشی، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش.
۲۳. روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، محمد تقی مجلسی، بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانیپور.

۲۴. ریحانة الادب، محمد علی مدرس تبریزی، نشر خیام، تهران، ۱۳۲۶.
۲۵. زندگی نامه علامه مجلسی، سید مصلح الدین مهدوی، چاپ اول، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۲۶. شناخت نامه علامه مجلسی، مهدی مهریزی، هادی ربانی، چاپ اول، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۲۷. صحیفة الامام الرضا علیه السلام، نجف، محمد مهدی، چاپ اول، مشهد، ۱۴۰۶ ق.
۲۸. طب الائمة، ابن بسطام، چاپ دوم، شریف رضی، قم، ۱۴۱۱ ق.
۲۹. عدّة الداعی، ابن فهد حلی، چاپ اول، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۳۰. العروة الوثقی، یزدی سید محمد کاظم.
۳۱. علل الشرائع، شیخ صدوق، مکتبة الداوری، قم.

۳۲. عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الآيات و الاخبار و الاقوال، بحرانی اصفهانی - عبدالله بن نورالله، مؤسسة الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، چاپ اول، قم، ۱۴۱۳.
۳۳. عيون اخبار الرضا، شيخ صدوق، انتشارات جهان، ۱۳۷۸ ش.
۳۴. الغيبة، شيخ طوسی، مؤسسه معارف اسلامی قم، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
۳۵. فقه الرضا، امام رضا، کنگره جهانی امام رضا مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.
۳۶. فلاح السائل، سيّد ابن طاووس، دفتر تبليغات اسلامی حوزة علميه قم.
۳۷. قرب الاسناد، حمیری، کتابخانه نینوا، تهران.
۳۸. قصص العلماء، محمد بن سليمان تنكابنی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹.
۳۹. کارنامه علامه مجلسی، عطائی خراسانی، کتابفروشی

- اسلامیه، ۱۳۱۸، مشهد.
۴۰. کافی، شیخ کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ ش.
۴۱. كشف الغمة فی معرفة الائمة، اربلی علی بن عیسی، بنی هاشمی، چاپ اول، تبریز، ۱۳۸۱.
۴۲. کمال الدین، شیخ صدوق، دارالکتب الاسلامی، چاپ دوم، قم، ۱۳۹۵ ق.
۴۳. کنزالفوائد، شیخ کراچکی، دارالذخائر، چاپ اول، قم، ۱۴۱۰ ق.
۴۴. الکنی و الألقاب، حاج شیخ عباس قمی، جامعه مدرسین، چاپ اول، قم، ۱۴۲۵.
۴۵. گلستان سعدی، سعدی، انتشارات صفی علیشاه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۲ ش.
۴۶. المحاسن، برقی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، قم، ۱۳۷۱ ق.
۴۷. المحجة البيضاء فی تهذیب الإحیاء، محسن کاشانی،

- جامعه مدرسین، چاپ دوم، قم.
۴۸. مستدرک الوسائل، محدث نوری، آل البيت لاحياء التراث، چاپ اول، قم، ۱۴۰۸ ق.
۴۹. مستطرفات السرائر، محمد بن ادريس حلی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۱ ق.
۵۰. مصباح المتهدجد، شيخ طوسی، فقه الشيعه، چاپ اول، بيروت، ۱۴۱۱ ق.
۵۱. مصباح، شيخ كفعمی، رضی، چاپ دوم، قم، ۱۴۰۵ ق.
۵۲. معانی الاخبار، شيخ صدوق، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۱ ش.
۵۳. مفتاح الفلاح، شيخ بهایی، دارالاضواء، چاپ اول، بيروت، ۱۴۰۵ ق.
۵۴. مفردات الفاظ القرآن، راغب اصفهانی، سليمانزاده، چاپ دوم، قم، ۱۴۲۷.
۵۵. مقباس المصاييح، علامه محمد باقر مجلسی، مركز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان، چاپ اول،

- اصفهان، ۱۳۹۰ش.
۵۶. المقنعة، شیخ مفید، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول، قم، ۱۴۱۳ ق.
۵۷. مکارم الاخلاق، طبرسی حسن بن فضل، شریف رضی، چاپ چهارم، قم، ۱۴۱۲ ق.
۵۸. مکارم الاخلاق، طبرسی، شریف رضی، چاپ چهارم، قم، ۱۴۱۲ ق.
۵۹. من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۴۱۳ ق.
۶۰. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ابن شهر آشوب، نشر علامه، چاپ اول، قم، ۱۳۷۹.
۶۱. مهج الدعوات، سید بن طاووس، چاپ اول، دارالذخائر، قم، ۱۴۱۱ ق.
۶۲. نابغه فقه و حدیث، محمد جزایری، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت (علیهم السلام).
۶۳. وسایل الشیعه، شیخ حر عاملی، چاپ اول، آل البيت

لاحیاء التراث، قم، ۱۴۰۹ ق.

۶۴. وقعة صفین، نصر بن مزاحم، چاپ دوم، کتابخانه آیه الله

العظمی مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۳ ق.

۶۵. یادنامه علامه مجلسی، مجموعه مقالات، گفت و گوها و

سخنرانی‌های همایش بزرگداشت علامه مجلسی، مهدی

مهریزی، هادی ربانی، چاپ اول، سازمان چاپ و

انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران،

۱۳۷۹ ش.

